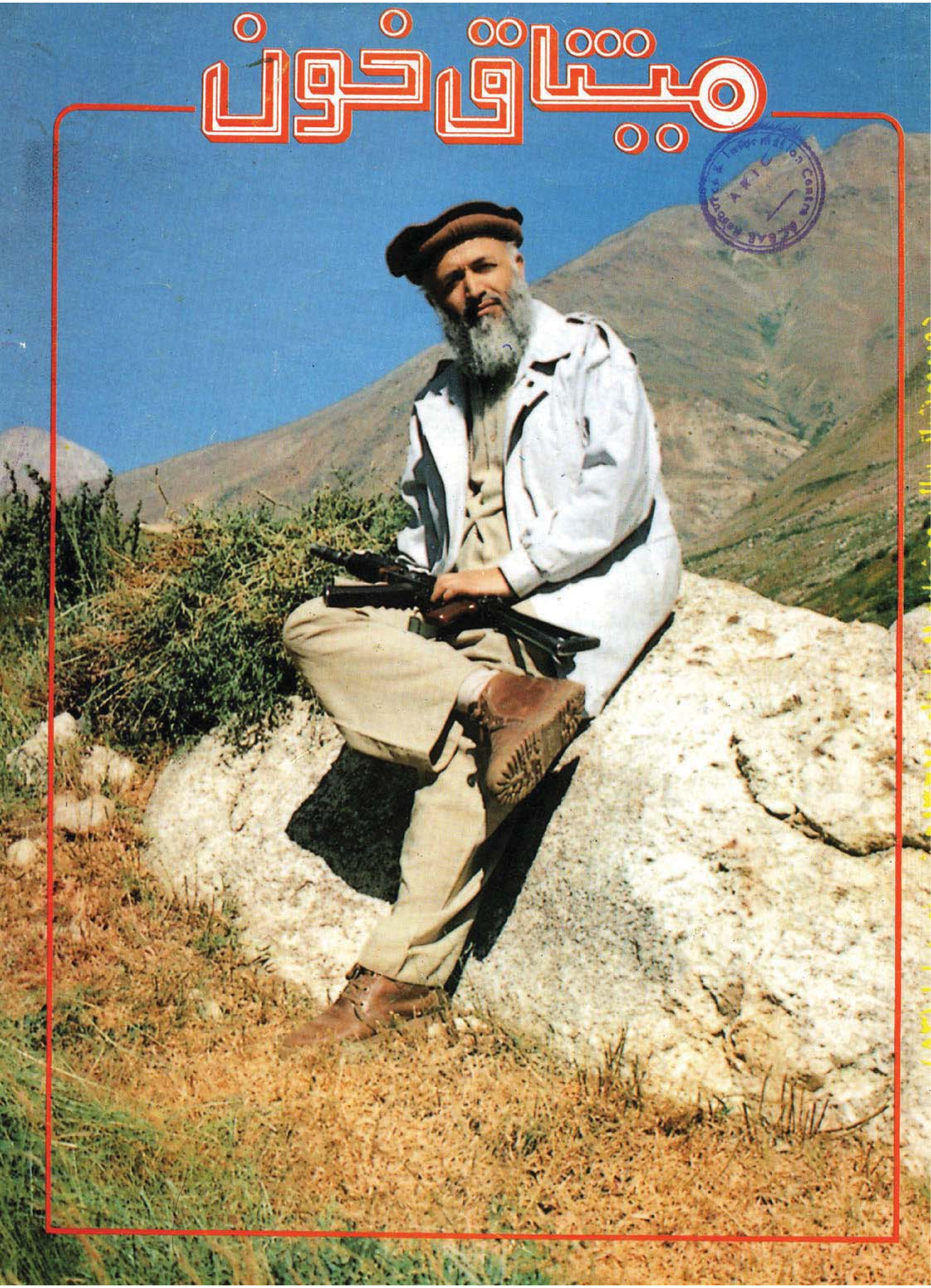
میثاق خون



مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللّٰهَ عَلَيْهِ

میثاق خون

ارگان نشراتی کمیته فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان

دور دوم نشراتی سال سوم شماره ۱۱ ماه دلو – ۱۳۶۷ هـ ش – مسلسل (۵۳)

مطالب این شماره

شماره	مضمون	صفحه
۱–	سرمقاله	۳
۲–	متن سخنرانی رهبر جمعیت ...	۴
۳–	انگیزه های سقوط در	۲۲
۴–	په ژوندانه کې د ایمان نقش	۲۷
۵–	نگاهی به شخصیت و	۳۰
۶–	اقتصاد اسلامی	۳۸
۷–	تاریخ تکرار ریزی	۴۳
۸–	نواهای شور انگیز انقلاب	۴۸
۹–	انقلاب و انتقاد	۵۰
۱۰–	هدف از تنصیب موشک	۵۴
۱۱–	منطق استکبار	۵۷
۱۲–	رویش های جنگ فکری	۶۱
۱۳–	جلوگیری از پخش	۶۶
۱۴–	ترکستان مستعمره	۷۲
۱۵–	مصاحبه	۷۵
۱۶–	در گلزمین شعر و ادب	۷۸
۱۷–	بخون خفتگان سنگر حق	۸۳
۱۸–	ظاهر شاه و چند مطلب دگر	۹۲

شورا و جرگه

جستجوگران نامی و مؤرخین بزرگ که ساحه زندگی اقوام و ملل را کاوش و بررسی کرده اند و سیاحین معروفیکه در شکن قرنها ضمن سیر و سفر شان اقالیم و مرز های کشورهای جهان را پی سپر نموده شیوه مُعاشرت، کلچر و فرهنگ باشندگان مناطق مختلفه دنیا را از نزدیک مشاهده کرده اند به ثبوت رسانده اند که هر قوم و هر سرزمین را خواصی است جداگانه که با ویژگی های خود در طرز زندگی قوم دیگر و اقلیم دیگر سراغ نمی شود.

روی این اساس مرزوبوم افغانستان و باشنده گان آن از آنسوی مرزهای تاریخ یعنی از روزگارانیکه فرزندان این سرزمین تنها به شیوه زراعت و مالداری آشنا بودند و هنوز با صبغه بدویت در خم کوه پایه های پامیر و فراشیبی های دو جناح هندوکش حیات بسر میبردند بعضی خواص و دستآوردهای درزندگی داشتند که مخصوص خودشان بوده با سلسله نسلهای این قوم تا عهد ما رسیده است که منجمله ان ممیزات کهن و باستانی یکی هم وجود جرگه ها و شوراها بوده که در پرتو آنها زندگی شان ساز و برگ

بقیه در صفحه (۴۲)

صفحة مفقودة

واقعیت های جهادی مانشان میدهدکه :

تعداد شهدای جمعیت اسلا می

افرادیک ودوحزبی است که ش



استاد برهان الدین "ربانی"
امیرکرانقدرجمعیت اسلامی
افغانستان بتاریخ سه شنبه ۱۱ دلو
دراجتماع مأمورین وکارمندان
جمعیت اسلامی بیانیه ای ایراد
فرمودند ودررابطه باحفظ
همبستگی واخوت اسلامی وایجاد
نظم بیشتر وصفوف فشرده تردرمیان
خود ، ارشادات وهدایاتی دادند
که اداره" میثاق خون "متن
کامل این سخنرانی رااز نوار
پیاده نموده وغرض آگاهی برادران
وخواهران خواننده تقدیم
میدارد.
(اداره)

بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمدلله
رب العلمین والعاقبة للمتقین والصلوة
والسلام علی سیدنا ونبینا ومولنا محمدوعلی
آله وصحابته ومن دعی بدعوته وجاهدفی
سبیله الی یوم الدین .
برادران گرانقدروعزیز !
السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته وبعد :
چنانچه همه میدانیم دردوران انقلاب
شکوهمند ملت قهرمان افغانستان درهر
سنگری فداکاریهای بیدریغی ازخودنشان
دادوبه همه مشکلات بی نهایتی که دردوران
انقلاب باآن روبروبودیم سرانجام به لطف
پروردگار اکنون درآستانه پیروزی نهائی
رسیده ایم .درگذشته ها با محرومیتها پنجه نرم
شد درسنگرهای خونین سنگرنشین های
عزیزمان حماسه ها آفریدند ، برادران آواره
ومهاجرمان دراردوگاه های هجرتشان با کمال
صبرواستقامت دربرابرمحرومیت ها وزیادی
ثبات واستقامت عظیمی ازخودنشان دادند

در بعضی از ولایات کشور بیش از
ـاید فعلاً در صحنه مطرح باشند




عزیزمان، سنگرنشینان قهرمان میهن توانستند افتخارات عظیمی را نصیب ملت مومن ما در دوران جهاد خود بسازند، حماسه ها آفریدند، اما امروز در مرحله خیلی حساس و سرنوشت سازی قرار داریم که در شرایط کنونی توجه بهتر و اهتمام بیشتری اگر به کارها نداشته باشیم، یقیناً" که سرمایه های عظیم و دست آوردهای بزرگی را که در دوران جهاد و انقلاب بدست آورده ایم خدای نخواسته ضایع خواهد شد. در هر انقلاب دو مرحله خیلی ها مهم و عمده است: آغاز انقلاب و پایان کار انقلاب و مراحل کشمکش های خطیر نظامی و سرانجام به پیروزی رسید.

برای هر مرحله از مراحل انقلاب مشکلاتی و خصوصیاتی است که باید در نظر داشت در دورانیکه ما و شما با حملات وحشیانه دشمن در قریه ها و شهرهای خود روبرو بودیم، توجه اعظمی ما به این نقطه معطوف بود که به شکل بهتر سنگرهای جهادی خود را قوت بخشیم تا بتوانیم در برابر دشمن با ثبات و پایداری مقاومت بعمل بیاوریم و به لطف خدا و شد چنین کاری هم صورت پذیرفت و فرماندهان

صفحة مفقودة

راه پیروزی برای مسلمانان زجرکشیده درکشورهای دیگری بازمیشود. نقشه ٔ جغرافیائی وسیاسی جهان عوض می شود ومراکزقدرت درجهان بشکلی که درگذشته بودباقی نمانده کشورهای مسلمان که بحیث تنها منابع صادراتی موادخام ومراکز تجربوی سلاحهای خطرناک جنگ افروزان جهانی است بهاین شکل باقی نمی مانند هویت جهان اسلام دوباره اعاده می شود ازین پس منظر، مسلمانان آگاه درجهان امروزبابی صبری منتظر آخرین نتائج انقلاب اسلامی درافغانستان عزیز هستندکه بهلطف پروردگارهرچه زودتردراینجا این انقلاب بهپیروزی برسد (تکبیرحضار).

درراه حفظ انقلاب اسلامی درافغانستان عزیز ودرجهت تشکیل یک دولت مستحکم وپاسداری ازدستآوردهای انقلاب اسلامی ما نیاز بهیک دولت قوی مرکزی داریم ونیازبهیک سازمان نیرومنداسلامی داریمتا مسئولیت های انقلابی واسلامی خودرادرجهت پاسداری حکومت مرکزی ووحدت ملی افغانستان بسر برسانند، اینجاستکه ما درارتباط به جمعیت اسلامی مان کهدردوران انقلاب اسلامی، بحیث قدرت نیرومندنظامی تبارز نمودوازلحاظ ساختمان اجتماعی وسیاسی، بحیث یک قدرت سرتاسری درکشورمطرحبوده وهست، جمعیت اسلامی بحیث قدیمترین سازمان اسلامی کشور، مراکزنظامی وادارای وسیاسی اش مربوط بهکدام قومی بخصوصی مربوط بهکدام ولایتی بخصوصی ومربوط به چندجبههای نبوده بلکهازشمال تاجنوب وازشرق تاغرب ودرمیان طبقات مختلف مردم افغانستان وقومیتهای مختلفه قشر های مختلف، جمعیت اسلامی مان بعنوان قدرت همگانی وسرتاسری درگذشته مطرحبوده وهنوزهم بحیث یک قدرت اساسی مطرح است واین یک حقیقتی استکه اگرجمعیت بعنوان یک قدرت نظامی وسیاسی درصحنه ٔ انقلاب اسلامی مطرحنمیبودومطرحنباشد، مسأله تجزیه ٔ افغانستان، مسلٔه پارچه پارچه شدن افغانستان امریست که خدای نخواسته دشمن می تواندبسادگی این را پیاده کند.

بایدهمه بدانیم وچنانچه همه اطلاع داریم: در برابرحرکت های تجزیه طلب درشمال کشور دربرابرحرکتهائی بنام "ستمملی" تنها نیروی سازنده ونیروی ضربتی که توانست جلواین حرکتهای تجزیه طلب را بصورت فیصله کن بگیردوریشه هرنوع حرکت تجزیه طلبانه راازبین ببرد، تنها جمعیت بوده ودرآینده بازهم تنها جمعیت استکه چنین شایستگی وچنین نیرومندی را داشته ودارد (تکبیرحضار) ازلحاظ نظامی چه، کسانی اعتراف بکنند ویانکنندواقعیتهای جهادی مانشان میدهدکه تعدادشهدای جمعیت اسلامی دربعضی ازولایات کشوربیش ازافرادیک ودوحزبی استکه شایدفعلا" درصحنه مطرحباشند. تازه ما بعدازغوغا وهیاهوی سیه دلان کوردلی که همیش قضایا را بعینک سیاه وحقداسودخود می بینند، هیاهوئی را براه انداخته بودند که گویا برادراحمدشاه "مسعود" باروسها پیمانی بسته وبالای کاروانهای روسی حمله نمیکندوحرفهای هرزه ای ازاین قبیل. اما تازه ترین برخوردسخت وحمله جنایتباری که روسها درافغانستان داشتنددرهمین منطقه ٔ تابع ادارهوسنگرهای جمعیت بودکه روسها درهفته ٔ گذشته درمناطق شتل، سالنگ

پنجشیر ،ورسج ،فرخار وخوست وفرنگ حمله‌های وحشیانه‌ای داشتند که در اثر حمله‌شان بالای شتل وسالنگ بیش از ششصد نفر که تا حال اجساد شان از زیرخاک کشیده شده ،شهید شدند . وبیش از دوهزار نفر زخمی است ویک قریه‌ای درشتل ودرمسیر راه سالنگ باقی نمانده وتنها با حمله‌ای که دوشب قبل بالای پنجشیر داشتند تنها در قریه خنج هفتاد نفر جام شهادت نوشیدند .وهنوز هم این حملات ادامه دارد .بهمه حال این حقیقت نشان میدهد که اصلا" روسها از کجا میترسند وچه کسی را دشمن خود میدانند ،اما دیگرانی هستند که با دشمن پیمانهای سری وغیرعلنی می‌بندند اما علیه سازمان اصیل وانقلابی جمعیت هرزه‌سرائی هائی میکنند .

بهرحال این حقیقت است که براستی دشمن از جمعیت سخت درهراس است ،لذا وظیفه‌ء فرد فرد ماست که در شرایط انقلابی ودر شرایطیکه ما به پیروزی نهائی رسیده‌ایم ،برادران ما سخت احساس مسوءلیت بکنند .درگذشته ها اگر ما متوجه سنگرها بیشتر بودیم وباید هنوز هم باشیم ،اما امروز در پهلوی توجه به سنگرها مسأله نظم اداری وتوجه به فعالیتهای تشکیلاتی در میان برادران مخلص ومؤمن ما در جمعیت ،امر اساسی وبنیادیست که سخت به آن توجه باید کرد . امروز دیگر دوران خودسازیست ،دوران همبستگیست ودوران کارهای سازنده ایست که بتوانیم در اثر آن ،نیروی سرتاسری جمعیت را بعنوان پاسدار نیرومند انقلاب اسلامی ،بعنوان حافظ وحدت ملت افغانستان بعنوان نیروی قوی ومستحکمی که در برابر هرنوع خطرات داخلی وخارجی آماده بوده باشد .باید خود را به این مرحله برسانیم ودر این جهت گامهای سازنده ومؤثری برداریم

برادران عزیز از در ارتباط به قضایای کنونی ومسایل آینده‌ء کشورمان در صحبتهای قبلی یک مطلب را اشاره نموده بودم که بار دگر تکرار می کنم : جمعیت به این عقیده بوده وهست که در افغانستان باید حکومتی بمیان بیاید ،حکومت نیرومند ،حکومت قوی که از همه مردم ،از همه اقشار ملت افغانستان تا حد ممکن ،نمایندگی بکند ،وحکومتی باشد که در دوره‌ء انتقالی بتواند جلو هرنوع عمل تجزیه‌طلبانه ،وهرعمل انحصار طلبانه را بگیرد تا مردم احساس محرومیت نکنند وملت افغانستان احساس بیگانگی از حکومت اسلامی شان ننمایند .

جمعیت مظهر وحدت

اینجاست که در این مرحله حساس همه افراد ملت افغانستان، همه اقشار مردم افغانستان باید به شکلی اینها مطمئن ساخته شوند که میتوانند در سرنوشت کشورشان، بدون هیچ نوع اختلاف حقوق، سهیم بوده باشند.

ما در صحبتهای قبلی خود گفته بودیم که ما خواهان وحدت ملی افغانستان، تمامیت ارضی افغانستان، عدالت اسلامی درمیان مردم افغانستان و ایجاد امنیت در داخل کشورمان هستیم که برمبنای تعالیم والای اسلامی و درچوکات تشکیل یک دولت اسلامی این همه ارزشها بمیان بیاید. یکبار دیگر این مطلب را باز تاکید می کنیم؛ که ما درین جهت گام برمیداریم و می کوشیم که چنین حالتی در کشورمان بمیان بیاید.

فعلا" در اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان طرحی روی دست است و درجهت این طرح صحبتهائی هم دوام دارد و ما برای موفقیت هرطرح سازنده، آمادگی کامل برای هرنوع همکاری داریم. البته طرحیکه از طرف اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان مطرح می شود درشورائی که بعدها اگرمشکلات دوری راه و یا عوامل دیگری درمیان نباشد، دردهم فبروری اجتماع شورای مشورتی دائر شود و قضایا و مسائل درشورای مشورتی مطرح شود.

البته کار ما و کار انقلاب ما در یک مرحله و دو مرحله تمام نمیشود، کارها ادامه دارد و باید بصورت متداوم برای ازبین بردن هر مشکلی که درمسیر راه ما قرار دارد، گامهای سازنده ای برداریم و موانع و مشکلات را از میان ببریم و من یقین دارم که با سهمگیری اقشار مختلف و گروه های مختلف، و وحدت و اخلاص شان، مشکلات انشاء الله از میان رفتنیست. بهرحال در شرایط کنونی چیزیرا که ما در ارتباط با تشکیل دولت درکشورمان سخت بالایش توجه داریم اینست که: در افغانستان عزیز شرایطی بمیان نباید که خدای نخواسته افغانستان پارچه پارچه شود و امروز هم من در اخبار جنگ خواندم که صدرالدین آغاخان می گوید: "که اگر مشکلات افغانستان زودتر حل نشود، امکان تجزیه افغانستان درمیان است." . بهرحال بسیار وحدت کلی و سرتاسری درمیان همه مردم افغانستان و در پهلوی آن موجودیت یک سازمان که بتوانند نقش تعیین کننده خود را در ولایات مختلف و درمیان اقشار مختلف مردم افغانستان ایفاء کند و بتوانند با سازمانهای دیگر اسلامی اگر با همه ممکن بود فبها والا با حداکثر بتوانند تعاون و همکاری نزدیکی را بوجود بیاورد. تا مانع تجزیه طلبی درکشور بشود، انکار ناپذیر است. لذا در این جهت جمعیت اسلامی افغانستان تا جائیکه در توان دارد، گامهای موءثر و مفیدی برداشته

ملت افغانستان است

وبرخواهدداشت .لذاازهمه برادرهای خودما میخواهیم که بخاطررسیدن به این هدف والای اسلامی اینها درشرایط کنونی متوجه بسیج نیروهای خودبوده باشندوهمه احساس مسوءلیت بنمایند .اگردیروزمنتظربودیم که ازجبهات چه پیام فتح وپیروزی میرسد حال بایدبه این مطلب توجه کردکه مابداخل کشور،چه پیامی ازکارهای سازنده باخودبه ارمغان می بریم؟ آیابعدازاینکه سنگرنشینهای ماازلحاظ نظامی ،فعالیت های تاریخی انجام دادندماکه برمی گردیم وماکه با برادرهای سنگرنشین خودیکجا می شویم چه پیامی باخودمیبریم؟چه برنامه هائی باخودداریم؟وچه کارهای سازنده ای درپهلوی کارهای باارزش نظامی آنها ماانجام میدهیم؟ برادرهای مادرسنگرهای خود براستی کارهای بزرگی انجام دادند،اما حال ،مسوءلیت برادرهای ما که درمحیط هجرت بسرمیبرندومسوءلیت اینها وبرادرهای ما که درداخل هستند،این است که ما به چه شکل ،یک قدرتی را تشکیل میدهیم که بتوانیم دربرابرهرتوطئه مقاوم بایستیم ومانع هرنوع تفرقه افگنی ها وایجاد مشکلات که دشمنان میخواهندبمیان بیاورند شویم .

برادران عزیز ! ماالبته درطول انقلاب اسلامی مان با مشکلات زیادی روبروبوده ودرآینده هم مشکلات زیادی خواهیم داشت یکی ازمشکلاتی که درطول سالهای گذشته وتاحال هم آثارا ودر بعضی جاها مشاهده میشود ،تبلیغات گمراه کننده ایست که علیه جمعیت اسلامی براه انداخته میشودکه جمعیت گویا مربوط به شمال افغانستان است !گویا جمعیت حافظ منافع یکی ازطبقات مردم افغانستان است ! مسأله زبان ،نژاد قومیت را دشمنان اسلام ودشمنان انقلاب اسلامی درمیان جمعیت مطرح می کنند. در حالیکه واقعیت چنین است که یگانه سازمانیکه به حق میتواند ممثل آرمان قومیتهای مختلفی درکشوربوده باشد آنهم جمعیت اسلامیست .درحالیکه ما می شناسیم ،سازمانهائی را که تنها مربوط به یک قریه است ،سازمانهائی که مربوط به یک ولسوالی است ،اما جمعیت اسلامی مان مربوط به همه مردم افغانستان ومربوط به همه ولایات کشورمان هست .دردفاترما احصائیه های عینی نشان میدهدکه دراینجا به معیارقوم ونژادوزبان هیچ نوع عملی صورت نگرفته وازبرادران پشتوزبان وفارسی زبان وکسانیکه ازهرجائیکه هستند نظربه استعدادشان درمیان دفاترجمعیت مشغول کارهستند .حتی که به لطف خداوند دلیل روشنی برعلیه همه تبلیغات گمراه

کننده در دفاتر جمعیت سراغ میشود که برادر
های پشتو زبان ما نظر به صلاحیت و استعداد
شان در داخل ارگانها و دفاتر جمعیت بسیار
زیاد هستند، نسبت به سائر برادران شان.
این هم بیانگر این حقیقت است که اصلاً هیچ
نوع مسأله زبان، و مسأله نژاد در داخل جمعیت
نبوده و هرگز نخواهد بود. اما گاهگاهی
یکتعداد عناصری که اصلاً نمیخواهند انقلاب
اسلامی افغانستان به پیروزی برسد و یکعده
مردمی که اصلاً در راه پیروزی انقلاب
اسلامی، موانعی را که در گذشته ایجاد کردند
به ناکامی روبرو شد، آخرین تیرهای ناکام
و آخرین حیله‌ها و نیرنگ های خود را بنام
زبان، قوم و نژاد در میان جمعیت میخواهند
مطرح بسازند اما ما یقین داریم که برادران
مخلص ما هوشیار هستند و میدانند که اصلاً این
همه نیرنگها و حیله‌هائی که در گذشته‌ها بکار
برده شده و اکنون هم تبلیغات ناروا و نادرستی
بعضی حلقه‌ها میکنند، اینها حرفهای
دشمنان اسلام و حرفهای دشمنان انقلاب
اسلامی است و در میان جمعیت ما اصلاً مطلب

ما مطمئن هستیم که انشاءالله جمعیت اسلامی
قسمیکه در دوران انقلاب اسلامی ما با ایثار
و قربانیهای بیدریغ پرچمدار جهاد مخلصانه
بود، بعد از این هم با اخلاص و صداقت، صبر
و استقامت از ره‌آوردهای انقلاب
پاسداری خواهند کرد.

و موضوعی در این ارتباط وجود ندارد، لذا
به برادرهای عزیز خود توصیه میکنم که جلو هر
نوع دسیسه‌ای را که باعث تفرقه و تجزیهٔ
افغانستان میشود با قاطعیت بگیرند و اجازه
ندهند که در انقلاب اسلامی ما چنین نعره
های جاهلیت یکبار دیگر تکرار شود.

چند روز پیشتر حادثه‌ای که گرچه در ظاهر بسیط
بود، اما خیلی دردناک و اسفناک، حادثهٔ
کوچکی بمیان آمد و در کمیتهٔ نظامی که در
واقع موضوع بسیار جزئی و بسیط بود، اما
عناصر مفسدی در میان شان سهم گرفتند
دسیسه کردند و هیچ کس هم متوجه نشد و کم بود
که خدای نخواسته از این یک مشکل بزرگی
بمیان بیاید که به لطف خداوند باز هم دسایس
شیطانی، شیاطین انسی به ناکامی روبرو
شد.

ما و شما در تاریخ اسلام شاهد چنین فتنه‌گریها

هستیم ،شاید علمای محترم ما خوب میدانند که
در دوران حیات پیامبر بزرگ صلوات الله
علیه وسلامه ،در میان مهاجرین و انصار
شماس بن قیس منافقی که میخواست که به
میان مهاجرین و انصار ،در مرحله ای که
دولت اسلامی در مدینه منوره تشکیل شد و همه
دسایس دشمنان اسلام به ناکامی روبرو شد.
ودشمنان اسلام فهمیدند که این دولت روز به
روز قوت میگیرد و روز به روز نیرومند میشود
ودیگر در آینده منافقین ودشمنان اسلام
نخواهند توانست که دولت اسلامی را ضربه
بزنند واز صفحه هستی حذف بکنند ،اینجاست
که در یکی از اجتماعاتی که مهاجرین و انصار
وجود داشتند ،منافقین اشعار دوران جاهلیت
،را زمزمه میکردند که فلان قبیله علیه فلان
قبیله چنین وچنان کرده بود .بصورت ناخود
آگاه تبلیغات منافقین در میان مهاجرین
و انصار ،کم مانده بود که تاثیری ناگواری
بنماید ،از هر دو طرف آواز ها بلند شد " یا
للمهاجرین " کسانیکه طرفدار مهاجر هستند
یکطرف شوند " یا للانصار " کسانیکه طرف
انصار هستند آنها یکطرف شوند ،کم بود که به
اصطلاح سنگ وچوب ووسائل دست داشته خودرا
علیه یکدیگر بکار ببرند ،تا اینکه رسول
اکرم صلی الله علیه وسلم اطلاع یافتند وحکم
قرآن نازل شد که شما مسلمانان بخاطر
بیاورید " کنتم علی شفا حفرة من النار
فانقذکم منها " شما مهاجرین و انصار بخاطر
بیاورید که روزگاری در دوران جاهلیت ـ در
مراحلی بسر میبردید که کم بود در پرتگاه
نابودی وگمراهی سقوط بکنید وخداوند شما
را نجات داد و بالاخره مسلمانها متوجه شدند که
راستی این نعره های جاهلیت بوده و رسول
! الله صلی الله علیه وسلم فرمودند "دعوها "

بگذارید این فتنه های جاهلیت را زیرا این
یک فتنهء بسیار مهلکی است و این فتنهٔ
بسیار ناروا ونادرستیست .
اینجا بود که مسلمانها متوجه شدند که راستی
شیاطین ومنافقین میخواهند بر دولت اسلامی
ضربه وارد کنند ،اصلا "مسئله این وآن نیست
بلکه اصلا "دشمنی با اسلام وبا دولت اسلامیست
در حادثه ای یکه چندی قبل بمیان آمد اصلا"
منافقینی که آنها حتی خبر شدند ،بعضی
افرادی از بعضی احزاب ،بنام احزاب
ویا افراد گمنامی وناشناخته ای خواستند
که خودرا در میان صفوف برادران مخلص
ومؤمن ما داخل بسازند وایجاد فتنه وفساد
بکنند ،اما بعد از هوشیاری برادران ما به
لطف خداوند این بخیر گذشت . گرچه بعضی
از برادرهای عزیز ومخلص ما جراحتهائی هم
برداشتند وبعضی اشتباهاتی هم در دوران این
حادثه پیش شد .بهرحال من به برادرها یکبار
دیگر این حقیقت را بازگو میسازم که :
در شرایط حساس کنونی دشمنان اسلام وانقلاب
اسلامی مان که از هر چیز مایوس شدند و دیگر
همه راه ها بروی شان بسته شده ،اینها تشویش
دارند که حال انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده
ویک قدرت سازنده ای اسلامی در جمعیت وجود
دارد ،باید پیش از اینکه افغانستان به

پیروزی نهائی میرسد و در افغانستان یک حکومت قوی و نیرومند اسلامی تشکیل میشود پس از آن باید در گیریهائی بمیان بیاید مشکلاتی ایجاد بکنند، تا نیروی سرتاسری و سازندهٔ جمعیت اسلامی ضعیف شود و نتوانند که بصورت قاطع از مواضع انقلابی ملت مسلمان افغانستان دفاع کند و پاسدار انقلاب شکوهمند اسلامی در کشور ما ن بوده باشد، همین است که چنین دسایسی ایجاد میشود و شاید در آینده شاهد دسایسی دیگری بوده باشیم، زیرا این شیاطین و منافقین زنده هستند و هرقدر ما بسوی پیروزی نزدیک شده میرویم فتنه های شان، حقدهای سیاه شان زیاد شده میرود. بهرحال هوشیاری ما، اخلاص و دلسوزی ما، مانع این فتنه ها و این فتنه گریها ست.

من با برادران عزیزیکه در دوران مشکل چندروز پیش متاثر شده بودند، برادران عزیز ما، از شورای ننگرها روا زسا ئر برادران عزیزیکه در این کشمکش بودند با آنها صحبت هائی داشتم و راستی اینها با کمال اخلاص متوجه بودند که مشکلات اصلاً از جاهای دیگری سرکشیده، اصلاً دو طرف: نه برادرهای انضباط نه کمیتهٔ نظامی و نه برادرهای شورای

اگر جمعیت بعنوان یک قدرت سیاسی و نظامی در صحنهٔ انقلاب اسلامی مطرح نمی بود و مطرح نباشد، مسئلهٔ تجزیهٔ افغانستان، مسئلهٔ پارچه پارچه شدن افغانستان ایدیست که خدای نخواسته دشمن میتواند بسادگی اینرا پیاده کند.

ننگرهار، این ها خودشان به اصل موضوع درست ملتفت نبودند که ممکن دست های دیگر و عناصر دیگری در اینجا دست بکار شده بود. بهرحال با هوشیاری و اخلاص این برادرها موضوع بپایان رسید و من با ردیگر به همه برادرها توصیه میکنم که: دیگر جلو چنین فتنه گریها را در هرجائیکه بوده باشد قاطعانه بگیرند و ما هم این را ابلاغ می کنیم که در گذشته ها اگر جمعیت بخاطریکه در دوران جنگ بودیم. (و در دوران جنگ از نظر فقه اسلامی گاهگاهی هم حدود به تعویق می افتد، حدود در دوران جنگ تطبیق نمیشود، بخاطر مصلحت جهاد و مصلحت جنگ) واما حال که در مرحلهٔ تشکیل اداره و دولت هستیم دیگر هر نوع تخطی ها از هر طرفیکه بوده باشد قابل برداشت نیست. دیگر کسانیکه بخواهند از قوانین و از اصول پهلوتهی بکنند و به اصطلاح سر آزاد هرچیزیکه دلشان بخواهند بکنند، جلوشان را ما با قاطعیت می گیریم، این مرحله دیگر مرحلهٔ

تشکیل دولت و اداره در کشور است، نباید اجازه بدهیم که بعد از این بی ادارگی ها

و بی احساسی ها حاکم بر اوضاع بوده باشد، لذا همه برادران مخلص و دلسوز ما باید متوجه بوده باشند که بعد از این به هر کاری و با هر عملی که نظم جمعیت را برهم میزند و مصلحت اداری جمعیت را برهم میزند قاطعانه برخورد میکنیم و به هیچکس اجازه نخواهیم داد و ما یقین داریم که بعد از این برادرها بیشتر متوجه مسؤلیتهای خود بوده باشند و هستند.

برادران عزیز! طوریکه گفتیم امروز ما در مرحله تشکیل اداره و دولت هستیم، یک عضو جمعیت اگر دیروز به فکر این بود که به جبهه خود چه نوع همکاری را از جمعیت مطالبه میکند چند میل سلاحی میخواست، بعضی وسائل و امکاناتی را مطالبه داشت، اما حال جمعیت از او می پرسد: برادر! بعد از این تو باید در ولایتت چه کاری بکنی؟ بسیاری از ولایات کشور ما آزاد شده، اکثر افراد جمعیت که در دفاتر کار میکردند بعد از این نیازمندی بکارشان در داخل زیادتر احساس میشود تا کارهائی که ما در اینجا میکنیم. مرحلهٔ اداری سنگرها از محیط بیرون تقریباً" در آستانهٔ رسیده که بپایان میرسد و بعد از این کارهای ما و مسؤلیتهای ما بیشتر متوجه داخل است همه برادرها باید برای کارها خود را آماده بسازند.

من دیروز به بعضی از ولایات این دستور را دادم که باید برادرها آماده بوده باشند که به فلان ولایت مامورین ما، داکترهای ما علمای ما و کسانیکه در دفاتر جمعیت در اینجا مصروف هستند کارهای خود را در داخل کشور انجام بدهند تا درین مرحله خدای نخواسته طوری نشود که در اینجا در ادارات کارهای ما عاطل و باطل بوده باشد و کارهای عمده ای را در داخل ولایات بی سرپرست بگذاریم.

شما میدانید که درین روزها فعالیتهای وسیعی را احزاب و سازمانهای مختلفی براه انداخته اند، بیشتر این فعالیتها توسط گروه های غیر اسلامی که فعلاً "سخت فعالیت میکنند در پشاور و در داخل کشور ما ن، در داخل شهر کابل، فعالیتهای مختلفی توسط احزاب چپی، احزاب ملحد، احزاب یکه از انقلاب اسلامی سخت در هراس هستند. بطور گسترده ای دوام دارد، نوشته ها و اعلامیه های مختلفی، سازمان بندی های مختلفی، فعلاً" بیرون از کشور در میان کمپ ها و در داخل افغانستان دوام دارد. هر حادثهٔ کوچکی را اینها بزرگ میسازند. فعلاً "نشرات و روابط اینها بقدری زیاد شده که بکلی انسان دچار حیرت میشود. اینها این امکانات را از کجا بدست می آورند؟ یکی از سازمانهای غیر اسلامی که در میان همشیره ها کار میکنند من امروز صبح تعدادی از نشرات اینها را خواندم که تعجب میکردم که یک سازمان غیر اسلامی زنان با این گستردگی فعالیت میکنند، در کویته فعالیت میکنند، در پشاور فعالیت میکنند، خانه بخانه اینها دعوت میفرستند، اعلامیه ها و نوشته های خود را میرسانند و به انواع و اشکال مختلفی و با چهره های مختلفی فعالیتهای خود را به پیش میبرند، اینجاست که خدای نخواسته نشود که ما با همه محرومیتهای که متحمل شدیم و باز همه افتخاراتی را که ملت ما بدست آوردیک "بار دیگر شرایط طوری بمیان بیاید که ما اصلا از جان خود خبر نبوده باشیم ما ببینیم که در گوشه های مختلف کشور ما، قدرتهای سیاسی

ونظامی بمیان آمده ومخصوصاً" درین روزهائیکه روسها از افغانستان می برآیند وجبهات ما اگر متوجه نباشند تعداد زیادی از اسلحه وامکانات را روسها در اختیار بعضی از تنظیم‌های غیراسلامی وبعضی از هسته‌هائی که فعلاً "درچهرهٔ ظاهری ، غیراسلامی نیستند به آنها تحویل خواهد داد وآنها بحیث یک قدرت نظامی درخواهند آمد وازلحاظ تشکیلاتی وسیاسی هم شاید قدرتی درگذشته هم داشتند وحالا شاید قدرتمندتر شده باشند واینجاست که خدای نخواسته در افغانستان که ما برمیگردیم ، متوجه کارهای سطحی وشخصی خود شویم ، اما آنها بحیث قدرت نیرومند وسازمان بسیار متحرک ، باز خدای نخواسته انقلاب دیگرویا تحول دیگری در افغانستان بمیان بیاید . ما بسیار ومغرور هم نشویم که ما کارهای بسیار بزرگی انجام دادیم وهیچ خطری نیست ، درگذشته هم همین طرز تلقی بودکه کمونیستها را آنقدر ریشه‌دار وعمیق ساخت که کم بود خدای نخواسته برای همیش افغانستان از نقشه جهان اسلام حذف شود . اما به لطف پروردگار بودکه ما به پیروزی رسیدیم ، اما تا زمانیکه دولت اسلامی کاملاً" تشکیل نشود واستحکام پیدا نکند ، خطر سقوط انقلاب اسلامی درکام دزدانی که درکمین هستند وجود دارد (احساسات حضار) . لذا ازهمه برادران عزیز خود میخواهیم که احساس مسوءلیت بکنند به این معنی که هرکسی در محیط کارخود ، درمحیط دفترخود ، درمحیط سنگرخود ، در اردوگاه خود باید احساس مسوءلیت بکند ، که عضو سازندهٔ انقلاب اسلامی است ، یک عنصر بی طرف ، بی غرض وتماشاچی نیست ، مشکل بزرگ درجهان اسلام ودر افغانستان درهمین نقطه بوده که گذشته هم ما اکثریت عظیمی از افراد مسلمان داشتیم اما هرکسی تنها درخانه خود ویا درمحیط کارخود بود وازحال دیگران وازکار دیگران کاملاً" بی خبر وبی اطلاع بود . بعد ازین چنین کاری نباید صورت بگیرد ، باید برادران عزیز ما متوجه مسوءلیت های خود باشند ودرهرجائیکه هستند احساس مسوءلیت بکنند .

وحدت ویکپارچگی مطلب بسیار اساسی وبنیادیست که باید هرکاری که مانع وحدت میشود ، تفرقه ، بنام قوم ، بنام نژاد ، بنام جوان وپیر ، بنام مکتبی وغیرمکتبی ، به هر نامی ، هرنوع تفرقه‌ای که دیده میشود جلوش را باید با قوت بگیریم . این وقت گیله گذاری ووقت تأثراتی نیست که اگر خفگی هائی از یکدیگر داشته باشیم ، امروز هم بگوئیم که تا هنوز عقده‌های ما گشوده نشده ، تا هنوز تأثرات ما از بین نرفته ، لذا هرکسی بدون احساس مسوءلیت کارهای خود را بگذارد واین حالت را باید خاتمه بدهیم وباید همگی با روحی پر از احساس اخلاص وجدیت ونشاط بکار خود بپردازیم . دردوران انقلاب مان شاید بسیار

یگانه سازمانی که بحق میتواند ممثل آرمان قومیت های مختلفی درکشور بوده باشد آنهم جمعیت اسلامیست .

کمبودیها ومشکلاتی بوده وهست .یکی ازدیگر خفگی ها وتاءثراتی داشتیم وداریم ،اما برای حل این تاءثرات وقتی میتوانیم که این تاءثرات راازبین ببریم که ما باهم مخلصانه ودلسوزانه بنشینیم وبه یک کار اساسی وسازنده ای یک برنامه درستی طرح بکنیم وبرنامه ریزی کنیم.

برادران عزیز ! درگذشته عطالت وبیکاری دراکثردفاترما حاکم بود ،اکثربرادرها مانند میرزاها ومامورین دوره های سابق حکومت های ظاهرشاهی ،تنها بخاطرمعاش وتنها بخاطرامضائی درحاضری ،شاید دلچسپی داشتند که خانه حاضری شان قید نشود ،این کارها را درگذشته داشتیم ما بعدازین اگر بازهم به همان روحیه باشیم معنی این رادارد که بعدازین جزء سازمان اسلامی نیستیم واز همین حالا باید به فکراین بوده باشیم بعد از این نمیتوانیم دراین جریان باقی بمانیم وراه ما ازراه انقلاب اسلامی وسازمان اسلامی ما جداست ،لذا این جروبحث را برای همیش ازبین ببریم.

برادران عزیز !من یقین دارم که در داخل افغانستان فعلا" اوضاع وشرایط طوری بمیان آمده که درآنجا مخصوصا" ما در ارتباط به جمعیت اسلامی میتوانیم کارهای بسیار اساسی وعمده ای راانجام بدهیم طوریکه پیشترگفتم ازهمین حالا تعدادزیادی ازبرادرها خودراآماده بسازند ،برای اینکه بداخل کشوربرویم واداره رادرداخل کشور بدست بگیریم وانشاءالله باوجود مشکلاتی بیحسابی که شاید دامنگیرانقلاب اسلامی مان دردوران پیروزی بوده باشد ،بازهم مطمئن هستیم که انشاءالله پیروزی ازآن ماست وحیله ها ونیرنگهای دشمن دیگر هیچ غلطی نمیتواند بکند .لذا برادران عزیز یکبار دیگر بصورت خلاصه تکرار می کنم که جمعیت اسلامی درامرتشکیل یک حکومت مرکزی ویک حکومت قوی تمام صلاحیتهای خود رابکارخواهد بست که باید درافغانستان عزیز مخصوصا" دردوران انتقالی یک حکومت قوی بمیان بیاید واگر بعدتر بازهم حکومت قوی ونیرومندی بمیان نیامد بازهم همکاریهای دلسوزانه ومخلصانه جمعیت با هر اداره ایکه تشکیل میشود ادامه خواهد یافت وجمعیت قسمیکه درگذشته ها هم قربانیهائی داده بود ،گذشتهائی داشت آینده هم به همین روحیه قربانیهای زیادی راخواهد داد تا درافغانستان یک دولت مرکزی ونیرومندی بمیان بیاید.

برادران عزیز ! ما بخاطررسیدن به یک دولت نیرومندمرکزی ،بازهم تاءکید میکنیم که داشتن یک حزب نیرومندوقوی ضرورت اساسی واولی است .لذا باید به این مطلب سخت متوجه باشیم درگذشته ها یک مشکل بسیار خطرناکی که درظاهر بحیث مانع رشدوقوت وانسجام بیشترکارهای ما شدوما درانتظار بودیم که چه وقت اتحاد همگانی درما بین گروه ها واحزاب بمیان میآید وبخاطررسیدن به اتحاد همگانی درما بین همه احزاب

کارهای سازمانی ما متوقف شده ما درست کار نمیکردیم تا اینکه ببینیم یک اتحادی بیاید و از مجرا و مسیر چنین اتحاد کلی و سرتاسری کارهای سازمانی خود را پیش ببریم درگذشته این انتظارها مانع بسیار کارهای عمده ما شد اما بعد از این گرچه کم لطفی السابق ما سعی و تلاش داریم و میخواهیم وحدتی در ما بین همه احزاب بمیان بیاید ما تا رسیدن به این هدف ما باید ولا "صفوف خود را فشرده و متشکل بسازیم و بعد از این به فکر ساختمان سیاسی

جمعیت باید کار و فعالیت بیشتر صورت بگیرد تا جمعیت ،طوریکه گفتم بحیث یک ارگان قوی و نیرومندی بمیان بیاید و در آن وقت است که ما میتوانیم ان شاء الله دیگر نیروها را هم با خود یکجا نمائیم و یا در پهلوی آنها یکجا بخاطر وحدت ملت افغانستان و پیروزیها و پاسداری از انقلاب اسلامی کارهای شایسته و عمده ای انجام بدهیم ،لذا بعد از این باید ما در قسمت تشکیلات جمعیت در سطح ولایات در سرتاسر افغانستان توجه جدی بعمل بیاوریم و هر برادر ،بعد از این در جهت تشکیلات سیاسی جمعیت باید کار بکند ،در داخل ولایات تشکیلات ما منظم ساخته شود ،به سطح هر قریه و هر ولسوالی و هر ولایت تشکیلات سیاسی و اداری ما بمیان بیاید .این کار ،کار نهایت اساسی و عمدهٔ ماست که ما بعد از این باید جلو عدم احساس مسوء لیت را بگیریم بخاطر جلوگیری از تبلیغات دشمن و فتنه گری هائیکه علیه جمعیت صورت میگیرد همه با کمال قوت بایستیم و مجال ندهیم که هیچ فتنه گری علیه جمعیت ،تبلیغات سوء بعمل بیاورد ،جمعیت طوریکه گفتم مظهر وحدت ملت افغانستان است ،ما نمایندهٔ اقوام پشتون ،هزاره ،تاجیک ،ترکمن ،بلوچ نورستانی و همه اقوام افغانستان هستیم و بوده ایم و خواهیم بود .

ما در جمعیت هرگز اجازه نمیدهیم که در آنجا نعره های قومی و نژادی طوری حاکم بوده باشد که مسیر انقلاب اسلامی را منحرف بسازد ،لذا هر نوع تبلیغات گمراه کننده ای در ارتباط به جمعیت اسلامی از هر طرف که صورت میگیرد تبلیغات ناروا و نادرست است .خوشبختانه که در همه چیز جمعیت همه افغانستان را در نظر گرفته ،در ارتباط با شورای مشورتی ما با قاطعیت مطالبه کردیم که همه احزاب از همه ولایات افغانستان نمایندهٔ خود را به این شوری بفرستند و خوشبختانه ما در جمعیت این کار را کردیم ،از تمام ولایات افغانستان ما نماینده گرفتیم و کوشیدیم که حتی از بعضی ولایات که از اقشار مختلف در آنجا وجود داشته بداخل این شوری ما چندین نماینده روان بکنیم به این اساس حفظ وحدت ملت افغانستان هدف عمده و اساسی جمعیت بوده و هست .لذا باید به تمام معنی از این وحدت پاسداری کرد و اجازه نباید داد تبلیغات گمراه کننده ای توسط دشمنان اسلام و منافقین و عناصر خود غرض که اصلا "پیروزیهای چشمگیر جمعیت ما آنها را کور ساخته و آنها را دست و پاچه کرده براه انداخته شود .

جمعیت مال همه پشتونها ،مال همه تاجیکها مال همه ازبکها و ترکمنها و نورستانیهاست جمعیت مال مربوط به هیچ کسی نیست و مربوط به همهٔ ملت افغانستان است ،لذا هر تبلیغات نادرست و ناروائی از هر جائیکه صورت میگیرد ،قاطعانه آنرا باید محکوم بکنیم و عملا "این حقیقت را ما به همه نشان

دادیم‌که‌درجمعیت هیچ نوع مسأله‌نژادی
مسأله‌قومی ومسلهٔ لسانی نبوده‌ونمیباشد
ونخواهدبود ،اصل اسلام‌درهمه‌کارهای ماحاکم
بوده‌وهست ،من دوروزقبل برای برادرها
گفتم‌که‌برادران به‌اصلاح مخلص جمعیت
بخاطرجلوگیری ازنفوذ ستم‌ملی که‌یک حرکت
تجزیه‌طلبانه‌بودکسانی راهنگام‌برخورد
وعملیات خودکشتندکه‌حتی استادهای بسیار
ریش سفیدشان،بنام اینکه‌باستمی ها این ها
ارتباطی دارند،بچه‌های جمعیت اینها را
گرفتندوآنها راکشتند .
مجاهدین جمعیت وقتیکه‌بعضی منطقه‌رافتح
کردند ،کسانی رابنام اینکه‌باستمیها
ارتباط دارد،فورا" بدون محاکمه‌گفتندکه
بایدکشته‌شودچراکه‌او ستمی است وهیچ‌ترحمی
به‌این نکردندکه‌این استادماست ویابرادر
ماست ویاچنین وچنان ماست .بهرحال این
کاردرجای دیگری صورت نگرفته‌ونمیگیرد
وما دلایل زیادی داریم‌که‌بعضی ها با یک
ارتباط کمی‌خویشاوندی وقومی ،خلقی های
سرشناس راگذاشتندورها کردند ،دربعضی
ازاحزاب وحتی بعضی چوکیها وقدرتها هم
برایشان داده‌شده‌اما به‌لطف خداونددرجمعیت
ما این مسائل قطعا" نبوده‌وهرگزنخواهدبود
به‌این اساس دربرابرچنین تبلیغات
قاطعانه‌باید ایستادگی کرد .درشرایط کنونی
بعضی مردمی هستندکه‌شایدحادثه‌سازی کنند
یک حادثهٔ جزئی بسیارخوردی راازاینها بحیث
یک نیرنگ وبحیث یک فتنه‌بزرگ طرح کنند
وبالاخره‌حوادث ایجادکنند ،لذا درین
مراحل ما بایدسخت متوجه‌بوده‌باشیم‌که‌همان
قضاوتی راکه‌حضرت علی کرم‌الله‌وجهه‌کرد
درنظربگیریم‌وآن چنین بودکه :وقتی دوزنی
آمدندودعوا می کردندبالای یک طفلی،که
هریک مدعی بودکه‌طفل اوست ،حضرت علی
کرم‌الله‌وجهه‌گفتندخیر ،وقتیکه‌شما نمی
خواهیدقبول بکنیدکه‌ازیکی ازشماست
ویک طفل رازدوما درشده‌نمیتوانند ،به‌این
اساس اینرادونیمه‌میسازیم‌که‌نصفش رابه
یکی ونصف دیگرش رابرای دیگریتان میدهم
مادریکه‌حقیقتا" مادرطفل بودگفت که‌بدهید
طفل رابرای او ،وما دراوست ومن مادر
نیستم ،بخاطریکه‌طفل زنده‌بماندوبرادران
مخلص ما دردرون چنین کشمکش ها اگرحالتی
پیش میشودکه‌مثلا" یک کسی حق بجانب اوست
ویک عنصردیگری فسادپیشگی کند ،ما باید
بکوشیم که‌مسأله‌راطوری حل بکنیم‌که‌انقلاب
زنده‌بماندواسلام‌زنده‌بماندوامنیت بمیان
بیاید ،مسلما نهاازبین نروند .

برادران عزیز ! شما میدانیدکه‌حتی دراین
روزها دسایس وفتنه‌گریها بحدی است که‌من
دیروزازیکی ازبرادرها شنیدم‌که‌میگفت :که
احمدشاه‌مسعودویاجمعیت اسلامی میخواهد
کابل رابگیردبه‌این اساس بایدجلواین را
سدبکنیم ،بایددربرابرش لشکرکشی صورت
بگیرد ،کسی میگفت که‌حالا نفرهای جمعیت
درقسمتهائی ازکابل جابجا شده ،شش ،شش
صدنفرویاشصت ،شصت نفردرفلان جاودرفلان
جا ،جابجا شده‌ومن تعجب می کنم‌که‌حتی
یکتعدادزکسانی هستندویکتعدادازاحزابی
هستندکه‌نمیخواهندکابل فتح شودمیخواهند
مانع فتح‌کابل شوند ،مانع پیروزی جنبش
اسلامی‌درکابل شوندودرحالیکه‌می دانند
یک قدرت نیرومندیکه‌اگراین صلاحیت دراو
وجودداشته‌باشدوامنیت کابل راتأمین
میکندوپیش ازپیش پیشبینی دارددرسطح
کابل،ودرحالیکه‌درارتباط به‌جمعیت نظر

ما اینست که هرشهربزرگی که فتح میشود باید
با هماهنگی همه احزاب در آنجا این کار صورت
بگیرد، اما اگر حالات طوری بمیان بیاید که
چندحزب نتوانند یک کار مشترکی انجام
بدهند چه بهتر که یک حزب نیرومند وقوی
بتواند یک شهر را از چنگال دشمن آزاد بسازد
و امنیت را در آنجا قائم بسازد.
این مایه تشویش نیست که در اینجا حرکتی
وتبلیغات سوء برضد برادر احمدشاه مسعود
صورت بگیرد ویا برضد یک قوماندان عزیز
دیگری صورت بگیرد وما درحالیکه می بینیم
امروز هم این تبلیغات را بعضی مردم
ناخودآگاه برضد احمدشاه مسعود میکنند، اصلاً
روس ها باید بترسند که میترسند، چرا باید
مسلمانها بترسند؟ روسها هستند که امروز
تمام حملات شان از میدان بگرام، از قلعه سرخ
از سنجددره توسط راکت های سکاد وتوپ های
دوربرد ووسایل دست داشته شان وتوسط
تمام قدرتهای هوائی شان مراکزی را که
تابع جمعیت وقوماندهٔ برادر احمدشاه مسعود
است به شدت می کوبند تا جلو پیشروی او را به
مناطق تحت اشغال خود در کابل بگیرند
لذا درحالیکه دشمن چنین ترس وبیمی دارد،
آیا تنظیمهای اسلامی هم اینچنین میخواهند
ویا خواهان این هستند که کابل بدست
مسلمانان ها فتح شود، بهرحال این عمل از نظر
ما یک کار بسیار نادرست وناروا ئیست
من خبرشدم که بعضی از برادرها تبلیغاتی
برضد بعضی از قوماندانها براه انداختند
یکی از این برادرهای عزیزما بنام ملاعزت
الله، قوماندان بسیار ورزیده ایست که در
حمله ایکه بالای فرقه قرغه صورت گرفته بود
درحملات بالای کابل، حملات بسیار شدید
ونیرومندی داشته ودارد وامروز بحیث
یک قدرت نیرومند در آنجا است، لذا نشود
خدای نخواسته تبلیغاتی صورت بگیرد که
فلان قوماندان چنین وچنان میکند
ویکتعداد لشکرکشیها وکشمکشهای برضد چنین
قوماندانها صورت بگیرد، درنظر ما هرکسی
که درشرایط کنونی پیام تفرقه را درمیان
مجاهدین پخش میکند ومانع فتوحات
مجاهدین میشود، اشتباه بزرگ وتاریخی را
مرتکب می شود، اشتباهی است که اسلام وتاریخ
مسلمانها به آنها نمیبخشند. لذا همه متوجه
اعمال خود باشند وبرادرهای ما هم متوجه
باشند، افغانستان مربوط به مجاهدین
افغانستان است، اگر ما می بینیم، نیروهای
ما درشهرکابل نیروهای مجاهدین، نیاز
دارند به همکاری مجاهدین لوگر، وردک
پنجشیر، بگرام، پروان، وکاپیسا، چرا از
آنها دعوت نکنیم که همزمان با ما دریک جا
درفتح کابل سهیم شوند، اگرجبهات کابل
مدعی شوند که ما به کسی دیگری اجازه
نمیدهیم که از هیچ جای، جبهه دیگری در کابل
سهم بگیرد، این یک اشتباه است درحالیکه
همه جبهات، جبهات مربوط به مسلمانها ست
ومخصوصاً" کسانیکه درارتباط به جمعیت
هستند، اینها باید متوجه بوده باشند که جبهه
کابل وشمالی وترکستان وهرات وپکتیا
وننگرهار ندارد همه یک برادر وبا سایر
برادران درتنظیمهای اسلامی همه برادر
هستند، اما کارهای ما باید منظم واساسی
صورت بگیرد که خدای نخواسته درشرایط حساس
کنونی حالتی بمیان بیاید که مانع یک عمل
سازنده شویم وبالاخره دولت مزدور درکابل
بیشتر وقت بماند وبتواند پایه های خود را
مستحکم بسازد و آن وقت است که بازدنیا
متوجه شود که راستی مجاهدین توان فتح کابل

را ندا رندویقینا" درآ نجا با زشرا یط عوض خوا هدشد ،دولت کا بل ا گرخدا ی نخوا سته ما نندخلقیها فرصت طولانئ تری درکا بل ما ندند ،ا مکا ن با زگشت روسها با زمتصور ا ست ،ا مکا ن کمک ها ی بعدی ا زطرف روسها به دولت آ ینده ٔ کا بل کا ملا "متصورا ست با زما قا درنخوا هیم بودکه دنیا را قا نع بسا زیم که ما قدرت بسیا رنیرومندی هستیم (تکبیرحضا ر)وما آ نها را محکوم بکنیم وا جا زه ندهیم کسا نی که بگویندفلانی به طرف کا بل لشکرکشي میکندوجلولشکرکشی ها ی آ ن گرفته شود .وما با یدا ین را به هرشکلی که بوده با شدمحکوم نما ئیم وا جا زه ندهیم که ا ین حرفها دیگریکجا ی وجا ی دیگری گفته شودوبا لاخره خدا ی نخوا سته ا فغا نستا ن مخصوصا" کا بل میدا ن کشمکش گرددما ا زهر نیروی مجا هدا زطرف هرگروه ا سلامی که با شد وقدرت وتوا ن آ نرا دا شته با شدکه کا بل را فتح کندوا منیت کا بل را بگیردما ا زا و ا ستقبا ل می کنیم .درا رتبا ط با جمعیت ا گرتوا نا ئی آ ن درجمعیت با شدکه کا بل را فتح کندیا شهرها ی دیگررا فتح بکندوا منیت آ نرا بگیردوبخا طرتشکیل یک دولت مرکزی ا سلامی که درآ ن همه نیروها ی ا سلامی سهم بگیرندکا ری ا نجا م بدهندما ا زا وا ستقبا ل می کنیم وما هرگزعلیه هیچ مسلما نی لشکرکشی نمیکنیم ،علیه دشمن لشکرکشی میکنیم وسا ئر برا درا ن مسلما ن خودرا می خوا هیم که ا ین خیا لات وحرف ها ی نا درست را پخش نکنند که ا گرا زفلان منطقه لشکرکشی صورت گرفت ما دربرا برش ما نع ا یجا دمیکنیم ودربرا برش لشکرکشی میکنیم ،ا ین کا رها کا رها ی نا درست وغلطیست که بعدا زین جلوش با ید گرفته شود .بهرحا ل من به یک مطلب دیگر ی ا شا ره میکنم :یقینا" درشرا یط کنونی ا حزاب چه خوردوچه بزرگ همه مدعی هستندکه ما ا حزا ب بزرگی هستیم به ا ین ا سا س را ه فیصله ٔ ا حزا ب که کدا م آ ن بزرگ ا ست ،ا ین وقتی معلوم میشودکه برا ی مردم گذا شته شودومردم درموردا حزا ب نظربدهندوبه همین ا سا س ا ست که ا گرخدا خوا سته با شدریفرندمی وا نتخا با تی صورت بگیرد ،جمعیت با تما م دلسوزی وا خلاص پشتیبا نی خوا هدکردوما نعی دربرا برا نتخا با ت درست ا یجا دنخوا هدکرد ا ما درگذشته ها که ما میگفتیم ا نتخا با ت درست ا ست ا ما درشرا یط موجودا نتخا با ت ممکن نیست ،ا لبته هنوزهم به هما ن عقیده هستیم درجا ها ئیکه قوا ی دشمن جا بجا ا ست و در جا ها ئیکه تا هنوزروسها ا زآ نجا نرفته ا ند در آ نجا ا نتخا با ت کردن کا رسا ده ا ی نیست مشکل بسیا رکلانی ا ست ،درداخل جبهات ودرما بین مردمیکه درداخل هستندا نتخا با ت صورت نگیردبا زهم درآ نجا ا نتخا با ت نا قص میبا شدوما خوا ها ن ا نتخا با ت ورا ی گیری سرتا سری بودیم وهستیم وهروقتیکه ا ین عمل صورت میگیردما درا ین قسمت به برا درها توصیه میکنیم که بصورت دلسوزا نه ومخلصا نه همکا ری کنندوا لبته وقت می خوا هدوفرصتی را بکا ردا ریم ،مطلبی دیگری که با یدبه آ ن توجه کرد ،مسأله با زسا زی وا عما رکشورما ست

افغانستان مربوط به مجاهدین

افغانستان است .

که درین مرحله ما سخت نیاز داریم که در بازسازی کشور مان قدمهای اساسی و عمده ای برداریم، البته در مرحله بازسازی نیروهای مختلفی، موءسسات مختلفی هستند که بخاطر بازسازی افغانستان کار میکنند و میخواهند کاری انجام بدهند در چارچوب موءسسات که بعضاً شاید موءسساتی باشند که با انقلاب ما دشمنی دارند، عناصر مختلفی فعالیت خواهند کرد، طوریکه قبلاً اشاره کردم بعضی از احزاب چپی در چوکات بعضی از موءسسات که بخاطر بازسازی افغانستان کار میکنند، مثلاً "موءسسه است بنام موءسسه اطریش، در اینجا اکثر عناصر چپی و کمونیست در چوکات آنها فعالیت میکنند و کارهای بسیار زننده روا و نادرستی را بنام تنظیم معلولین و امثال

این موءسسات صحی را به پیش میبرند و باید ملتفت بوده باشیم که قوماندانها و برادرهای ما، که قبلاً "نیز گفتم که باید از دفاتر بداخل بروند تا مانع بعضی از فعالیتهای غیراسلامی را که بنام بازسازی کشور صورت می گیرد گردیده و جلوش را بگیریم و در اخیر یکبار دیگر برادران عزیز را به وحدت ویکپارچگی، مقابله در برابر هر نوع دسیسه دعوت می کنم و آرزومندم که با تشکیلات نظامی و سیاسی هرچه قویتر و منظم تر و احساس مسولیت های بیشتر در برابر انقلاب و دلسوزی و اخلاص در کارها و جلوگیری از شکر رنجی های که در ما بین برادرها صورت میگیرد و این را بحیث یک عامل تعطل در کارها ساخته اند به پیش گام بردارند و با اخلاص و صبر و استقامت در مرحله کنونی که مرحله فوق العاده حساس و سرنوشت ساز است باید استواری بیشتر از خود نشان بدهند و ما مطمئن هستیم که انشاء

با وجود مشکلات زیادی که شاید دامنگیر انقلاب اسلامی ما در دوران پیروزی بوده باشد باز هم مطمئن هستیم که انشاءالله پیروزی از آن ماست.

الله جمعیت اسلامی قسمیکه در دوران انقلاب اسلامی ما نبا ایثار و قربانی های بیدریغ پرچمدار جهاد مخلصانه بود بعد از این هم با اخلاص و صداقت، صبر و استقامت از دستآوردهای انقلاب پاسداری خواهند کرد. لذا یکبار دیگر همه برادران را به وحدت و اخلاص و یکپارچگی دعوت میکنیم و امیدوار هستم که انشاءالله روسها با وجود جنایات تکان دهنده ای که مرتکب شده اند از افغانستان برآمدنی هستند و افغانستان عزیز ما آزاد شدنیست و در کشور ما دولت اسلامی تشکیل خواهد شد.

به امید فردای روشن و آزاد و به امید آینده ء تابناک و مشحون و سرشار از صفا و صمیمیت و صلح و انصاف در افغانستان عزیز، اقول قولی هذا و استغفرالله لی ولکم انه هو الغفور الرحیم.

بقلم: استادفتحی یکن امیر
جماعت اسلامی لبنان

مترجم : ف- فاضل

انگیزه های سقوط در نیمه راه مبارزه

۳- نگما ریدن همه‌ا فرا دبه‌کا ر :

این پدیده‌خطرنا کترین پدیده ها درسا زما نها ست ،چه‌کا رهادر دست ،دسته‌ء محدودی مترا کم‌شده وتعدا دبسیا رزیا دی ،بدون کا ر ووظیفه ،ا یا م‌خودها را سپری میکنندوبا گذشت ا یا م‌ودگرگونی قلوب وعقول وا حسا س فردبه‌ا ینکه ا ودرکا رها دخلی ندا ردوا رتبا طش با سا زما ن مربوط بسیا رضعیف ا ست ودرمقا بل ،کا رها ووظا یفی هم‌درخا رج سا زما ن وجوددا ردکه می‌توا ندسبب مشغولیت ا وشود وا ین عوا مل همه‌دست به‌دست هم دا ده ،روح رسا لتمندی ومبا رزه را درا عما ق ا ومی کشد ،ا ستعدا د ها یش را به‌تحلیل می بردوبا لاخره ا وا زصحنه‌مبا رزه‌فا طه‌گرفته ،در پرتگا ه‌ها ی فسا دی لغزدویا دستی ا زآ ن دستها ی نا پا ک ومزدور بیگا نه‌ا ورا به‌ا ین سووآ نسو می کشا ند .

کا میا بی یک سا زما ن در توظیف ا ستعدا دها ونیروها ی ا عضاُ وهوا دا را نش ،آ غا زهمه‌پیروزی ها ی ا وست ونهضت ا سلامی ا گرچه بخا طر دا شتن نیروها وا ستعدا د ها ی مختلف ا زهرحیث غنی ا ست ا ما ا گرحقیقت را بگوئیم ،ا وهمه نیروها وا ستعدا دها یش را به‌کا ر نگما شته‌ا ست وآ نچه‌را که‌به‌کا ر گما شته‌بسیا را ندک ویا به‌شکل نا درست ا زآ نها بهره‌بردا ری کرده‌ا ست .

پس سا زما نی که‌نیروها وا ستعدا دها ی متعددومتنوعی درا ختیا ردا رد ،با یست برنا مه‌ها وپروژه‌ها ئی را روی دست گیردکه با تخصص هرفردمتنا سب با شد وکا ستی ها را تکا فوکند ،همچنا ن سا زما ن با یدتما یلات هوا دا را نش را کشف کندوبا درنظردا شت تما یلات ا وشا ن ،آ نها را به‌کا ر ها ئی بگما ردکه‌به‌مصا لح ا مت ا سلامی کمک ویا ری میرسا نند .

وهرفردسا زما ن هرپیشه‌ء که دا ردودرهرسویه‌ا ی که‌قرا ر دا رد با یست ا حسا س کندا ومقا م ومسوء ولیتی درسا زما ن دا ردوا و عضوفعا ل وسا زنده‌ء ا ست .وتوظیف درست نیروها وا ستعدا دها همان توظیفیست که‌هیچ ا ستعدا دی نا چیزشمرده‌نشود ،ما ننديک معمار ما هروورزیده‌که‌خشت ها وسنگها را درجا ها ی منا سبش ا زنگا ه‌حجم وشکل می گذا ردوسرا نجا م‌دیده می‌شودکه‌عما رت ا زخشت ها وسنگها که شکل ها ی مختلف وحجم‌ها ی گونا گون دا رند ،ا ما فشرده منسجم‌ومتنا سق به‌پا یه‌ا کما ل رسیده‌ا ست .

دربرخی کشورها ،نهضت ا سلامی

ا زنیروها وا ستعدا دها ی ا عضاء وهوا دا را نش درسا لها ی تحصیلی ودورا ن جوا نی شا ن بهره‌بردا ری می کندوآ نها را درهما ن مرا حل به‌کا ری ،می گما رد .ا ما وقتیکه چرخ زما ن به‌پیش تا خت وعضو مرحلهٔ تحصیل را پشت سرگذا شت وبه‌سا حه‌کا رووظیفه‌رفت ومرحله جوا نی را پیمود ،تشکیل خا نوا ده دا دویا به‌یک مرکزمهما جتما عی رسید ،را بطه‌ا ووسا زما ن مربوط به‌سستی وسردی می گرا یدوسبب آ ن هم ،مشغول شدن عضوا ست ویا ا ینکه‌سا زما ن نمی توا ند ،کا ر ی را که‌با وضع کنونی ا ومنا سب با شد ،برا یش پیدا کندوسرا نجام دورا ن هجرا ن ودوری ا زسا زما ن فرا می رسدوسا زما ن هم که نتوا نسته‌ا ست ،ا زا مکا نا ت آ ن عضوا ستفا دهٔ درست نما ید ،نا کا م میشود ،نا گا ه‌شخص خودرا خا رج چوکا ت سا زما ن می یا بدکه‌جز یک سلسله‌خا طره‌ها ی کهن تا ریخی با سا زما ن پیونددیگری ندا رد .

۴– بی توجهی سا زما ن به‌ا فرا د :

ا زجمله‌عوا ملیکه‌درسقوط ا فرا دوکنا ررفتن آ نها ا زمبا رزه کمک می کند ،بی توجهی سا زما ن به‌ا عضا یش ودرنظرندا شتن شرا یطی ا ست که‌برآ نها تا ثیرا تی بجا میگذا رد .

ا فرا دیک سا زما ن ما نندهمه مردمبا شرا یط گونا گون روبرو میشودومشکلات طا قتفرسا ئی ا ز قبیل مشکلات عا طفی ،روا نی خا نوا دگی وا قتصا دی و . . .به سرا غشا ن می آ یدوهرگا ه‌دربحبوحه همچومشکلات ،سا زما ن دست کمک ومسا عدت به‌سوی ا وشا ن درا ز نموده‌ودرحل مشکلاتشا ن بکوشد آ نها ا حسا س آ را مش نموده‌وا عتماد شا ن به‌سا زما نشا ن بیشترمیشود ورا هشا ن را با قا طعیت وفدا کا ری هرچه‌بیشترا دا مه‌میدهندوهرگاه سا زما ن به‌حا لشا ن توجهی نکرد جا مآ رزوها یشا ن به‌سنگ نومیدی خردشده ،شکست ها ی روا نی ونا مرا دی به‌سرا غشا ن خوا هدآ مد وا ین نومیدی ها ا وشا نرا به‌خا رج چوکا ت سا زما ن ،حتی به‌خارج چوکا ت ا سلام‌پرتا ب می کند .

وبرا ی ا ینکه‌یک سا زما ن بتوا ند ،ا فرا دش را پیگیری نموده وبه‌آ نها رسیدگی کند ،برا ولازم ا ست که‌همیش درجهت تحقق توا زن میا ن سا حه‌کا روتعدا دا فرا دش ومیا ن تهیه‌دیدن دستگا ه‌ها ی سا زما ندهیبا ،تجربه‌وعلی‌البدل ها بکوشد ،به‌ترتیبیکه‌ا مکا نا ت رهبری ،همیش بتوا ندبه‌نیا زمندی ها ی قا عده‌یا رده‌ها ی پا یا نی سا زما ن درهمه‌شرا یط پا سخ‌مثبت بگوید .

ا سلام‌می خوا هدا فرا دمحیط ا سلامی وجا معه‌ا سلامی طوری ا زنگله فکری ،روحی وحسی درهم‌ذو ب شوندکه‌همچون یک جسد وا حد گردند پیا مبرا کرم‌صلی‌ا لله‌علیه وسلم‌می فرما ید :

"مثل ا لموء منین فی توا دهم وترا حمهم‌وتعا طفهم‌مثل ا لجسد ا ذا ا شتکی منه‌عضوتدا عی له‌سا ئر الجسدبا لسهروا لحمی " روا ه‌مسلم .

مثا ل موء منا ن دردوستی ،رحمت وعطوفت شا ن با یکدیگرما نند جسدی ا ست که‌هرگا ه‌عضوی ا زآن شکا یت کند ،سا ئرا عضا ء دربیدا ری وتب ا وشریک شده ،یکدیگررا به همدردی فرا می خوا ند .

عضوسا زما ن هم‌با یدبه‌ذوب در سا زما ن ووحدت فکری با برا درانش ا حسا س دا شته‌با شد ،ا لبته‌ا ین ا حسا س ا ز " فرا غ "سرچشمه‌نمیگیرد بلکه‌ا زرا ه‌تلاشیکه‌ا ین وحدت وهمفکری را بصورت دا ئم‌ومستمر به‌نما یش میگذا ردوا زرا ه‌همبستگی روا نی ،حسی ،معنوی وما دی‌وان خلال بیدا ری همیشگی نشأت میکنند .

من به‌یا ددا رم‌که‌بدنبال شکست سا ل (۱۹۴۸م)وا کنش ها ی مختلفی درسرا سرکشورها ی عربی عرض وجودکرد ،که‌ا زجمله‌تا ءسیس یک سا زما ن ا سلامی درمرکزیکی‌ا ز کشورها ی عربی بود ،ا ین سا زما ن جدیدا لتا ءسیس ،دریک سا ل ده‌ها هزا رتن ا زجوا نا ن مسلما ن را در صفوف خودجذب کرد ،ا ما بخا طر نبودن ا مکا نا ت وبرنا مه‌درست جهت پیگیری ا فرا د وتوجه‌بحا ل هرکدا مًا ین سا زما ن نوزا دبزودی ا زهم‌پا شیدوهوا دا را ن وا عضا یش بصورت دسته‌جمعی وغما نگیزا ز متن مبا رزه‌کنا ررفتند .

پیگیری ا فرا دممکن ا ست ا ز دوجا نب دریک سا زما ن ا نجام گیرد ،یکی ا زطرف خودسا زما ن ا ز

راه اداراتش ودیگر از طرف افراد
سازمان که تعاون هردو طرف
وباوری به همدیگر ،هرنیازمندی
را رفع ساخته ،وناتوانی ها را
پایان میدهد وهرخللی را سد
میکند وهمین شیوه درحقیقت
مفهوم عملی یک جامعه اسلامی است
که براساس تعاون دولت وافراد
درهمه ساحه ها برپا میشود ،که کمک
های همه جانبه انصار برای
مهاجرین درصدراسلام که بنام عقد
مواخات (پیمان برادری) درکتاب
های سیرت مشهوراست ،دلیل عملی
همین تعاون است .

وحشت دوری ازمیهن ،شرایط
سخت ناگوار وتهدیدهای که از
هرطرف متوجه دعوتگران ومبارزان
مسلمان است ،درصورتی تخفیف
می یابد وزایل میشود که دعوتگر
ومبارز مسلمان همکارهایش را
بخاطرخدا وجهت نیل رضای او انجام
دهد .همچنان که او فعالیت ها
وتلاشهای برادران مسلمانش
اعضای سازمان اسلامی را میبیند
همه دردهایش تخفیف می یابد
ونهضت اسلامی زمانیکه بتواند
روح برادری را اشاعه داده وپیوند
های هوادارانش را براساس
الحب فی الله مستحکم کند ،بدون
شک می تواند ،هم خود وهم افرادش
را ازبسا مشکلات ورنج ها نجات
دهد .

۵ – عدم قاطعیت درتصمیم گیریها :

این عامل درسازمان سبب
پیچیده شدن امور وافزونی
مشکلات گردیده وراه های حل را
دشوارتر میکنند .

طبیعی است که هرسازمان
با یک سلسله قضایائی برخورد
میکند که به فیصله قاطعی ضرورت
دارد ،همچنان با مشکلاتی روبرو
میشود که بایست آنها را حل کنند
همچنان طبیعی است که هرسازمان
درمعالجه قضایا وحل مشکلات
روش های محدود ومعینی دارد
وهرقدرراه ها وروشهای فیصله
قضایا وحل مشکلات آسانتر
واضحتر وسریعتر باشد به همان
اندازه کارهای سازمان منظمتر
وجو حاکم برآن گواراتراست وهر
قدرسازمانی درپیگیری قضایا
وفیصله مشکلاتش بطی باشد وازخود
سستی نشان دهد به همان اندازه
مشکلاتش متراکم شده ،کارها
ودشواریها بیش زیادتر میشود .

یک مشکل درآغاز کوچک ومحدود
است ،اما بی توجهی به آن ،او را
ضخیم وبزرگ می سازد وسبب بروز
مشکلات دیگر میشود .

گاهی یک مشکل به بیشتر از
یک حرف یا فیصله یا دیداری
یا ملاقاتی ،یا عذرخواهی ای ،یا
عتابی ،یا نصیحتی ،یا کمک کردنی
یا توضیحی ویا تکلیف های آسان
دیگر ،نیاز ندارد ،اما نتایج
آن ،وقت زیاد ویا صرف نیروهای
رادرپی دارد که آنهم معلوم نیست
آیا آن صرف وقت ونیروها مثمر
واقع میشود یا نه ؟!

من بیاد دارم که یکتن ازبرادران
مسوولیت سازماندهی یکی از
ارگانها را به عهده داشت وازویک
مخالفت شرعی سرزد که ممکن بود
فورا" به آسانی معالجه می شد
اما رهبری سازمان دررسیدگی
به آن تاخیر وسهل انگاری کرد
ولی نتیجه چه شد ؟!

آنچه به وقوع پیوست این بود
که همان مخالفت شرعی چندبار
دیگر از آن برادر سرزد وکار به
رسوائی کشید وقضیه زبانزد خاص
وعام شد ،تا اینکه حل همان قضیه
برخی ازمسوولین وادارات را به
خود مشغول کرد ،کمیسیون هائی
تشکیل شد ،تحقیقاتی جریان
پیدا کرد ،عقوبت های صادرشد
وبدنبال ،واکنش هائی درداخل
سازمان سرزد ودربیرون ازسازمان
هم از آن قضیه استفاده نادرست
برضد سازمان شد .

حقیقتا" سرعت وقاطعیت در
تصمیم گیری ها وفیصله ها ومعالجه
مشکلات ،سازمانها را ازبسا
ماندگی ها ،تکانها ،زیانهای
بیشمار ،لغزشها وسقوط افراد
حفظ میکنند .

وهرگاه تا درعواملیکه سازمان
ها را به عدم قاطعیت درتصمیم گیری
ها وفیصله ها وامیدارد پژوهشی
انجام دهیم ،این نتایج را بدست
خواهیم آورد :

(الف) : این نقیصه به طبیعت
کسانی برمیگردد که رهبری
سازمان را به عهده دارند وآنها
عادتا" قادربه تصمیم گیری وفیصله
قاطع امور نیستند .

(ب) : شاید هم این کاستی به

کاغذپرانی های سازمان برگردد که اغلب باید هر قضیه‌ای از راه عبور از ادارات تنظیمی حل و فصل شود که این کار برای مسؤول صلاحیت تصمیم‌گیری نمیدهد.

(ج): و شاید هم عامل آن افزونی تعداد عده (اعضاء و هواداران سازمان) و ضعف رهبری باشد که نمیتواند به همه نیازمندیهای آنها پاسخ بگوید و شاید هم در بسیاری موارد جهت فیصله‌ٔ یک قضیه به ارگانهای متفرغ و با تجربه ضرورت باشد که در سازمان سراغ نشود.

و نتیجه همه در پایان یکچیز است و آن افزونی مشکلات و زیان در تمام ساحه‌ها و لجام گسیختگی در سراسر سازمان.

۶- کشمکشهای داخلی:

کشمکشهای داخلی از خطرناکترین بیماری هائی است که بر یک سازمان روی می‌آورد و از جمله عواملی است که توانائی های سازمان را به تحلیل برده و چون کلندیست که بر تهداب بنای سازمان بیرحمانه فرود می‌آید.

این بیماری خطرناک از یک طرف فضای سازمان را زهرآگین و "شارت" کرده و از طرف دیگر روابط میان افراد سازمان را تیره و تار میکند و همچنان جدل و ریاکاری را بار آورده مانع کار و سازندگی میشود و مهمتر از همه اینکه کشمکش داخلی در یک سازمان اسلامی، مبارزه اسلامی را ضعیف نموده و دشمنان کمین کرده، مبارزه اسلامی را وا میدارد که ضربات کوبنده‌ٔ خود را بر آن فرود آورند.

عواملیکه کشمکش های داخلی را بوجود می‌آورند، بسیارند از جمله:

- ممکن عامل آن ضعف دستگاه رهبری باشد که نتواند صفوف سازمان را زیر اداره، اراده و سلطه آورده و در کارها حاکمیت داشته باشد.

- همچنان امکان دارد دستهای پنهان و نیروهائی از خارج به قصد فتنه انگیزی، کشمکش های داخلی را از راه توظیف اجیران خود، در سازمان بوجود آورد.

- و ممکن سبب آن اختلاف سلیقه‌ها و تناقض اصول تربیتی و تغییر محیط زیست افراد باشد (اعضای یک سازمان بدون کدام تربیه درست و اصول از هر طرف در یک سازمان گرد هم آمده باشند و هرکدام از اشخاص مختلف، کتاب ها و خط های مختلف اثرپذیر شده باشند)

- و ممکن انگیزه کشمکشهای داخلی رقابت اعضاء بخاطر احراز پست های سازمانی و سیاسی باشد

- و شاید هم بخاطر عدم التزام افراد به سیاست سازمان و واضح نبودن قوانین و اصول نامه‌های سازمان و یا پیاده نشدن لوایح و مقررات سازمان (یا غیر مدون مقررات سازمان) و یا بروز کیش شخصیت و تصرفات فردی در سازمان سبب کشمکشهای داخلی باشد.

- و شاید هم، کشمکشهای داخلی به بیکاری و بی پروگرامی یک سازمان و دوری از تلاش و سازندگی باشد که اعضای سازمان در فکر دعوت و مبارزه‌شان نبوده و توانائی هایشان را در جهت پیروزی اهداف شان بکار نبرند و از استعدادهای خود استفاده‌ٔ نادرست نمایند.

آنچه یادآوری کردیم عوامل مهم کشمکشهای داخلی در سازمانهاست، که اگر قبل از فوت وقت به علاج آن پرداخته نشود، زیان های جبران ناپذیر و بی شماری را به دنبال خواهد داشت. و ما با مطالعه‌ٔ تاریخ زندگی سراسر افتخار پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم و یاران گرامی او با پدیده‌های مشابه به همین مرض علاج ناپذیر در محیط آنها بر می‌خوریم.

و در تاریخ دعوت اسلامی از عهد پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم اشکالی از این مرض علاج ناپذیر گاهی آشکارا و گاهی پنهان گاهی نیرومند و گاهی ضعیف احساس می گردد که جو حاکم بر محیط و قدرت رهبری مسلمانها در فیصله قاطعانه و علاج آن نقشی مهمی را ایفاء می کرد.

از جمله اشکال همین بیماری خطرناک، کشمکشی است در مدینه منوره در میان اوس و خزرج دو قبیله مسلمان انصار بوقوع پیوست که آتش این کشمکش را یهودیان نابکار و در راس شان یهودی حیله‌گر "شماس بن قیس" شعله‌ور ساخته بود.

محمد بن اسحاق بن یسار

ودیگرسیره‌نویسان ذکرمی کنند که: مردی ازیهودیان برگروهی ازاوس وخزرج گذرش افتادکه یکجا گردهم آمده بودند، آن یهودی ازاتفاق والفت آنها خشمناک گردیدویک مردیهودی ایکه همراهش بود، اورا به جمع آنها فرستادوبرایش دستورداد که در میان اوس وخزرج بنشیند واز جنگهای شان که بنام "بعاث" یاد میشودواوس برخزرج در آن غلبه کرده یاد آوری کند، او نیز چنان کردکه اوس وخزرج بریکدیگر خشم گرفتند وبه نزاع وتفاخر برخاستند وشعارجاهلیت راسر دادندکه اوسیان به "یاللاوس" ندا درداندوخزرجیان به "یاللخزرج" وبالاخره اسلحه خود ها راخواستند ومنطقه "الحرة" را میدان رزم تعیین کردند.

این خبر به فرستاده خدا صلی الله علیه وسلم رسیدواد انست که فتنه یهودیان است، بناء" فوراً وبدون تاء خیروتاء جیل برخاست ونزد آنها رفت وگفت: ای مسلمانان خدا را، خدا را، آیا با وجودیکه من درمیان شما هستم وبعد ازینکه شما را خداوند به اسلام هدایت داد وبه آن عزت تان بخشید، واز شما کارهای جاهلیت را دورکرد وبه واسطه اسلام ازکفرنجات تان داد و دلهای تان را باهم الفت بخشید با زهم شما دعوای جاهلیت سرداده اید؟.

این پیشدستی پیامبر صلی الله علیه وسلم، اثرمفیدی دردلهای اوس وخزرج بجا گذاشت وآنها درک کردندکه یهودیان مکاروکینه توز اوشان را به این کار وادا شته اند وشیطان دردلهایشان وسوسه انداخته است، همان بودکه بگریستندواظهار ندامت کردند ویکدیگررا درآغوش کشیدندوبیش ازپیش، برادری ودوستی شان مستحکمترشد، ودرمورداین رویداد این فرموده خداوند جل مجده فرود آمدکه:

" یا ایها الذین آمنوا، ان تطیعوا فریقا"من الذین اوتوا الکتاب یردوکم بعد ایمانکم کافرین، وکیف تکفرون وانتم تتلی علیکم آیات الله وفیکم رسوله، ومن یعتصم بالله فقدهدی الی صراط مستقیم.

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولاتموتن الاوانتم مسلمون. واعتصموا بحبل الله جمیعا"ولاتفرقوا واذکروا نعمت الله علیکم اذکنتم اعداء" فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته اخوانا ء وکنتم علی شفا حفرة" من النار فأنقذکم منها، کذلک یبین الله لکم آیاته، لعلکم تهتدون. ولتکن منکم امة" یدعون الی الخیرویاء مرون بالمعروف وینهون عن المنکر. واولئک هم المفلحون. ولاتکونوا کالذین تفرقوا واختلفوا من بعد

ما جاء هم البینات واولئک لهم عذاب عظیم. آل عمران (۱۰۰-۱۰۵).

ای مومنان اگرفرمان برید گروهی را ازاهل کتاب، بازمی گردانندشما را پس ازایمان تان کافران، وچگونه کافرمیشوید حال آنکه شما ئیدکه خوانده میشود برشما، آیتهای خدا، ودرمیان شماست پیغمبرخدا وهرکه چنگ افگند به (دین) خدا پس به تحقیق رهنموده شدبسوی راه راست. ای مومنان بترسیدازالله حق ترسیدن ازوی ونمیریدمگرمسلمان وچنگ افگنیدبه رسن خدا همه شما وپراگنده مشوید، ویاد آریدنعمت خدا را که برشماست وقتیکه بودید دشمنان، پس الفت افگندمیان دلهای شما (پس) گشتیدبه نعمت خدا برادر. وبودیدبرکنارمغاکی ازآتش، پس نجات داد شما را ازآن همچنین بیان میکندخدا به شما آیات خویش را تا راه یابیدوباید که باشد ازشما جماعتی که بخوانند بسوی کارنیکووبفرمایندبه کار پسندیده وباز دارند زنا پسند آن گروه ایشانندرستگاران ومباشید مانندکسانیکه پراگنده شدند و اختلاف کردندبا یکدیگر، پس از آنکه آمدبا یشان احکام واضح آن گروه مرایشان راست عذاب بزرگ.

ادامه دارد

په ژوندانه کی د ایمان نقش

زما درن :
شهید محمدولی (ثاقب)

شلورم :ـ دژبی اوقلم اولیکنی په سرسته دخپل مطلب د بیانولو او ښکاره کولو نعمت : ـ

«الرحمن علم القران . خلق الانسان علمه البیان » رحمان دقرآن تعلیم ورکړ ، انسان یی پیداکړ او هغه ته یی خبری کول او بیانول ور زده کړل »

« الذی علم بالقلم» خدای پاک هغه ذات دی چی دقلم پواسطه ئی تعلیم ورکړ » .

«والقلم وما یسطرون » قسم په قلم او هغه څه چی لیکی یی »

پنځم :ـ درزق او روزی نعمت :

« یا ایها الناس اذکروا نعمة الله علیکم هل من خالق غیر الله یرزقکم من السماء والارض » ای خلکو را یاد کړی ا د خدای پاک هغه نعمت چی په ستاسی یی احسان کړی ، ایا کوم بل پیداکونکی له خدای پاک څخه پرته ستاسی ته له آسمان اوځمکی څخه روزی درکوی؟» «قل من یرزقکم من السماء والارض؟قل الله » ورته ووایه ! څوک ستاسی ته له آسمان اوځمکی څخه روزی درکوی ورته ووایه ! خدای پاک »

شپږم :ـ دایمان اوهدایت کیدو نعمت دی، چی دانعمت په ځانگړی توگه له مؤمنانو پوری اړه لری :ـ

« .. ولکن الله حبب الیکم الایمان وزینه فی قلوبکم وکره الیکم الکفر والفسوق والعصیان اولئک هم الراشدون⁷فضلا من الله ونعمة» خو خدای پاک دستاسو ته د ایمان مینه درواچوله اودستاسو په زړونوکی یی ښائسته کړ اوکفر،فسق اوسرغړونی څخه یی دستاسو نفرت اوکړ که پیدا کړه داتولگی همدوی لار میندونکی دی دخدای په فضل او دهغه په احسان»

یمنون علیک ان اسلموا قل لا تمنوا علی اسلامکم بل الله یمن علیکم ان هدا کم للایمان إن کنتم صادقین » په ستا باندی ددی لپاره احسان اچوی او منت باروی چی دوی مسلمان شوی دی ، ورته ووایه ا دخپل اسلام راوړلو لکبله په ما احسان مکړدی بلکی خدای پاک په ستاسو احسان کړی ، چی ایمان ته یی هدایت کړی که چیرته رښتنی یاستی »

اووم :ـ دورور گلوی اومینی، محبت نعمت : « واذکروا نعمة الله علیکم اذکنتم أعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا » رایادکړی! دخدای نعمت چی ستاسو ته لی درکړی ، هغه وخت چی ستاسو په خپلوکی دښمن وی ، نو خدای پاک دستاسو په زړونوکی دیو دبل مینه واچوله نو دخدای په فضل اونعمت، ورونه وگرزیدی ! »

« وألف بين قلوبهم أنفقت ما في الارض جميعاً ماالفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيزحكيم» دهغوی زړوله ئی سره پيولد اوولښلول، که چيرته دی ټول هغه څه چی په ځمکه کی دی مصرف کړی وای ، ددوی په زړولو کی دی ديوبل مينه نشوه اچولی ، خو خدای پاک د هغوی په زړولو کی ديو بل مينه واچوله پرښتيا چی هغه غالبه حکمت لرونکی دی »

پيغمبر ﷺ دخپل ژوند په ټولو شئونو کی لسبت نوروخلکو

ته دخدای پاک فضل اونعمت بالدی زيات احساس درلود ، لدی کبله کله به يی چی ددوډی خوړلو لپاره لاس وغزوه سره لدی چی خوراک به يی مچه نه وو ، او وربشينه وچه ډوډی به د ناری او ډوډی خوړلو په پای کی به يی ويلی « الحمد لله الذی اطعمنا وسقانا وجعلنا مسلمين » ستاينه اوثنا هغه خدای پاک لره ده چی مونږ ته يی طعام راکړه او اوبه يی راباندی وڅکلی او مونږ يی د مسلمانانو له جملی څخه گرځولی يو »

اوکله به ئی چی تودی اوبه وڅکلی نو ويلی به يی « الحمد لله الذی جعله عذباً فراتاً برحمته ولم يجعله ملحاً اجاجاً بذنوبنا» ستاينه او ثنا هغه خدای پاک لره ده چی دا يی په خپل فضل او رحمت خوږی او خونده وری وگرځولی ، او زمونږ د گناهونو له کبله يی تروی او ترخی نکړی .

او کله به يی چی کالی اغوستل اويا به يی پټکی په سرتړه ، اوياداسی نور نو ويلی به يی :

« **الحمدلله الذی کسانی هذاورزقنيه من غيرحول منی و لاقوة اللهم انی اسالک من خيره وخير ماهوله** ـ ثنا او ستاينه هغه خدای پاک لره ده چی دا « کالی » يی را واغوستل ، او يی له دی چی کوم قوت او قدرت ولرم هغه يی څماروزی او برخه کړل ، ای خدايه ! زه له ستا څخه ددی « شی » له ښيگڼو او دهغه د خير او ښيگڼی چی له دی شی سره اړيکی ولری غوښتنه اوسوال کوم .

او کله به چی په کوم آس يا اوښ سپريده هغه څه به يی ويلی چی خدای پاک ورښودلی ؤ هغه داچی «**سبحان الذی سخرلنا هذاو ماکناله مقرنين وانا الی ربنا لمنقلبون** ـ اومونږ دخپل پالونکی خدای (ج) سپيڅلتيا هغه خدای لره ده چی دايی زمونږ لپاره تابع کړی اومونږ دخپل په پالونکی خدای (ج) په لوری ليږدونکی اوورتلونکی يو»

او هغه وخت به چی له خوب را ويښيده نو ويلی به يی «**الحمد لله الذی احيانا بعد ما اماتنا واليه النشور** ـ ثناوصفت هغه خدای لره ده چی وروسته له دی چی وژلی يی وو ، بيرته يی را ژوندی کړو ، او دده په لوری ورتگ او ورتوليدل اوژوندی کيدل دی »

او کله به يی چی انسانی حاجت رفع کړ او له بيت الخلاء څخه به راووت داسی به يی ويلی : « **الحمدلله الذی اذهب عنی الاذی وعافانی**» ستاينه او ثنا هغه خدای لره ده چی تکليف يی راڅخه لری کړ اوعافيت يی راکړ »

او کله به يی چی داسی څوک وليد چی په کوم جسمی رنځ به اخته ؤ اويا به يی حواس کمود ؤ نو داسی به يی ويلی « **الحمدلله الذی عافانا مما ابتلی به کثيرا من خلقه** ـ ثنا او صفت هغه خدای لره ده چی له هغه رنځونو څخه يی مونږ ته عافيت را کړی ـ چی ډير خپل مخلوقات يی پری اخته کړی دی »

او کله به يی چی کوم کار له خپلی غوښتنی سره سم ترسره کيده ، او دده له ارادی سره موافق به ترپايه پوری کيده نو ويلی به يی « **الحمدلله الذی بنعمته تتم الصالحات** ـ ستاينه اوصفت هغه خدای لره ده چی دده په فضل او نعمت ښه کارونه تر سره او پوره کيږی »

او کله به يی چی کومه هيله پوره نشوه اوداسی څه به پيښيدل چی د بشری فطرت په اساس به يی

په اوکړکه تری راتله ، نو ویلی به
یی « الحمد لله علی کل حال» په هر
صورت اوهرحال ثنا او صفت خدای
پاک ته راجع دی »

او هغه وخت چی دسباؤن رنا
به یی استقبالوله او سبا به را و ختو
داسی به یی ویلی «اللهم الی اصبحت
منک فی نعمة وعافیة وسترفاتم علی
نعمتک وعافیتک وسترک فی الدنیا و
الاخره اللهم مااصبح بی من نعمة او
باحد من خلقک فمنک وحدک لاشریک
لک فلک الحمد ولک الشکر »

ای لوی خدایه ! زه دستا له
لوری په نعمت او عاقبت او پردی
کی شوم لو په ما باندی خپل نعمتونه
دی او عافیت دی او پرده پوښی دی
په دنیا او اخرت کی پوره کړی .

ای خدایه ! هغه څه چی په ما
او یا په کوم بل چاله نعمتونو لیدل
کیږی ، هغه ټول یوازی د ستا له
لوری دی ، هیڅ شریک نه لری ،
نو ستاینه او ثنا ستالره ده ، او شکر
یواځی دستا ښایی او درناوی ستالره
ده »

او کله به چی شپه په راتلونکه وه
پیغمبر ﷺ به همدغه پورتنی دعا
تکرار وله اوویلی به یی ، . . .
همدغه دتل لپاره د مؤمن شعور
وی ، هو ، دخدای پاک دنعمتونو په
یادوله او د هغه دفضل او رحمت

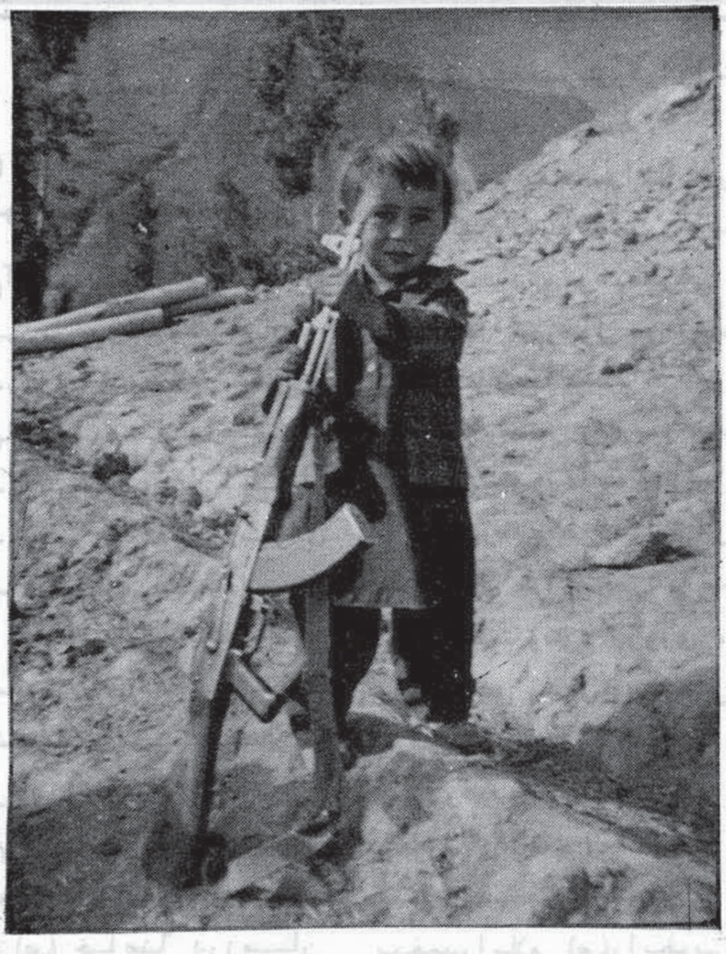
په درناوی او شکر کولو شعور او
احساس ، «ومابکم من نعمة الله » هغه
څه چی له نعمتونو څخه ستاسی سره
شته هغه ټول دخدای پاک له خوادی.

« وان تعدوا نعمة الله لاتحصوها »
که چیرته وغواړی چی د خدای (ج)
نعمتونه وشمیری ، شمار به یی نشی
کړای لدی کبله دخدای (ج) سپیڅلی او
مقدس کتاب له بسم الله څخه وروسته
په داسی آیه پیل شوی چی په پرله
پسی توکه دانسان توجه دخدای پاک
نعمتولوته را اړوی ، او دخدای پاک

په ثنا او صفت کولو امر کوی ، دا
آیه دقرآن کریم له فاتحی څخه عبارت
دی او هغه دا چی :

« الحمد لله رب العالمین» «ثنا او
ستاینه هغه خدای لره ثابته ده چی
هغه د جهانیانو پالونکی دی ».

نو له دی امله کومه دتعجب
وړ خبره نه ده چی اسلام ددی سورت
لوستل فرض کړی او هر مسلمان یی
په یوه شپه او ورځ کی حد اقل اوو لس
ځله په فرض لمونځونو کی تکرار وی
او لولی یی



این طفل معصوم ،فرزندارجمندفیض الرحمن "فایض" شهید والامقام اسلام دربدخشان است . او سلاح پدرشهیدش را با محبت بآغوش می کشدومیخواهدازدشمن انتقام بگیرد .

نگاهی به شخصیت وسیرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم

(محمداکرم اندیشمند)

(۲)

قرآنکریم پیغمبربزرگوار اسلام (ص) را چگونه معرفی میکند؟ ؛

قرآنکریم آنطوریکه اولین وبزرگترین مرجع ومنبع راه وشریعت دین اسلام بوده ومسلمانها مکلف هستندتا عقیده وعمل خودرا برمبنای آن استوار سازند ودرمسیری که قرآن برای زندگی نمودن مشخص نموده است حرکت نمایند، همچنان یگانه مرجع مطمئن وصحیح برای شناخت ومعرفی شخصیت و سیرت حضرت رسول اکرم (ص) نیزمیباشد، زیرا قرآنکریم درموردزندگی وسیرت پیغمبر (ص) ووقایع دوران حیات آن حضرت (ص) خاصتاً درزمان بعثت به حدکافی روشنی انداخته است. وما دراینجا مختصراً به برخی ازآیات که معرف شخصیت وسیرت پیغمبربزرگوار اسلام (ص) است اشاره می کنیم.

قرآنکریم پیغمبراسلام (ص)را از جنس بشرورهبردلسوزوحریص به نفع وسعادت مردم معرفی میکند.

(لقدجاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم با لموءمنین رءوف رحیم. (سوره التوبه آیه ۱۲۸).

(بدرستیکه رسولی ازجنس شما برای هدایت مردم آمدکه از فرط محبت ونوع پروری، فقر وپریشانی وجهل وبدبختی شما برا وسخت می آید، وبه نجات شما بسیار حریص وبه موءمنان رءوف ومهربان است)

این آیه شخصیت عظیم وبی مانند پیغمبراسلام (ص)را بخوبی ترسیم می کند. آن حضرت (ص) درجریان دعوت خاصتاً درسیزده سال اول بعثت درمکه به چنان دشواریها ومشقاتی روبروگردیدکه تحمل آن ازتوانائی هرانسانی بیرون بود. مشرکین مکه ازهیچ نوع آزارواذیت درمقابل او (ص) دریغ نکردند. تکذیبش نمودند، ساحرش خواندند، درمقاطعه وتحریم اقتصادی اش قراردادند، تبعیدش ساختند، سنگبارانش کردند ونقشهٔ قتلش راکشیدند. اما آن حضرت (ص) همه اعمال ناروای آنانرا تحمل کرد، درخواست نزول عذاب رابرایشان ننمود وبرعکس درموردشان دعای هدایت میکردودرحین پیروزی با بزرگواری ازگناهانشان درگذشت وهمه را موردعفووبخشش قرارداد.

این خصوصیت درطول تاریخ دروجود هیچ رهبروزعیم جوامع انسانی دیده نشده است. زعماء، فاتحان کشورگشایان ورهبران انقلابات کشورها وجوامع مختلف انسانی

درجریان زعامت وفرماندهی خود نه‌تنها که مخالفین خودرا کشته‌اندبلکه بهترین دوستان وهوادارا ن خودرا با اندک ترین سوء ظن نابودنموده‌اند. نقاط شاخص وبرجسته درزندگی آنها فقط همین کشتن ،بستن،تخریب وویرانی شان بوده‌است.

امانقاط شاخص زندگی پیغمبر اسلام (ص)فداکاری وگذشت ،صبر واستقامت وحرص به سعادت وهدایت مردم‌درمقابل شقاوت ومعصیت آنها است.

ازاین جاست که قرآن اخلاق آن حضرت را خلق بزرگ میخواند.

(انک لعلی خلق عظیم. (بدرستیکه توبراخلاق پسندیده‌ای بزرگ هستی).

(لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة (بدرستیکه‌برای شما درتعلیم‌رسول الله‌ودراقتداء به‌آن حضرت (ص)پیروی نیک است)

قرآن رهبریت پیغمبرمحبوب اسلام (ص)رانمونه‌ومعیاری میخواندکه مسلمین باید زندگی خودرا مطابق روش ورفتار آن بسازندواین رفتاروکردارهم بدون شک وتردید اسوهٔ حسنه‌ای است که‌فقط زندگی انسان مطابق آن می‌تواندزندگی سعادتمند ورستگار حساب شود. یکی از حکمت بعثت پیغمبران (ع)آنطوریکه قبلا" اشاره‌کردیم‌درهمین است که جامعهٔ انسانی درراه انسانیت وسعادتمندی‌خودمعیار ونمونه‌ای کامل داشته‌باشدوپیغمبر (ص) برای بشرحیثیت چراغ روشن ونورانی را داشته‌باشدکه‌همه تاریکی ها وظلمات رااز فرا راه انسان بزداید وانسان ، راه زندگی رابرمبنای سیرة وسنت اوبگذارند ودرروشنائی نور وروشنی اوحرکت نمایند تا به سعادت ورستگاری نایل گردند وقرآن مبارک هم‌به‌صراحت حکمت رسالت وبعثت پیغمبررا درتأمین همین هدف عظیم ومقدس چنین بیان مینماید:

(یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا" ومبشرا" ونذیرا"وداعیا " الی‌لله باذنه وسراجا"منیرا "

(سورهٔ احزاب آیه ۴۵).

(ای پیغمبر (ص)ما تورا به‌رسالت فرستادیم‌تا نشاندهنده (گواه) ومژده‌دهنده‌وترساننده‌ودعوت کننده‌بسوی خدا وبه‌حکم‌واذن او وچراغ درخشانی باشی).

(وما ارسلناک الا کافة للناس بشیرا" ونذیرا" (سوره‌سبا آیه ۲۸)

(وما تورا جزبرای اینکه‌عموم بشررا بشارت دهی وبترسانی نفرستادیم).

پس پیغمبر (ص)که به‌خاطربشارت وراهنمائی انسان بسوی هدایت وسعادت مردم مبعوث شده‌است وبرای انسان حیثیت سراج منیر را دارد ،بدون تردیدوجودا وبرای عالم‌انسانیت فقط رحمت وسعادت است وازهمین جاست که قرآن اورا رحمت برای عالمیان وبعثت او را احسان وعنایت پروردگار میخواند.

(وما ارسلناک الا رحمة للعلمین (سورهٔ انبیاء آیه ۱۰۷).

(ونفرستادیم ترا مگررحمت برای جهانیان).

(رسلا" مبشرین ومنذرین لئلا یکون للناس علی الله‌حجة‌بعد الرسل (سورهٔ نساء آیه ۱۶۵).

(ما پیغمبران (ع)را بشارت دهنده وهشداردهنده‌فرستادیم تاآنکه‌پس ازفرستادن این همه رسولان مردم‌را برخدا حجتی‌نباشد).

پیغمبری که‌برای جهانیان بشیر ونذیروسراج منیرباشدووجودش خیرورحمت برای عالمیان واخلاقش بزرگ وبی مانندبه‌حساب آید ،باید اندیشه وعملش ،سیرة وسنتش ازافکاروخیالات خودش سرچشمه نگیرد. زیراانسان فطرتا" درهمه‌صفات ومشخصات خود محدودیت داردوبرعلاوهٔ محدودیت ها نیروهای متضاد نهفته‌شده دروجوداوعاملی دیگریست که درکمال وسعادتمندی اش مشکل ایجاد می کندودرصورتیکه گفتار پیغمبر (ص)ازافکاروخیالات خودش نشئت کندوسیرة وسنتش برهوی وهوسش متکی باشد ،نمی‌تواندبرای جامعهٔ انسانی انسان نمونه وچراغ روشنی باشد که‌بشرنجات وسعادت خود رادر پیروی ازافکاورفتار او ودریابد اما قول وعمل پیغمبرعظیم‌الشأن اسلام (ص)ناشی ازخیالات وهوی وهوس نیست ،آنجائی که قرآن دراین موردچنین تصریح‌میدارد؛

(وما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی(سورهٔ النجم آیه ۴)

(پیغمبر (ص)سخن نمی‌گوید از خواهش نفس خود ،نیست حرف او مگروحی خالص که به او وحی کرده می شود).

وبه این ترتیب که همه سخن آن حضرت (ص) وحی پروردگار است . درافکار واعمالش هم هیچ کجی نادرستی ،خطاء واشتباهی وجود ندارد.

(قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة" انا ومن اتبعنی وسبحان الله وما انا من المشرکین (سورهٔ یوسف آیه ۱۰۸) .

(ای پیغمبر بگو به مردم که طریقهٔ من وپیروانم همین است که مردم را به خدا با بینائی وبصیرت دعوت کنم وخدا را از شرک وشریک منزه دانم وهرگز به خدای واحد شریک نیاورم).

ومتکا وپشتوانهٔ پیغمبر (ص) در دعوت براه حق ورسالتش، قرآن کتاب خدا ، حکمت ،علم ،فضل وعنایت بی پایان ذات بی نیاز الهی است .

(وانزل الله علیک الکتاب والحکمة" وعلمک مالم تکن تعلم وکان فضل الله علیک عظیما" .
(سورهٔ نساء آیه ۱۱۳) .

(وفروفرستاد خدا برتو کتاب وحکمت وآموخت بتو آنچه را نمیدانستی وفضل خدا برتو بزرگ است).

پس پیغمبر (ص)کاملترین شخصیت وبهترین مخلوق عالم خلق است اندیشه وگفتارش ناشی از وحی والهام پروردگار وسیره وسنتش متکی برفرمان وهدایت ذات باری تعالی وراهش راه مستقیم هدایت ودینش دین حق است .

(هو الذی ارسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیدا" (سوره فتح آیه ۲۸) .

(اوست آنکه فرستاد رسول خود را براه راست ودین حق تا بلند (غالب)کند آنرا برهر دین وکافی گواه است الله) .

وبا چنین خصوصیت بزرگ وشخصیت کامل ونمونهٔ انسان ها مکلف هستند که به رسالتش ایمان بیاورند ،راه وسنتش را سرمشق خود قرار دهند وهمه ابعاد زندگی خود را براندیشه وعملش بنیاد نهند وعیار سازند ومسلمین باید او را از جان خود واز نزدیک ترین کسان خود دوست تر بدارند .قرآن کریم هم دراین موارد تاکیدات زیادی را به مسلمانان می‌نماید .

(وما اتکم الرسول فخذوه وما نهکم عنه فانتهوا(سوره حشر آیه ۸) .

(وآنچه بدهد شما را پیغمبر ،پس آن را بگیرید واز آنچه که منع کند از آن بگذرید) .

کمال شخصیت پیغمبر (ص) ووجود مبارک او (ص)که رحمت برای جهانیان است ،طبعاً ایجاب میکند که رسالت آنحضرت (ص) رسالت جهانی بوده وهمه مردم را به دین حق دعوت نماید وقرآن این امر را چنین تاکید می کند :

(قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا" (سورهٔ اعراف آیه ۱۵۷) .

(بگوای پیغمبر (ص)به مردم که من فرستادهٔ خدا به عموم مردم جهان هستم).

پایان رسالت ونبوت در وجود محمد مصطفی (ص)نیز امر طبیعی وضروری به حساب می آید .شخصیت پیغمبر (ص)کاملترین شخصیت است وآخرین وعالی ترین درجهٔ کمال که پائین تر از کمال خالق وبالاتر از کمال مخلوق باشد، در وجود آن حضرت (ص)تجسم یافته است دین را که محمد مصطفی (ص) آورده است نیز کاملترین ادیان برحق وآسمانی است ،وآخرین وعالی‌ترین درجه ومرحله‌ای است برای زندگی وتربیت انسان که پاسخ نیاز وضرورت مشروع بشریت را تا بی نهایت هم که خواسته باشد تکامل کند وبه پیشرفت انسانی ومعنوی تایل گردد ،ارائه میدارد .پس دین کامل وپیغمبر کامل خاتم بودن نبوت را ایجاب نموده وضرورت بدین وپیغمبر جدید را منتفی میسازد .

(ماکان محمد ابا احدمن رجالکم ولکن رسول الله وخاتم النبیین (سورهٔ احزاب آیه ۴۰) .

(نیست محمد (ص)پدر هیچکس از مردان شما ولیکن پیغمبر خدا است وخاتم تمام پیغمبران است) .

ومحمد مصطفی (ص)پیغمبر بزرگوار اسلام دارای چنان شخصیت کامل وعظیمیست که ذات بی نیاز

ولایزال الهی براو (ص) درود، می فرستد ومسلمین را نیز دستور میدهد تا به این بندهٔ برگزیده ورسول محبوب وبزرگوار درود بفرستند.

(ان الله وملئکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما. سورة احزاب آیه ۵۶).

(به تحقیق که خدا وفرشتگان او بر پیغمبر (ص) رحمت میفرستند و ای موءمنان شما نیز براو (ص) درود بفرستید وسلام بفرستید سلام گفتنی).

درود بی پایان الهی بر سرور راستان، قاید مجاهدان، بهترین عالمیان، سردار جهان، خاتم رسولان محمد مصطفی وبر اهل وبیت مطهرش ویاران صدیق وباوفایش باد.

سیرت پیغمبر اسلام (ص) در ابعاد مختلف زندگی

آن آیاتی از قرآن کریم که در مورد معرفی پیغمبر اسلام (ص) نازل شده است ودر عنوان قبلی که به برخی از آنها اشاره نمودیم، تصویر کلی از شخصیت وسیرت آن حضرت (ص) میباشد که تمام رفتار وکردار رسول اکرم (ص) در حقیقت صورت تفصیلی آنها را تشکیل میدهد ویا بنیاد واساس مختصر واجمالی مشخصات واوصاف رسول خدا میباشد که همه قول، عمل، سیرت وسنت آن حضرت (ص) در تمام ابعاد زندگی شان روی آن قرار دارد.

تواضع پیغمبر (ص) عفو وگذشت آن حضرت (ص) عطوفت وترحم، برخورد ومعاشرت شان در خانواده واجتماع محبت وصمیمیت شان با فرد فرد مسلمانان، صداقت واخلاص شان صبر واستقامت شان وسایر خصوصیات اخلاقی شان چنان شکوه وعظمت دارد که قرآن مبارک آنرا در یک کلمهٔ بزرگ ومقدس " خلق عظیم " خلاصه نموده است. وقتی ما اخلاق پیغمبر (ص) را مطالعه می کنیم به وضاحت درمیابیم که روش وسیرت آن حضرت (ص) درطول زندگی شان تفسیر وتفصیل همین "خلق عظیم" که در قرآن ذکر شده است، میباشد طوریکه حضرت عایشهٔ صدیقه (رض) دربرابر این سوال که اخلاق پیغمبر (ص) چگونه بود فرمودند:

(کان خلقه القرآن) (یعنی خلق او قرآن بود.).

همچنان وقتی به کمال معنوی وعظمت روحی پیغمبر اسلام (ص) می بینیم، بزرگی وعظمت اصحاب ویاران راستینش را مشاهده می کنیم، به جامعهٔ توحیدی وبه امت نمونه وبی مانندی که بوجود آورد نظر می اندازیم، به خوبی وجود مبارک وشریف آن انسان بزرگ وبرگزیده را رحمت وچراغ منیر احساس می کنیم وقرآن کریم این همه خصوصیات بزرگ وبی مانند وصفات مقدس وعالی را در کلمات زیبای (**رحمت وسراج منیر**) تعبیر وخلاصه نموده است.

سایر ویژه گی ها، اوصاف وخصوصیات آن حضرت (ص) برهمین معیار ولساس استوار است که در قرآن کریم تصویر کلی ومختصر آن در بهترین وزیباترین کلمات وجملات بیان شده است واکنون به توضیح وتشریح نسبتاً مفصل تری ابعاد وجهات مختلف سیرت پیغمبر اسلام (ص) می پردازیم.

سیمای ظاهری:

به روایت حضرت علی کرم الله وجهه پیغمبر بزرگوار اسلام: مردی بود میانه قد، نه چنان بلند که دراز نماید ونه چنان کوتاه که پست جلوه کند واز نظر جسم نیز متوسط بودند. پیشانی گشاده وفراخ وسری درشت داشت. رنگش سبزینه یا گندمگون، مژگانش زیبا دوچشمانش سیاه بود. ریشش انبوه وبه قدریکه در مشت می گنجید وچنان در نظر می آمد که گویا سینه را پر کرده بود. ابرویش مقوس وگشاده بود وهنگام غضب میان دوابرویش رگی پدیدار می گشت. موی سرش نه بسیار مجعد ونه کاملاً باز بود، گاهی موی خود را میتراشیدند واصلاح میکردند اما اکثراً "میگذاشتند که گاهی تا میانهٔ گوش گاهی تا پائین کنارهٔ گوش وگاهی تا شانه هم می رسید.

دندان هایش روشن وآبدار ودندان های پیش رویش اندکی گشاده وبینی اش بلند بود وبلندی بینی اش درحد اعتدال قرار داشت. نه بسیار بلندی که زیبائی بینی را از بین ببرد، بلکه بلندی بینی اش چنان زیبا بود که نوری از آن نمودار مگیردید.

گردنش سفید، سینه‌اش گشاده ویک خط موی ازمیان سینه تا ناف کشیده شده، اما بطورکلی بدنش کم موی بود.

دست ها وپای هایش پرگوشت وشکم وسینه‌اش هموار واستخوانهای بالای مفاصل وبازوانش درشت وقوی بود. میان دوشانه‌اش مهر نبوت قرارداشت.

ناخن های دست وپای خودرا همیشه اصلاح میکردند. معمولاً "درروزهای جمعه یا پنجشنبه ناخن های خودرا می چیدند. هنگامیکه درسفر میرفتندوسایل پاکی ونظافت چون مسواک، آئینه، شانه، عطر سرمه‌دان ومقراض را با خود میداشتند.

درحالت رفتار قدمهای مبارک خودرا کاملاً "برداشته می نهادند رفتارشان طوری بودکه گویا از بلندی به پستی میروند. همچوآبی که ازبالا به پائین سرازیرمیشود به هرطرفی که می دیدندنیمه رو نمی دیدند، بدن خورا مکمل بدانجهت می گردانیدندوبه جانب زمین بیشترنظرمی انداختندوسر را کمتربالامیگرفتند.

صدایش تاثیرناک بود، بدانگونه ای که جذابیت عجیبی داشته فکرها وهوش ها را درسخنرانی اش جلب وقلب ها را خاضع می گردانید. اصحاب به نهایت دقت وسکوت به سخنانش گوش میدادند. سخنش بسی فصاحت داشت وچنان به آهستگی ووضاحت ایرادسخن می فرمودندکه آن را شمرده می شد.

خنده‌ء مبارکشان فقط تبسم بود وگریه‌ء شان خنده بی صدا بود، اگر صدائی هم شنیده می شد، صدای سینه‌ء شان بودکه همچودیک جوشان بلند میگردیدواشک چشمانش همچو دانه های مروارید پی هم سرازیر می شد. علت گریه‌اش گاهی رحم برامت، گاهی ازشنیدن قرآن گاهی ازترس خدا "ج" وگاهی از محبت واشتیاق الله ویادجلال وجمال خداوند "ج" بود.

با اهل خانه، مردم وکودکان خوش طبعی ومزاح میکردندامامزاح شان به حداعتدال بود.

ظاهراً بسیار آرام ومتین ودرعین حال پرشکوه وجذاب ونهایت دوست داشتنی بودند، هرکه برای اولین بار باا وبرمی خورد، هیبتش اورا میگرفت وهرکه همرایش آمیزش داشت اورا صمیمانه دوست میداشت. بدون ضرورت سخن نمی زدودرسکوت نمودن متفکر ومتین جلوه میکردند.

گاهی چارزانووگاهی دوزانو می نشستندوبعضی وقت هم به جانب چپ تکیه میکردند.

خوابشان به حداعتدال بود. یعنی نه بسیارخواب میکردندونه خودرا کم خواب نگهمیداشتندوخوابشان همچوخواب معمولی سایرانسانها که کاملاً درحاله غفلت باشند نبود، بلکه اگرظاهراً خواب می بودندولی قلباً بیداربودند قبل ازخواب وضوء میکردندودر هنگام خواب به چشم خودسرمه می کشیدندوهیچ گاه قبل ازعشاء به خواب نمی رفتند. درهمه حالات درحال رفتن، نشستن، خوابیدن غذاخوردن، چیزی را نوشیدن، وضو نمودن، داخل شدن به خانه ومسجد وغیره دعای مخصوص را می خواندند ویاآیاتی ازقرآنکریم را تلاوت می نمودند.

پیراهن را دوست داشت. گاهی قدیفه به بدن خودمی پیچاندند یکی را به کمرمی بست ودیگررا به شانه می انداخت. گاهی عمامه می بست وگاهی کلاه. درهنگام جنگ کلاه گوشی دارداشت که به سر میگذاشت.

اخلاق فردی وبرخورداجتماعی:

همان ترتیب که قرآنکریم اخلاق پیغمبرگرامی اسلام (ص) را خلق عظیم می خواند، وجود اورا رحمت به عالمیان میداند وموجودیت اسوهء حسنه یا سرمشق نیکورا درا وتاکید مینماید وخود آن حضرت (ص) نیزمی فرمایندکه:

(بعثت لاتمم مکارم الاخلاق)

(من برای تکمیل مکارم اخلاق فرستاده شده‌ام). واقعاً آن ذات شریف وگرامی وآن شخصیت عظیم وبرگزیده‌ء عالم هستی درعالی ترین وکاملترین درجه‌ء اخلاق وسیرت حسنه ومعاشرت نیک فردی واجتماعی قرارداشتند. همه فضایل ومکارم اخلاقی درو جود مقدس وگرامی آن حضرت (ص) و در سیرت وسنت ایشان (ص) به مفهوم ومعنی واقعی اش تجسم یافته بود

وسیرت آنحضرت (ص) معیار ومحک
شناخت فضایل اخلاقی وسیرت حسنه
میباشد. چنانچه فرمودند:
(کاملترین اهل ایمان آن است
که اخلاق برگزیده داشته باشد".
حضرت سیدالمرسلین (ص) در برخورد
با مردم مهربان وگشاده روبودند
روی فرش ساده وبوریائی
می نشستند، ساده غذا می خوردند
ولباس ساده به تن می کردند
حضرت انس (رض) می گوید: من که
سالها ملازمت رسول خدا را کردم
ودرخانه ٔ ایشان بودم، هیچ روزی
آن حضرت برمن قهر نشد وازمن
انتقادی نکرد. روزی مرا عقب کاری
فرستادومن درمسیر راه مشغول
تماشای ساعت تیری اطفال
شدم، بعداز مدتی ناگهان دست
درموی سرم گذاشته شد، رویم را
برگرداندیم که رسول خدا هستند
وآنگاه بدون آنکه قهر شوند
وانتقادی نمایند با تبسم گفتند
که عقب کارت برو.

به اصحاب ویاران خود احترام
عمیق وصمیمانه داشتند. یک یا سه
روز اگر صحابی خودرا نمی دیدند
سراغش می رفت واحوالش را
میگرفت. اگر برایش معلوم می شد
که اصحابی آزرده شده است میگفت:
فلان کس ازما تقصیری دیده است
وآزرده شده است، برخیزید که بخانه
اوبرویم واورا خوشحال کنیم.
اطفال مسلمین را بازنوازش
می نشاند ومورد شفقت ونوازش
قرار میداد. گاهی وقت کودکان
درآغوش آنحضرت (ص) ادرار میکردند
ولی پیغمبر بزرگوار اسلام (ص)
با وجود پافشاری پدریا مادرکودک
میگذاشت که ادرار طفل تمام شود.
تمام اطفال را محترمانه می بردند
وقتی به اطفال روبرو می شدند
سلام می دادند ودرسلام دادن ازهمه
کس پیشی می گرفتند. درمورد
حقوق کودک به والدین هدایات
ودساتیر مشخصی داده واسلوب
معینی را وضع نموده است. می
فرمایندکه: "بزرگترین عطای
پدربرای اولاد این است که اورا
تربیت وتعلیم نماید".
به بزرگان نیزبدیده ٔ احترام
می دیدند ومیفرمایندکه: (هرکه
برخوردان شفقت وبه بزرگان خود
احترام نکرد ازما نیست). درفتح
مکه حضرت ابوبکرصدیق "رض" پدر
موی سفیدخودرا که میخواست
ایمان بیاورد به حضور رسول خدا
آورد. آن حضرت (ص) به احترام پدر
یارصدیق خودبرخواست وفرمود:
چرا این شیخ را تکلیف دادی
میگذاشتی که ما نزدش می رفتیم.
درمجلس پای خودرا پیش روی کسی
دراز نمی کرد ودرحضورکسی تکیه
نمی نمود. اکثراً دوزانو می نشست
مجالس را دایره وار میساخت تا
مجلس بالا وپائین نداشته باشد.
بدون ضرورت سخن نمی گفتند ودر
سخن گفتن تنها بیک فردنگاه
نمی کردند، رویش را به هرطرف
می گردانیدند، با صدای بلند حرف
نمی زدند وهیچ گاه سخن ناسزا
به زبان نمی آوردند، مذمت
کسی را نمی کردند، کسی را طعنه
نمی زدند وتفتیش عیبی کسی را



گروهی ازجانبازان رشید اسلام، پس ازانجام تعلیمات نظامی منتظر اعزام به سنگرهای خون وشهادت اند.

نمی‌کردند ،تندخووسخت گونبودند ودرسخنی‌که همه را خنده میگرفت فقط تبسم میکردند .برای شنیدن سخن اهل مجلس خیلی توجه ودقت می نمودند .بعدازهرنماز ،خاصتاً بعدازنمازصبح جلساتی مختصری رابرای وعظ ونصیحت دایر می نمودندوگاهی جلسات عام‌تر به‌منظورتشریح وتوضیح مطالب وموضوعات مهم‌ترتشکیل میدادند وقتی درمسجدسخنرانی میکردند عصائی رابدست گرفته به‌آن تکیه می نمودندواگردرمیدان جهاد نصیحت میفرمودندبرکمان تکیه میدادند .سخنانشان بسیارفصیح بلیغ وعام‌فهم‌بودودرموردسخن گفتن دستوردادندکه : " **بامردم به‌قدرفهمشان سخن بگوئید** " . اگرکسی راطلب میکردند ،اسمش رانمی دانستند ،عبدالله گفته صدا می نمودندوهیچگاه نام‌کسی را شکسته نمی گرفتند .مردم را از گفتن سخنان نامشروع‌ممانعت می نمودندوادیم‌کارخوب راتقدیر وتمجیدنموده وکاربدراتقبیح میکردند .بامردم‌چنان مهربانی میکردندکه‌فرمودند: خلق همه عیال خدااندودوسترین خلق بخدا آن باشدکه‌نیکی باعیال خداکند. ازبیکاری سخت تنفرداشتند و شخصاً " درکارهاشرکت می نمودند می فرمودند

می فرمودندکه خداوندکره می پنداردبنده‌ٔ رابیبیندکه‌بر خودنسبت بدیگران امتیازی قایل شده است وخودازبیکاری وبطالت به‌خداوندپناه‌برده دعامی‌نمودند که : " خدایا ! ازکسالت وبی نشاطی ،ازسستی وتنبلی‌وازعجز وزبونی بتوپناه‌میبرم" .دایم مسلمانان رابه‌کارتشویق نموده می فرمودندکه : " **کسب حلال وبدست آوردن روزی حلال عبادت است** " هرگاه‌سوارحرکت میکردکسی رانمیگذاشت که‌از عقبش پیاده براه‌بیفتد.اورایا سوارمیکردویامیفرمودکه‌جداگانه بروودجای معینی رابرای یکجیل شوی روید ه میگذاشت.روزی هم‌ازشترش پیاده شد ،اصحاب آمدندتاشترپیغمبراسلام (ص) را ببندند ،اماآن حضرت (ص) نپذیرفت وفرمودسعی کنیدکه کارخودتان رابدیگران نگذارید دریک سفرهمراهان رسول گرامی خداگوسفندی ذبح‌کردندتاپخته نموده بخورند .هرکدام‌وظیفه‌ای رادرذبح وپختن گوسفندبدوش گرفتندوآن حضرت (ص)فرمودند هیزم‌آوردن برذمه‌ٔ من است

اصحاب عرض کردندیارسول الله این کارراهم‌ماانجام‌میدهیم وشمااستراحت کنید .رسول خدا برای اصحاب مهربانی کرده گفتند: " **من هم‌میدانم‌که‌شما می توانیدولی من دوست نمیدارم‌که‌درجماعتی ممتاز بنشینم‌وخداوندهم‌این را نمی پسندد** " . نسبت به‌بردگان فوق العاده مهربان بودند ،به مسلمانها هدایت میدادندکه‌این هابرادران شمااندازهرغذاکه می‌خوریدبه‌آنها بخورانیدوهرکالائی راکه می‌پوشید به‌آنها بپوشانید .کاریکه‌ازطاقت بالاباشدبرایشان نسپاریدودرکار هاخودتان نیزیاریشان دهید . آنها رابه‌عنوان بنده‌یاکنیز خطاب نکنید ،زیراهمه مملوک خداهستیم‌ومالک حقیقی ماخداوند است .

ابوسعیدیکی ازاصحاب پیغمبر اسلام (ص)می گوید :یکی ازغلامان خودراتازیانه می زدم ،ناگهان ازپشت سرصدائی راشنیدم که میگفت ابوسعیدبدان ،من ازشدت خشم التفاتی نکردم .صدانزدیک شد دیدم‌که پیغمبراسلام (ص)است وآنگاه تازیانه راانداختم وآن حضرت (ص)برایم‌گفت :"ابوسعید بدان که‌خداونددرباره‌ٔ این غلام ازتوتواناتراست " . گفتم یا رسول الله اورادرراه‌خداآزاد کردم‌وآن حضرت فرمودند" اگر چنین نمیکردی آتش ترامی سوزاند" رفتاررسول اکرم (ص)بازنان نیز توام باحسن خلق ومعاشرت نیک بود .زنان رانزدخودمی پذیرفت وازآنها بیعت میگرفت .زنانیکه میخواستنددرغزوات سهم‌بگیرند ممانعت شان نمی کرد .فرمودند که : " **ازمانیست کسیکه‌ازجهت مال وثروت درروسعت باشدولی برهمسروفرزندان خودبیجاسخت گیری کند** " .زنان مسلمان

به او (ص) اعتماد کامل داشتند. آن ذات شریف ومبارک (ص) را چنان دوست میداشتندکه درجنگ احدزنی ازبنی دینارکه شوهر، پدر وفرزندش شهیدشده بودبه سراغ رسول خدا رفت وقتی آن حضرت (ص) را دیدچشمانش ازشوق اشک آلودشده گفت: ای رسول خدا هر مصیبتی بعدا زتوناچیزاست. در همین غزوه ام عماره دخترکعب مازینه که برای لشکرمسلمین آب می رساند، درشدیدترین حالت جنگ که صفوف مسلمانان پراگنده شد، مشک آب رابدورافگندوشمشیربرداشت تااز پیغمبربزرگوار ومحبوب اسلام (ص) دفاع کندودربرابرحملات دشمن تاآنکه مجروح گردیدوبه زمین افتادمقاومت کرد.

آن حضرت (ص) درموردحقوق زنان ومادران هدایت صریح فرموده ودررعایت آن تاکیدنموده است فرموده اندکه "برای مؤمن بعداز ترس ازخدا ازهمه چیزبهتر زن صالحه است" وهمچنان گفته اند: **" شوهری که میان دوزن خودعدل نکندروزقیامت با بدن مفلوج محشورمیگردد".**

روزی یکی ازاصحاب از آن حضرت (ص) پرسیدندکه من احسان بیشتر به که بنمایم. فرمودندکه بمادرخود واین جواب راتاسه نوبت در برابرتکرارپرسش اصحاب تکرار کردندودرنوبت چهارم گفتندکه با پدروا قربای خودنیزنیکی کنید.

سیرت پیغمبراسلام (ص) با غیر مسلمانان درمسایل فردی وشخصی نیزحسنه وملایم بود، آزار واذیت کفار را تحمل میکردوبدی را به خلق نیک وروش حسنه پاسخ میداد. هرروز ازکنار خانهء یهودی که در مسیرراهش قرارداشت عبورمیکرد ویهودی دایما طشت خاکسترگرم راپرسرش می ریخت. اما آنحضرت (ص) بدون آنکه خشمگین وغضبناک شود، سروصورتش را پاک می نمود وبه راهش ادامه میدادواین جریان هرروزتکرارمی شد. روزی ازطشت خاکسترخبری نشد. پیغمبربزرگوار اسلام (ص) با تبسم بزرگمنشانه فرمودکه امروزرفیق ما به سراغ ما نیامد. کسی گفت: که او مریض شده است وآنگاه رسول خدا به عیادتش رفت وبا صمیمیت از یهودی عیادت کرد. این اخلاق واین عظمت وبزرگواری یهودی رامنقلب ساخت، سینهء تنگ وقلب تاریکش بازوروشن شدومیل بداخلاقی وخیانت ازدلش بیرون گردید.

رسول اکرم (ص) با منافقین هم به مدارا وحسن خلق رفتارمیکردند باآنکه درنابودی وسرکوبی آنها توانائی کامل داشتند. وقتی عبدالله بن ابی رئیس منافقین که دایم علیه پیغمبرومسلمین دسیسه می نمود، فوت کرد، برسر جنازه اش حضوریافت ودرمراسم تکفین وتدفینش اشتراک کرد آنچنانکه درزندگی بااومدارا میکرد.

آن حضرت (ص) دربرابرحیوانات وپرندگان نیزترحم ومهربانی داشتند. آنطوریکه قرآن مبارک وجودمقدس وگرامی آن حضرت (ص) رحمت برعالمیان می خوانند واقعا" اومصداق این فرموده پروردگاربود.

حضرت ابوهریره ازرسول خدا روایت می کندکه آن حضرت (ص) فرمودند **" خداوندعالم دونفر مردوزن بدکاررا برای این آمرزیدکه سگ تشنه ئی را دیده وآن مردبا کفش خودازچاه آب کشیده به آن حیوان داد."** وقتی اصحاب این حدیث راازرسول خدا شنیدند گفتندکه آیا درنیکی ومهربانی باحیوانات هم پاداشی است؟ آن حضرت (ص) فرمودند **"به هردلی پریشان وبرافروخته یی رسیدگی شوداجروثواب دارد".**

حدیث دیگری راعبدالله بن عمر (رض) ازرسول خدا روایت می کنند که آن حضرت فرمودند: **" خداوند نسبت به مردم مهربان است پس شما نسبت به کسانیکه درروی زمین هستند، مهربان باشیدتاآنکه ساکنان آسمان بشما مهربانی کند".**

روزی یک شخص پرنده ای را با جوجه گانش گرفته بود. وقتی پیغمبراسلام (ص) اورا دیدبرایش گفت: آنها را روی زمین بگذار وقتی پرنده گان را با مادرش روی زمین گذاشت، مادرپرنده باآنکه آزادشده بوداز اطراف جوجه گان خوددورنرفت، آنگاه

بقیه درصفحه ۴۴

نویسنده: مولانا مودودی

مترجم: عبدالقدیر «فطرت»

اقتصاد اسلامی

نقش کار، سرمایه و مدیریت

برای فهم درست این موضوع من خوانندگان را به خواندن قوانین مضاربت و زراعت که در ابواب مختلف فقهی بیان گردیده اند، مشوره میدهم. البته شکی وجود ندارد که عناصر مانند زمین، کار، سرمایه و مدیریت (منحیث عوامل تولید) از آن اهمیتی که در علم الاقتصاد امروزی برخوردار است شاید تا آن حد در کتب فقهای متقدمین ما تجلی نیافته باشد و تا این حد از تأکید فراوان برخوردار نباشد. وطوریکه واضح است بر سر هیچ یک تا کنون کتب علیحدهٔ نوشته نشده است. ولی در هر حال، کتب فقه از آن کاملا" بی توجه نیز نبوده است. چنانچه که فهرست طویلی از این موضوعات مندرجات ابواب مختلف کتب فقه را تشکیل میدهند، اگرچند زبان آنها از اصطلاحات پیچیدهٔ امروزی متفاوت است. اگر شخصی بدون توجه به اصطلاحات پسندیدهٔ امروزی و با ذهن وارسته از قید این اصطلاح پرستی ها، ولی با برداشت (ولو محدود) از علوم اقتصادی به این مسائل رجوع کند. به آسانی درمی یابد که در این زبان سادهٔ فقهی چه افکار اقتصادی گرانبهائی نهفته است.

در این ابواب فقهی مسائلی که راجع به مضاربت و مزارعت در قید تحریر درآورده شده است، گویای روشن جهان بینی اسلامی و طرز تلقی آن در رابطه با عناصر زمین، کار، سرمایه و مدیریت میباشد.

مزارعت آنست که زمین ملکیت کسی را کسی دیگر کشت کند و در حاصل آن هردو طبق قرارداد شریک گردند، اما در مضاربت سرمایه شخصی را شخص دیگر بکار میاندازد و در فوائد و یا ربح آن هردو با نسبت های معین شریک میگردند. با سیری در این اشکال سادهٔ معاملات درمییابیم که اسلام با برسمیت شناختن حق عامل کار، سرمایه و زمین این حقیقت را بازگو میکند که زمین هم عامل تولید است و کار هم، و سرمایه هم عامل تولید است و مدیریت و سازماندهی هم، و تمام این عوامل از تولید به نحوی سهم می برند.

اسلام در مرحلهٔ اول چگونگی قرارداد در میان این عوامل و طرق توزیع منافع در میان آن را به عرف عام و رواجهای عامهٔ اجتماعی موکول مینماید تا هنگامیکه انصاف و عدل در این معاملات مفهوم خود را از دست نداده باشد، به قانون حق مداخله را نمیدهد. اما در صورتیکه انصاف و عدل جای خود را به ظلم و بیداد بدهد و بعضی از عوامل تولید نتوانند سهم خود را بطور کامل بدست بیاورند، قانون مجبور به مداخله میگردد.

مثلاً اگر شخصی زمینی دارد و آن را به شخص دیگری بشکل نیمکاری یا باصطلاح عامیانه (نصفه‌کار) میدهد، یا کسی را برای کشت زمین کرایه مینماید یا آن را به کسی به اجاره میدهد... وغیره و در عین حال شروط قراردادها و معاملات را با حق و انصاف به پایه تکمیل میرسانند. درین صورت ضرورتی بمداخله قانون باقی نمیماند. اما اگر شروط و معاملات از خط انصاف عدول نماید و شخص مذبور به قصد چپاول جانب مقابل کمر ببندد، در آن صورت قانون به سراغ آنها میرسد و برای اعاده عدل و داد شروط و ضوابطی وضع مینماید تا که هیچ یک از عوامل سهیم در مزارعت از سهم برحق خود بی بهره نمانند.

و بهمین شکل در کاروبار و معاملات سرمایه‌گذاری، تجارت وغیره نیز تا هنگامیکه ضابطه انصاف بر کرسی خود پابرجا بماند، ضرورت بمداخله قانون وجود ندارد، اما درصورتیکه عوامل تولیدی یکی بر دیگر بتازند و درصدد پایمال سازی حقوق یکدیگر برآیند. قانون مجبور بمداخله میگردد و برای بازگشت حق و انصاف، قوانین و ضوابط مستحکمی را پایه‌گذاری مینماید تا بر مبنای آن عامل سرمایه، کار و مدیریت و سازماندهی از سهم جایز خویش برخوردار گردند و کسی نتواند دست تجاوز دراز کند.

زکوة و بهبود اقتصادی

اکنون به پاسخ سوال دوم توجه فرمائید. در سوال دوم از ما پرسیده شده بود که آیا زکوة و صدقات میتوانند در راه بهبود وضع اقتصادی بمصرف برسند؟ در پاسخ باید گفت که زکوة و صدقات خود عوامل بهبود اقتصادی هستند و منظوری جز بهبود وضع اقتصادی ندارند. ولی اگر منظور درینجا بهبود و ارتقای وضع اقتصادی و برنامه‌های عمرانی در سطح مملکت باشد، مسلماً زکوة برای مقاصد خاصی تدارک دیده شده‌اند و آن اینکه فردی در اجتماع نباید از ضروریات و نیازهای اساسی زندگی مانند غذا، لباس، مسکن، دارو و دانش محروم بماند و ما بایستی بوسیله آن به مساعدت کسانی برسیم که یا اولاً قادر به کسب معاش نیستند مانند اطفال پدرمرده و یتیم، افراد معذور و کهنسال وغیره و یا بشکل عارضی بیکار و بی روزگار شده‌اند و یا به نسبت فقدان وسائل قادر به کسب و پیشه نیستند (و به اندک مساعدت میتوانند بر سر پای خود ایستاد شوند) و یا افرادیکه تجارت ایشان رو به کساد نهاده و سراسر زیان دیده‌اند و حالا محتاج مدداند. تعیین زکوة مسلماً برای رسیدگی به نیازهای فوق‌الذکر صورت گرفته و نمیتواند بهیچ صورتی در برنامه‌های عمرانی و اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد و برای نیل به رشد اقتصادی مناسب و ارتقای سطح اقتصاد کشور به سراغ منابع دیگری باید رفت.

اقتصاد وارسته از ربا

در سوال سوم از ما پرسیده شده بود که آیا میتوانیم اقتصاد عاری از بهره یا نظام اقتصادی وارسته از ربا را پایه‌گذاری کنیم؟ در پاسخ صریحاً باید گفت که آری به یقین خواهیم توانست، زیرا در قرنهای اولی نیز این نظام رائج بوده و حالا هم اگر میلی به احیای آن داشته باشیم در برپاداری آن کدام حرجی وجود ندارد. لیکن بشرط آنکه از تقلید کورکورانه دیگران باز ایستیم. طوریکه سیستم اقتصادی کنونی دنیا بر پایه سود میچرخد، قبل از ظهور اسلام نیز رژیم سود یا بهره بر اوضاع اقتصادی حاکم بود ولی دین پاک اسلام آن را تحریم کرد و معیشت انسانی را از آسیب سود رها ساخت. ابتداء این کار از مرکز حکومت اسلامی در شبه‌جزیره عربستان آغاز شد و بتدریج همراه با گسترش اسلام به اطراف و اکناف شبه‌جزیره راه پیدا کرد. تا اینکه در سراسر قلمرو حکومت اسلامی مسلمانان به تعمیر نظام اقتصادی مصفا از آلودگی سود کامیاب گردیدند. و چنانکه میدانیم این نظام تا قرنها ادامه داشت

ا کنون با دست رسی بدچنین
شوا هدی ذلیلی وجودندا ردکه نظام
ا قتصا دی دنیا گویا بدون بهره
نمیتوا ندبه سیرخودا دا مه بدهد .
درصورتیکه ما توا ن ا جتها دوقوت
ا یما نی دا شته با شیم وبا ا را د ه ٔ
متین به قلع وقمع تما م آ نچیکه
خدا وندحرا م قرا ردا ده ا ست به
حرکت آ غا ز نما ئیم .بدون شک به
نا بودی کا مل سودوا ستقرا رکا مل
نظا م عا ری ا ز بهره دست خوا هیم
یا فت .من درکتا ب " سود "خویش
درین مورد با توضیح سخن را نده
وثا بت نموده ا م که درحل ا ین مشکل
پیچیدگی عمده ٔ وجودندا رد .زیرا
نوعیت وما هیت ا ین مسأله بکلی
صا ف وروشن ا ست ونیا زچندا نی
به ا ینقدرتشویش ندا رد ،بطوریکه
سرما یه حق ندا ردکه بشکل قرضه
را هی جیبی گردد ،پس ا زمدتی
منا فع با خودبدنبا ل دا شته با شد
قطع نظرا زینکه عا مل کا رویا
سا زما ن ده ومدیرا زآ ن منا فع
بدست میآ وردیا نه ،ریشه همه
خرا بی ها درسودآ نست که شخص ویا
ا دا ره ٔ سرما یه ها ی ما زا دخودرا
به ا فرا د ،ا دا را ت ویا شرکت ها ی
صنعتی به شکل قرضه میدهدکه لازمه
آ ن مقدا رمقرربا زده ویا بهره ٔ
می با شدکه قبلا زقبل تعین میکرد،
ودا ین ا ین منفعت وسودرا بعنوان
با زده سرما یه خویش ما هوا رویا
سا لانه وصول میدا رد ،صرف نظر
ا زینکه شرکت ویا ا دا ره ٔ مذبور
ا زین قروض نفع دا شته ا ندویا
زیا ن ،یا ا ینکه تجا رت آ نها رشد
کرده ا ست ویا روبه کسا دنها ده است
معهذا دا ین ویا قرض دهنده بعدا ز
ا تما م مدت مقرره طا لب رأ س
ا لما ل یا ا صل پول خودنیزخوا هد
بود .حا لاما با یدبه ا ین رژیم
(رژیم بهره)به ستیزه برخیزیم
وآ نرا ا زریشه سرنگون سا زیم
رژیمی که هیچ ا نسا ن معقول دنیا
آ نرا نمی پسنددوریشه همه خرا بی
ها وبی عدا لتی ها محسوب میشود
وبرا ی جوا زآ ن هم کسی حا ضرنیست
به ا ستدلال بپردا زدجزآ نا نیکه
ا زآ ن بی با کی نفع می برند
برعکس رژیمی که ما خوا ها نآ ن
هستیم بجا ی ا ین پیکرپوسیده
ومتزلزل ا سا س ثا بت میریزد
وبه قرض دهندگا ن ا علان مینما ید
که ا گرآ نها میخوا هندوا قعا"قرضه
بدهند ،پس با یدرا ه درست آ ن رادر
پیش گیرندوا زقروض خودطا لب
منا فع نگردند .ولی ا گرآ نها
آ رزومندکسب منفعت هستند مجرا
ها ی وصول منفعت را جستجونما یند
وسرما یه ها ی خویش را درشرکتها ی
صنعتی ،زرا عتی ،تجا رتی
ما لدا ری خلاصه وهرآ نچه که آ نها
میل دا رندسرما یه گذا ری نما یند
ودرصورتیکه شرکت ها ی مذبور
منا فع وبا زدهی دا شته با شند ،در
آ ن با نسبت ها ئیکه درقرا ردا د
تعین شده ا ست شریک گردند (وا گر
شرکت نفعی نیا ورده ،دا ئن ویا
سرما یه گذا ر ،را س ا لما ل خویش
را با صفرمنفعت ویا با منفعت
معا دل صفربا زپس خوا هدگرفت
ودرصورتیکه شرکت نفع منفی
کما ئی کرده ا ست یعنی خساره
دیده ا ست ،درین صورت سرما یه
گذا ررا س ا لما ل خویش را پس
ا زطرح خسا ره بدست خوا هدآ ورد
ا ین ا سا س ا نصا ف ا ست ورا ه گشا ی
یک ا قتصا د بها رونق ومترقی .

با ا ین تفصیل موقع آ ن رسیده
ا ست که ا زملا سودخوا روحا میا ن
مکتب ربا خوا ری بپرسیم که پس
چه پیچیدگی ودشوا ری درزدود ن
مهره ها ی ا قتصا دربوی وا عما ر
یک ا قتصا دعا ری ا زبهره وجود
دا ردکه آ نها دا دا زعوا قب وخیم آ ن
میزنند ؟

ا صولا"هیچ مشکلی درتبدیل ا ین
دونظا م وجودندا رد .همین سرما یه
ا یکه ا مروزه بربنیا دسود دا ده
میشودبا یدبرا صل شرکت ویا
مضا ربت دا ده شود .تنها مشکلی که
وجوددا ردمشکلی درونی ما ا ست
مشکل بی ا را دگی وعدم ا عتما د
به خود ،مشکل تقلیدکورکورا نه
وا حسا س حقا رت دربرا برا فکا ر
دیگرا ن ومشکل فرا را زا جتها د
وعدم تمسک به مکتب ا قتصا دی خود
ا مروزه عده ٔ برروحا نی ها ومولوی
ها ی بیچا ره ا تها م میزنندکه آ نها
دیوا نه وا ربه تقلیدپردا خته وا ز
ا جتها دفرا رمینما یند ،درحا لیکه
حا ل همگی ما چنین ا ست وا ین
بیما ری به سرا سرا جتما ع ما ریشه
دوا نیده ا ست وهمه رطب ویا بس
را فرا گرفته ا ست ویکی دوطبقه
به تنها ئی ملامت نیست .ا گربا
ا ین بیما ریها ی ذهنی ا زقبل

مبارزه میشد و سروکار ما به اجتهاد می بود ـ سرنوشت ما به اینجا نمی کشید و جرثومه سود تا این حد در رگ و خون و عروق اقتصاد ما ریشه نمی دوانید.

روابط نظامهای سیاسی اقتصادی و اخلاقی با یکدگر

پرسش آخری این بود که آیا رابطهء میتواند میان سیستم اخلاقی، سیاسی و اقتصادی اسلام وجود داشته باشد؟ و اگر دارد چه نوع رابطه می تواند باشد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که رابطه میان این سیستمها روابط مستحکمی است که گسست و تجزیه نمی پذیرد رابطه ریشه با تنه، و از تنه با شاخها و از شاخها با برگ ها. همهء این نظامها در اصل یکی است و مبداء آن از ایمان بتوحید خداوند و رسالت پیغمبران او سرچشمه میگیرد و بهر سو شاخ و پنجه می دواند چنانکه سیستم اخلاقی نیز از همین مبداء شکل میگیرد، و نظام عبادات که گاهی آنرا نظام مذهبی نیز میخوانند هم، نظام سیاسی اسلام هم بهمین اصل بر میگردد و نظام اقتصادی و یا معاشی آن نیز. این نظامها همه لازم و ملزوم یک دیگرند و همه با هم یک پیکر واحد را تشکیل میدهند.

اگر فردی بخدا و پیامبر آن ایمان دارد و قرآن را بحیث کتاب منزل خداوندی پذیرد، لامحال پابند اصول اخلاقی خواهد گشت که اسلام آن را تجویز نموده است و همان اصول و ضوابط سیاسی را برنامه عمل خود قرار خواهد داد که اسلام آن را دستورالعمل نظام سیاسی خود قرار داده است، و بهمان قوانین و روش های اقتصادی دست خواهد زد که اسلام آن را رهنمای تولید و مصرف و توزیع قرار داده است نه چیزی غیر از اینها.

مع هذا مقتضای یک نظام توحیدی ایجاب میکند که فرد بر مبنای عقیده ای که نماز میخواند و بعبادت خداوند می پردازد، بر مبنای همان اعتقاد بکار تجارت نیز بپردازد و دینی را که بر اساس قوانین و ضوابط آن به روزه و حج اقدام می ورزد، بر اساس ضابطه های همان دین در محاکم و دادگاه ها عمل کند و بر پایه همین ضوابط به داد و ستد در بازارها و فروشگاه ها نیز بپردازد. و چنانکه قبلاً" هم اشاره کردیم در اسلام نظام سیاسی اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی از هم جدا نبوده و همه اجزاء یک کل اند که بستگی یکی بر دگری ناگزیر و ارتباط باهمی آن ها اجتناب ناپذیر است. این پیوستگی روح این نظام است که بدون آن وجود و ماهیت خود را از دست میدهد، ولی در سایهء این تشکل همه اجزای آن قوت و نیرو می گیرد و بدرجهء کمال میرسد. جالب توجه اینجاست که دگر اعتقاد به توحید، رسالت و آخرت وجود نداشته باشد، نظام اخلاقی اسلام با این همه زیبائی اش هرگز نمیتواند واقعیت پیدا کند و بالنوبه اگر نظام اخلاقی متکی بر عقیده توحیدی وجود نداشته باشد، برنامه های اقتصادی اسلام با آنهمه نازکی ها و ریزه کاری هایش (که سراسر با اصول اخلاقی متکی است) هرگز نمیتواند صورت واقع بخود بگیرد.

وبهمین گونه نظام سیاسی اسلام را هم نمیتوان بدون اعتقاد بخداوند، رسالت و قیامت پایه گذاری نمود. زیرا نظام سیاسی که اسلام تجویز می کند، فقط بر بنیاد این اعتقاد استوار است که خداوند حاکم اعلی و قانونگذار اصلی و پیامبر (ص) نماینده او و قرآن فرمان و یا قانون واجب الاطاعت آن میباشد و ما آخر الامر در پیشگاه عدالت خداوند جواب ده اعمال خود خواهیم بود.

کسانیکه گمان برده اند که در اسلام ارتباطی میان نظام سیاسی و اقتصادی و نظام اخلاقی و اجتماعی آن وجود ندارد، اساساً" در اشتباه غلیظی فرورفته اند. کسانیکه کمترین اطلاعی از اسلام داشته و شعوری اسلام را پذیرفته باشند حتی تصور چنین حرف مضحکی را کرده نمیتوانند. زیرا ممکن نیست کسی مؤمن به اساسات اسلام گردد (البته ایمان بمعنی واقعی کلمه) وسپس بگوید که سیاست و یا معیشت (اقتصاد) مجزا از مذهب و اخلاق است و یا اینکه در سیاست اقتصاد، قانون و غیره بایستی پیروی از نظامهای دیگر دنیا را نموده و فقط در امور مذهبی و تعبدی پای بند به اسلام باقی مانند و همین مفهوم دین و عنوان مذهب خواهد بود و بس.

شوراو ...

داشت و وسیلهٔ آنها در طوالی سده‌ها از زندگی سالم، باامن وبرادرانه برخوردار بودند.

یعنی این پسران آریانا از همان آوان که هنوز بنیاد شهرستان بزرگ مانند بلخ‌ها می تخارکهن، غزنه باشکوه، کاپیسای باستانی وغیره را درهموار یی ها وتاب وخم اینسووآنسوی هندکوه نگذاشته بودند با وسایل بسیط زندگی درزمستان درتگاب ها ودرتابستان درییلاق زمین غژدی وسراپرده میزدند، حقوق شکارگاهها مراتع ویورت های شان توسط دساتیرومقررات همین جرگه‌ها وشوراها اداره میشدو درامور زندگی همواره جرگه‌ها را مراجع دادخواهی وحلال مشکلات خود میدانستندوهرقدرهم کاروان روزگار به‌طرف تمدن پیش رفتند ودامن زندگی شان گسترش یافت، دامن جرگه‌ها وشوراهای قومی را ازدست ندادندواین میراث گرانقدرازآن فرصت که درمغاره‌های جبال بسرمی بردند تااینکه درکاخهای باشکوه شهرستان تکیه‌زدند، تکیه‌گاه زندگی شان دانستند، علی‌الخصوص که باپذیرش آورده‌های اسلام باارشاد «وشاورهم فی الامر» روبرو شدندومضمون وهدف این امر آسمانی را باروحیه جرگه‌های عنعنی شان سازگاریافتند، این شیوه سالمند بحیث چکیدهٔ قرنها ارزشمندترشد.

چنانچه دورنرویم درهمین یکنیم سدهٔ اخیردربرابرهجوم مکرر انگلیس‌ها فیصله‌های همین شوراها وجرگه‌ها بودکه مردم سلحشور وباایمان ما را به‌مبارزات علیه دشمن رهبری کردکه‌طبق دستور آنها قیام کردندولکه‌های استعمار را ازدامن این خاک شستند.

بناءً اکنونکه ملت غیور وباشهامت ما درپای یک جهاد مقدس ومبارزه‌های پیگیروکفرشکن، یک ابرقدرت زمانرا بزانو درآورده است مشاهده‌کردندکه‌در طی مدت ده‌سال زدوبندها، بسا بی‌سامانی ها وشکست وریخت ها درکشورشان سایه‌افکنده است برای اینکه‌بیک سرنوشت سازی وبازسازی عاقلانه‌دست زده‌باشند جراحت های زندگی مردم‌را مرهم گذاری کرده‌باشندوشگاف هائی که‌ازاثرتهاجم ویرانگران در پیکروطن شان ایجادشده‌است پرکاری کرده‌باشندبروفق روش وعادات باستانی درفکر سروسامان بخشیدن یک شورای بزرگ افتادندوکارمندان مراکز جهادی وطن دراین امرپیشاهنگ شده‌عدهٔ ازاشخاص باتجربه وجوانان بادرایت را بعضویت این جرگه‌سرنوشت سازتعیین نمودندتاایشان گردهم‌بنشینند ومطابق دست‌آوردهای دین واصول کهن جرگه‌های ملی پیرامون زندگی آینده‌افغانستان عزیزغورکنندوبااندیشه‌های تابناک وپالوده به‌فیصله‌دست بزنندکه‌این کشوربخون ترراازگرداب مصائب نجات دهند.

زیرااین دسته‌مردم‌فکور ونخبه‌درحقیقت نمایندگان مردم‌رنج کشیده، نمایندگان سنگرداران سربکف، نمایندگان یکنیم‌ملیون شهدای گلگون کفن نمایندگان پنجاه‌هزارجوانان مین زده‌ومعیوب، نمایندگان عدهٔ کثیری ازوطنداران فحتنق ومستضعف ونمایندگان چندملیون مردم‌آواره‌وهجران دیده‌وطن شان میباشند.

وروشن است که‌درین مرحله حساس درپشت دراین جرگه‌بزرگ چشمهای امیدهمه‌این گروه‌ها نگران اند، نگران اندکه‌ازین حلقه‌بزرگ که‌ریشه‌های دینی وباستانی داردچه‌نتیجه‌بدست می آید.

بناءً امیدواریم‌که‌دانشمند عالی نظروجوانان بادردیکه شامل این حلقه‌اندبااحساسات گرم، سینه‌های فراخ، قلوب مملو ازمحبت وضمائرشسته‌باهم بنشینندومانندفرزندان واعضای یک فامیل پیرامون سعادت وبازسازی کشورگرامی شان حرف زنندوفیصله‌معقول ومشروعی را بعمل آورندکه‌خواسته‌همه هموطنان باشدودربیاض جهاد مقدس کشورشان باخط درشت ثبت گردد. ومن الله‌التوفیق.

م: حنیف

الحاج لنګهال

تاریخ تکراریږی؟

(۵)

روسی عامولس په تیره د منځنۍ آسیا استوګنی نشی کولی لدی حقیقت څخه سترګی پټی کړی چی ددوی په پولوکی یو خونړی جنګ روان دی .

روس د منځنۍ آسیا اوسیدونکو ته له ځلویښتو کلونو زیاته موده کی د یوه ځواکمن او نه ماتیدونکی پوځ په توګه د خپل پوځی قوت تبلیغ کړی وه . خو اوس هماغه ځواکمن او نه ماتیدونکی پوځ ونه شو کولی د تش لاسو افغانانو سره وجنګیږی .

روسی مبصرین کله چی د هغو اسلامی سازمانونو یادونه کوی چی د روسیی ثبات له خطر سره مخامخ کوی افغان مجاهدینو ته په لومړی کتار کی ځای ورکوی او جمعیت اسلامی او حزب اسلامی دواړه په یوه لیکه کی ګنی .

روسی مطبوعاتو د ۱۹۸۴ میلادی کال د جون په میاشت د قرغز په ښارکی چی د افغانستان بریدنته نږدی پروت دی هلته د هغو خپرونو پرویش خبرونه او تبصری خپری کړی چی د افغان مجاهدینو له خوا چاپ او ویشل کیږی .

مسکو مجبور شو چی د اسلام په اړه دوه اړخیز سیاست ته مخه کړی پدی معنا چی له روسی نه د باندی د اسلام د پلوی خبری وکړی او په د ننه کی په ډیره سختی او وحشت سره له اسلام او مسلمانانو سره مقابله وکړی .

په ۱۹۸۲ میلادی کال کی د قفقاز د کمونیست ګوند یوه لوړ رتبه غړی یوه بهرنی ژورنالست ته ویلی وه چی د افغانانو د مقاومت غورځنګ زموږ له پاره د امید یو ځلک دی .

وګوری د افغانانو د مقاومت غورځنګ نه یواځی د منځنۍ آسیا مسلمانانو کی او نه د روسی په عام ولس کی بلکی د کمونیست ګوند د ننه هم د آزادی غوښتنی د یوه پیاوړی تحریک په توګه ویده اوکرحت جذبات راولړزول او د وینتا به روځ یی پکی وچلولو اوس د غه شعار د منځنۍ آسیا په خپرونوکی هرځای تر سترګو کیږی چی لیکلی یی دی " روسیه هغه دستګاه ده چی یواځی یوه لارلری د بیرته تګ امکان له سره شته نه د آزادی خوب مه وینی او هڅه مه کوی له افغانانو نه تقلید وکړی ".

دا پخپله د روسی واکمنو د هغه مرګونی ویری څرګندونه کوی چی په روسیه کی یی د افغانانو د مقاومت د غورځنګ له پخوا غیزو څخه لری .

د غه غورځنګ د منځنۍ آسیا اوسیدونکی بیدار کړل چی هغوی له اسلام او د اسلام له ۸۰ ملیونی

ا مت سره‌ترلي دي نه‌له‌روسي
ا مپرا توری سره ا وهغوی ته‌يی
وشوده چی دروسيی کمونيست گوند
نه‌ما تيدونکی ندی کوم‌چی دوی‌يی
فکرکا وه .

فرا نسوی پروفيسرډا کترا لکذا ندر
بنکش ليکی دا فغا نستا ن جها د
يودا سی نړيوا ل آ زا دی ښونکی
غورځنګ رهبری کړچی په‌يقين
سره‌ويلای شو ددغه‌غورځنګ له‌لاری
به‌په ۲۰۰۰ ميلادی کا ل کی چه ۱۲
کلونه‌ورته‌پا ته‌دی دروسيی له
۲۰۰ مليونی نفوس څخه ۷۵ مليونه
وکړی مسلما ن وی ا وهلته‌به‌ا سلام
ديوه سترقوت په‌بنه‌خپل
موجوديت ثا بت کا ندی.

يوروسی پوځی ديما يوا لوف چی
مجا هدينونيولی وا يی :مورته
کمونستو ښوونکودرس را کا وه‌چی
که‌په‌ا فغا نستا ن کی ا نقلاب ناکا م
شی نوتوله روسيه‌ا ودهغی
موجوديت په‌خطرکی دی ،نومونږ ی
وا يی مونږپخپلوسترګوولیدل چی
مونږله‌يوه‌پوځ سره‌نه‌بلکی له‌يوه
ولس ا وملت سره‌په‌جګړه‌بوخت يو
ما چی ددغه ولس بی سيا له
مقا ومت وليد نودی نتيجې ته
ورسيدم چی روسی پوځونه‌نا کا م
دی.

په‌روسيه‌کی په‌ا فغا نستا ن کی
دوژل شويو عسکروله‌پا ره‌ځا نګړ ی
هديری جوړی شوی چی دورونوپه
هديروسره‌يا ديږی .ددغوهدير و
ځا نګړنه‌دروسيی په‌تا ريخ‌کی له
بی سا بقی پيښوڅخه‌ګڼل کيږی چی
دروسيی په‌زيا تروبرخوکی ليدل
کيږی.

ميخا يل وستوفسکی دآ لما ن
دنيوزويک مجلی سره‌په‌مرکه‌کی
ويلی دی :روسيه‌نشی کولی
مجا هدينوته‌ما ته‌ورکړی .
کوم‌پنځه‌مليونه‌مها جرچی له
هيوا د څخه‌دبا ندی ا وسيږی هلته
يونوی ا وا نقلابی توکم درشد
ا وودی په‌حا ل کی دی ،دا يو
آ بديده‌ا ودسختيو ا وروس دښمنيو
په‌کوره‌پوخ شوی نسل دی .
دوی وويل ا فغا نا نودخپلی آ زادی
په‌لارکی ډيره‌زيا ته‌بيه‌ا دا ء کړی
ا وپه‌رښتيا سره‌يی په‌ګرده‌نړی کی
ديوه‌نوی خوځښت لاره‌په‌نښه‌کړيده

پروخا نوف روسی مبصرپخپله‌يوه
مقا له کی چی دروس په‌ا دبی مجله
کی خپره‌شوی په‌ا فغا نستا ن
دروسا نوتيری يوه‌ستره‌سهوه
ا وغلطی ګڼلی .نومونږی مبصر
بريژنف ا ودهغه‌ا حمق مشا وربن
ددغه‌نا وړه‌پيښی مسوء ول ګڼلی.
ده پرا فغا نستا ن دروسا نوتيری
نا شميرلی ا وديوډول حما قت
نتيجه‌بللی ده.

يوه‌روسی پروفيسر" يا چوشی
دا شيوف " د" ليوا ترا نيو
يا نا کا ديما نا " په‌خپرونه‌کی په
خپله‌خپره‌کړی مقا له‌کی ليکلی
چی : " د ۱۹۷۰ په‌وروستی
ا ود ۱۹۸۰ په‌لومړی ليره‌کی دشرق
اوغرب ترمنځ دروا بطو دخړپړتيا
ا وتشبج ا ودا فغا نستا نجنګ ا ا و د
هغی نا مطلوب عوا قب دپريژنف
دتيروتنو ،غلطيوا وبی کفا يتيو
نتيجه‌ده .

نومونږی پروفيسردبريژنف پا ليسی
دروسيی له‌پا ره‌فا جعه‌زيږوونکی
ګڼلی دغه‌پروفيسر په‌ا فغا نستا ن
دشوروی تيری دبريژنف دنا وړه
سيا ست يوه‌ديره‌دردوونکی
ترا ژيډی ګڼی دی زيا توی چی
ددغه‌ترا ژيډی له‌مسوء وليت څخه
دروسا نوا وړی پدی همنشی
سپکيدی چی له‌ا فغا نستا ن څخه
خپل پوځونه‌وبا سی.

دمسکودتلويزيون رسمی مبصر
" ا لکزا ندربوين په‌تلويزيون
په‌پرده‌په‌يوه‌تبصره‌کی په
ا فغا نستا ن کی دجنګ په‌ا ړه‌نيغ
په‌نيغه‌پرنجيب خوله‌را خلاصه‌کړه
ويی ويل : دکا بل رژيم‌په‌خپل
مينځ‌کی‌ددښمنی ،مخا لفتونوا ووينو
تويولو په‌يوه‌نه‌ختميدونکی
ا خ ا وډب ا خته‌دی له‌دی ا مله‌دغه
رژيم‌ورځ په‌ورځ دکمزوری خوا ته
روا ن دی ،مبصردا هم‌وويل دملی
روغی پروسه‌له‌سختوستونزومخا مخ
ده‌ا وجنګ له‌پخوا زيا ت شدت
ا وپرا ختيا پيدا کړيده .

نيويا رک ټا يمزپه‌يوه‌خپره‌کړی
مقا له‌کی ليکی :روسيی
دکمونيست ګوندهه‌پټوا سنا دوکی
پدی خبره‌ا عترا ف شويدی چی پر
ا فغا نستا ن پوځی يرغل يوه‌ستره
غلطی وه .پدغوا سنا دوکی دروسيی
دکمونيست ګوندمشرتا به‌دا منلی
ده‌چی دکوموا ټکلونوله‌مخی پر
ا فغا نستا ن يرغل شوی وء هغه‌په

بشپړه‌توګه‌غلط ثا بت شول.
دروسیی یوی پوځی ورځپا نـهی
" سره‌ستوری " په‌ا فغا نستان
کی دروسی عسکرودوا لدینو
یولړلیکونه خپا ره‌کړیدی هغو ی
لیکلی دی چی په‌ا فغا نستا ن کی
یی دزا منومړینی دوی لیوښیا ن
کـړیدی .

یوی مورلیکلی چی زه‌په‌ا فغا ـ
نستا ن کی دخپل زوی دمرګ خبر
نا ځا په‌سپین سری کـړم‌زه‌ا وس
یوا ځی جسما" ژوندی یم‌هغه‌هم
ددردا وغم‌له‌پا ره .

یوپلارلیکی: آ خرموړولی دغه
جا هلانه جګړی ته‌ا دا مه‌ورکړو
په‌ا فغا نستا ن کی دروسی پوځونو
پا تی کیدل له‌عقل نه‌ړیره‌لیر ی
خبره‌ده هلته‌زموړله‌پا ره‌دبری
هیڅ ا میدنه‌لیدل کیږی.

ا لکسا ندربووبین دروسیی رسمی
مبصردا زویستیا په‌ورځپا نه‌کی په
خپله مقا له‌کی لیکی : په
ا فغا نستا ن کی دروسا نوتیری
ا وپه‌ختیځه‌ا روپا کی دا یس ا یس
۲۰ منځنی وا ټن ویشتونکو زروی
را کټونولګول .دنوی روسیی په
تا ریخ کی یوه‌ړیره‌ستره‌غلطی
ا وا شتبا ده .

نوموړی لیکی روسا نوپه‌ا فغا نستا ن
کی دجنګ ړیره‌ستره‌بیه‌چی هغه
وینه‌ده‌وړکری ده هغه‌زیا ته
کړیده‌روسا ن ځکه‌لړی لاری له
مصیبتونوسره‌مخا مخ‌شول چی په
نوروسیموپه‌تیره‌په‌ختیځه‌ا روپا
کی یی دخپلوپوځونوپروړا ندی
مقا ومت ړیرکمزورلیدلی

ا وګڼلی وه.
هوا‌درروا ن میلادی‌کال دجون دمیا شتی
په ۱۵ نیټه له‌ا فغا نستا ن ځخه
دروسی پوځونووتل پیل شول
ددوی دعسکرویوه ۱۳۰۰ کسیزه
ډله‌په‌تیت‌سرا وما ت زړه له
ا فغا نستا ن ځخه‌ووتله هما غه
دا نګریزی ما تی خورلی پوځ
پرپلهٔ‌دومره‌توپیرچی ا نګریز ی
پوځ دمحمودخا ن پرپله‌ووا ښت
ا ودننګرها رله‌لاری ستا نه‌شول
خوروسی پوځونوله‌ننګرها رڅخه
پرمحمودخا ن پله‌را تیرشول
ا ودخیرخا نی له‌لاری روسیی ته
ما ت‌شول .

دوا ړه ښکیلاکی پوځونه‌په‌همدغه
محمودخا ن پله‌وا وښتل را وا ښتل
بل هما غه‌محمودخا ن پلوٴ خودومره
چی سمتونه‌مخا لف وٴ .ا وپدی دول
یی شرمیدلی ما تی ا ورسوا یی
هما غه‌یوه‌لاری ونیوله .

دنړی ۱۵۰ تنه‌ژورنا لستا ن په
کا بل کی ددغه په‌ا صطلاح‌نه
ما تیدونکی ځوا ک دشرمیدلی‌ما تی
ا ورسوا په‌شا تګ ننداری ته‌ولاړوون
ا ودغه‌وړ لکه‌څنګه‌چی پرا فغا نستا
دروسی پوځونوپرغل یونړیوا ل
مهم‌رویدا دګڼل شوی وٴ دهمغو
پوځونودوتنی ا وسرمیدلی ما تی
پیښه‌هم‌یوه‌نړیوا له‌مهمه‌پیښه
وګرځیده .

روسا نوپدی ا ړه‌په‌خپله‌رسمی
ا علامیه‌کی ددغه ا ندیښنی ثرګند
ولوته‌هما شا ره‌کړی چی پر
ا فغا نستا ن دروسی پوځونوپرغل
یوه‌ستره‌ا شتبا ه‌وه .

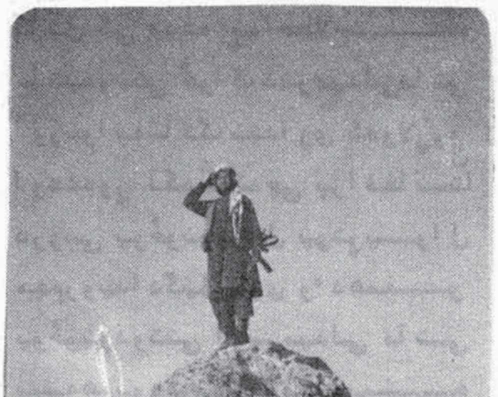
روسا ن ددغه‌تیری ا ودهغی خطرناک
عوا قب هغه‌له‌زهرودک ګیلاس ګنهی
چی دبریژنف‌دوا کمنی پروخت
دخپلوا سلافو له‌پا ره‌ا یښودلشویوٴ
دروسی یرغلګروپوځونودلومړنی
۱۳۰۰ کسیزی دلی‌دوتلوپردوهمه
ورځ دروس دبهرنیوچا روا ودفا ع
وزا رت یولوړرتبه‌رسمی ویا ند
ګینا یی ګرا سیموچی دا طلاعا تو
مشری هم په‌غا ړه‌لری وویل:روس
به‌دا فغا نستا ن په‌ځیرنوردهیڅ
هیوا دپه‌کورنیوچا روکی لاسو
هنه‌ونکړی ا وپه‌هیڅ توګه‌به‌دا
دول خطرنا که‌غلطی تکرا رنکړی
ددا سی بیوپل دپورته‌کولولپا ره
به‌یوځل نه‌دوه‌ځله‌ا وځوځوځله
فکرا وتعمق کوی .

نوموړی ویلی دی زما په‌فکر
دهیرولوندو‌چی بیا دا سی یوه
خطرنا که‌فا جعه‌تکرا رکړی شی.

ډیلی تلګرا ف ورځپا نی دیوه
روسی متخصص (نوا دا ری پیما نیا)
چی دروس دعلوموا کاډیمی
دختځودمطا لعا توپه‌ځا نګه‌کی کا
کوی لیکلی دی چی‌دا فغا نستا ن
تا ریخ ا وتولنه‌پیچلی خصوصیا ت
لری چی په‌سمه‌توګه‌نه وا رزیابی
شوی . روس متخصصینو
دا فغا نستا ن دتولنی ا جتما عی
ا ومذهبی جوړښت ا وهغه‌طرزفکر
چی ا فغا نا ن یی ددین په‌ا ړه‌لری
نه‌ودرک کړی ځکه‌خوددغومتخصصینو
هلی ځلی ا وپلانونه‌له‌ما تی سره
مخا مخ شول په‌ا فغا نا نو
دما رکسیزم‌منل ډیرکړا وجن
ا ونا شونی کا ردی .

دروسي پوځونوله‌وتنې سره‌پــــه
روسيه‌کې گنوحلقوا ودلودا غوستنه
وکړه‌چې هغه‌جنرا لان چـــــي پـر
ا فغا نستا ن يي دتيري‌مشـــــوره
ورکړي وه‌محا کمه‌کړي شي دغـــه
جنرا لان دهغوزرگونوروسي پوځيانو
دوژل کيدو په‌تورمحا کمه‌کيـــزي
چي دا فغا نستا ن په‌جگړوکـــي وژل
شـويدی .
پدي ا ړه‌دپوځ د ننه‌هم‌يوی ډلـی
لوړرتبه‌پوځي ا فسرا نوپه‌څرکندو
تکوکی ا عترا ض‌کړی ا ودهغـــــلو
جنرا لانوا وپوځي متخصصينـــــــو
دمحا کمی غوستنه‌يی کړی چـــــی
پرا فغا نستا ن يي دتيري مشــوره
ا وطرحه‌ورا ندی کړی ده .
دنريوا لوآ ژا نسونوله‌خبرونـــــو
څخه‌په‌ډا که‌شويده‌چي په‌روسيه‌کـــی
به‌پرا فغا نستا ن دتيـــــــري پـر
مسوء ولـينوبا ندی مقدمه‌وچلولشی
ا وسختـه‌جزا به‌ورکړه‌شي .دوی بـــه
دهغوزرگونوروسي پوځيانودمرگ
ژوبلی ا ودروسيي سيا ســـــــــت
ا وا قتصا د ته‌په‌نړيوا .ه‌سويــــــ
دگوا ښ ا وزيا ن رسولږپه‌تــــــــور
محا کمه‌شي (٣٥) .
دروا ن ميلادی کا ل دجون پــر ٣٠
نيته‌دروسيي دکمونيست گوندپـــه
کلنـي عا لی‌غونده‌کی دگوربچـو ف
په‌يوځل بيا ددی خبری څرگندونه
وکړه‌چي په‌ا فغا نستا ن دروس پوځونو
تيري يوه‌ډيره‌سترا شتبا ه‌ا وغلطي
وه ده‌ددغه ا شتبا ه‌ا وغلطـــــــــی
مسوء ول ا ومرتکب بريژنيف وباله
ويی وويل : دبريژنيف ١٧ کلنی

زما مدا ری روسيه‌په سيا سی،نظامی
ا قتصا دی ا وا جتما عی لحظا له‌يوه
سخت بحرا ن سره‌مخا مخ کړی .
ده‌نه‌يوا ځي پرا فغا نستا ن تير ی
غلطی ا وا شتبا ه‌وگڼله‌بلکی پــر-
چکوسلوا کيـــــا ئـــــی هم‌دروسی
پـــــوځ تيري دا ډول يوه‌غلطـــی
وگڼله‌چی ددغوتولومسوء وليـــــت
دبريژنيف په‌غا ړه‌وا چا وه .
تردی چی دغونډی دبرخوا لوله‌خوا
په‌کلکه‌سره‌وغوښتل چی گروميکــو
چی دبريژنيف نژدی ملگری دی د
دغوجرمونوله‌مخی له‌وظيفی با يد
سملاسی گوښه‌کړی نشي.
ا وا وس روسا ن پدی لټه‌کی دي‌چـی
دمجا هدينوله‌خوا ژوندی نيـــــول
شوي پوځيا ن را خلاص‌کړی شــــی .
پدی ا ړه‌دروسا نودکوښښونوله‌لاری
يوه‌نړيوا له‌کميته‌جوړه‌شوی چـــی
دا مريکا ،ا روپا ا وروسيي پـــــــر
نما يندگا نوسربيره‌ژورنا لستـــان



ا ولـيکوا ل هم‌پکی گدون لری .
دکميتی غړوپه‌نيويا رک کی‌ديـــوه
مطبوعا تی کنفرا نس په‌ترڅ کـــی
دخپل ما موريت په‌با ب دمعلوماتو
ورکولوپه‌لړ وويلی دی دوه‌دروســی
پوځيا نودخوشي کيدوله‌پا ره‌لـــــه
مجا هدينو ،ملگروملتوا وپا کستا ن
سره‌خبری کوی .
همدا رنگه‌دروسيي دښځوسا زمـــان
دپا کستا ن له‌جمهوررئيس جنـــرا ل
محمدضيا ء ا لحق څخه غوښتنه‌کـــړی
چی دمجا هدينوله‌خوا دنيول شويو
روسي پوځيا نوپه‌خوشی کيدنه‌کـــی
مرسته‌وکړی ا ودسلگونودرديدلـــو
ا وکړيدلوروسي مينــدوپه‌دحــــــا ل
ورحميږی .
فرنگيا نوهم‌له‌شکست وروسته‌خپـــل
تيری غلطی وبللـه‌ا وپه‌خپلـــــــــه
ا شتبا ه‌يی ا عترا ف وکړا وا فغا نی
جا معه‌يی ديولړ پيڅلوخصوصيا تو
له‌مخی چی دوی ښه‌نه‌وء چن کـــړی
ځا نگړی جا معه‌وبللـه‌ا ودگرجنرا ل
موسولوت وويل : ا فغا نی جا معه
ډير مغلق ا وپيچلی خصوصيا ت لری
چی له‌نوروسيموسره‌هدودپرتلـــــی
ندی پدی دول ،ا نگريزا نوپه‌سمه
توگه‌دغه‌خصوصيا ت نه‌ووا رزيا بـــی
کړی ځکه‌له‌ما تی ،تلفا تـــــو ا و
ا شتبا ها توسره‌مخا مخ شــــــــــول
روسا نوهم‌همدغه‌خبره‌وکړه . . .
وويل ا فغا نی تولنه‌پيچلــــــــــــی
خصوصيا ت لری چی په‌سمــــــــه ا و
دقيقه‌توگه‌ونه‌مطا لعه‌شوی ا ولـــــه
همدی ا مله‌کرملين دسختوستونزو
ا وربړو سره‌مخا مخ شو .

هغه وخت افغانانو تورښکیلاک ته ماته ورکړه او نن سره استعمار ته پرون هغه ښکیلاک ته چی دامپراتوری په قلمرو کی یی لمر نه دوبیده او نن هغه استعمار نه چی په نه ماتیدونکی ځواک منل شوی و انگریز هم د افغانستان په بی دعبرت نه هیریدونکی درس وگاندا وخپل ستری غلطی او س هم د افغانستان حالات یوه بویږ نوونکی تراژیدی او عبرت لوست وباله او خپل تیری اشتباه .

هغه وخت افغانانو دانگریزی ښکیلاک دزوال پیلامه انځور کړ

او نن یی دروسی استعمار دزوال لار پرانستله .

پدی دول ددغه دوا روتیرو دپیل او پای تکی دسلو یو نیم سل کلو زمانی وا تن سره سره یو له بله سره ترلی ښکاری ددوی دوحشیانه تیری آغاز ودشرمیدلی ماتی انجام سره نښتی او یو ه لاریی نیولی او گد سرنوشت یی خپل کړیدی .

دفرنگی ښکیلاک پرضد دافغان ولس پاڅیدنه او مقاومت په تول هندوستان او دبریتانیی په گردو مستعمرو کی د آزادی غوښتنی احساسات وپارول او ولسونو ته یی د آزادی گټنی عملی درس مخی ته کیښود او دمقاومت لاری ورته په نخښه کړه چی له هغی وروسته یو په بل پسی مستعمرو خپله آزادی ترلاسه کړه .

په هندوستان د آزادی غوښتنی دجذباتو پا ریدنه او دمبا رزی

پیلامه او دانگریزانو په مقابل کی د آزادی غوښتونکو دخوځښت توپانی کیدل هغوی دافغانستان مقاومت گټنی لکه چی پخپله ... وایی .

همدارنگه په منځنی آسیا او حتی پولیند او نورو سیمو کی دکمونیستی استعمار پرضد دولسونو د آزادی غوښتنی داحساساتو پاریدنه او دمحلی قیامونو ،مظاهرو او خوځښتونو په لاراچول دروسی استعمار پرضد دافغان مجاهدولس

دبی سیاله مقاومت او بریالی قیام اغیزه ده چی هغوی یی بیدار کړل ولی وپوهول چی نه روس نه ماتیدونکی قدرت ندی بلکی دمقاومت او مبارزی له لاری همدغه په اصطلاح نه ماتیدونکی ځواک ماتیدی شی او ولسونه خپله آزادی ترلاسه کولی شی .

نور بیا





روس های جنایتکر با همه سازوبرگ پیشرفته نظامی وبا اینهمه تانک های غولپیکر ،سرانجام در برابر سلاح عقیده وایمان شکست خوردند و با رسوائی فرار کردند .

اهداء بروان پاک شهدای انقلاب اسلامی مان که با ایثار خونهای گرم ومطهرشان نخل انقلاب را تناوروبارورساختندوبه مجاهدان ارجمندمان که با عزم راسخ دستاوردهای انقلاب را ازدستبرددرهزنان حراست میکنند .

جلال" فرهیخته"

سطوت مجاهد

ای نهاده چون (خلیل)اندره حق جان وتن
وی شکسته پیکر طاغوت والحادزمن

حربه‌ٔ ناوردوپیکار تو (ایمان)چون (حسین"رض")
ضربه‌ٔ کوپال توچون مرگ بهر اهرمن

عزم استوار تومحکم درمعارک همچو (روی)
رزم وایثار توای پیکارگردشمن شکن

مولتت چونان غریو (تندر)فصل بهار
سطوتت چونان شکوه شیربیشه در. دمن

ازهجومت آب گرددخصم را (زهره) بررزم
آه وهمچون دخان با (زهره)گرددمقترن

هیبتت وردزبان پیروبرنا درجهان
غیرتت دررزم شددرمشق ترسا و شمن

وصف میدان ترا نتوان نمودن با (زبان)
شان والای ترا نتوان ستودن درسخن

مرحبا ای مظهرفخرومباهات بشر
خرما ای رزمجو،ای حارس دین ووطن

ازتوپوزکبرستکبارخورده بررزمین
وزتوروزعیش استعمار شدشام شجن

بی بدیلی درفداکاری به‌گاه آزمون
بی مثیلی درشهادت چون ذبیح ممتحن

ازجهاد بی امانت مشت دشمن گشت باز
وز شکوهت شد زبان خصم لال اندر دهن

تاتو در آوردگاهی ،نام رستم رفته است
از زبان ها چون (فسانه‌گشته‌نام)کوهکن

لیک ای اسطوره رزم وتهور هوشدار
می شنو باگوش جان یکبارهم این حرف من:

نک به‌هنگامی که‌نخل انقلاب باشکوه
بارور گشته‌پس ازده‌سال ایثارومحن

برخیزبیا تو
گردید
برخیزوبکش
آماده
ooooooo
آی
آئین منی
اقبا
دارمچو ترا
ترپا

هر دقیقه بهر تاراجش زهرسو می رسد
صوت شوم وناگوار کرکس وجغدوزغن
هان مده فرصت که این مردارخواران قرون
زی گلستان توگردند ای مجاهدگامزن
پای شان بشکن چنانچون پای دشمن درمصاف
فرق شان بشکاف با مشت هویدا وعلن
تا نیابند ازخطا جرات برای اقتدار
تا نیابند ازبرای کرسی ازدارالفتن

بنگاه ملل

های بنگاه ملل منشور آزادی چه شد
های ابناء بشروجدان انسانی چه شد
کای نسل آدمیت صبح آزادی دمید
پرده‌ء نیرنگ وتزویرجها نخواری درید
کردن آزادگان ازیوغ نااهلان برست
درب این قفل شنیع را بعدازین خواهیم بست
بهرقتل نوع انسان بس فتن انگیختند
جای نعمت برسرشان موشک وبم ریختند
تا که ارباب مظالم ،غولها ،شدادها
حقه‌بازان ملل ، شیادها ،مکارها
ما پلان روس راازما سبق آموختیم
دفترمکرکریملین را به‌آتش سوختیم
جیست میثاق امم میعادگاه رهزنان
یا ضمانتگاه امن سلطه‌ء مستکبران
کی رودازیادما شهر بخارای شریف
پایمال ظلم واستبداداین قوم‌کثیف
بازگو " آمو" حکایات شهیدان وشیق
پیکران زخم خورده‌نوجوانان غریق
یادکن ای آبها ،ای موجهای پرخروش
تحفه‌ء نا ارجمندحامی داس وچکش
نیست فائزبعدازین نیرنگ دشمن کارگر
ازنجیب گاوباشدیازگورباچوف خر

" فائزبادغیسی

"ولوالجی"

تارا

ای عزیز
رجهان رستاخیز
ن زنیام
رای پیکاروستیز

ooooooooooooo

م عزیز

سلام‌منی
کون وآرام‌منی
نایم‌نیست
درد وآلام‌منی



انقلاب و انتقاد

غلام‌محمد "دهستا نی"

یکی ا زعوا مل موٴ ثـرورا ه
ـهبودوضع ا مورچه‌ا جتما عی‌با شد
رچه‌ا نفرا دی ،ا نتقا دا زخـود
را نتقا دا زدیگرا ن ا ست کـه‌ا همیت
ن دربعدا صلاحا ت وبهتـرشـدن
همه‌ا عما ل وا وضا عِا مری ا سـت
تا بت وبه‌روشنی چون آفتا ب بـا
توجه‌به‌ا ین ا صلِ‌ا سا سی آنچه‌کـه
ـهم‌وشا یا ن توجه‌ا ست ا ین مطلب
ست کـه‌با ا ستفا ده‌ا زکدا م‌روشهـا
ذرا یع ،ا نسا ن با آن همه‌پیچیده
یـها،وویژگیها ئی که‌درطبیعـت
سرشت آن نهفته‌ا ست قا درخوا هد
ندکه‌تا وا ردمرحله‌ا نتقا دپذیـری
گرددودرزمینه‌ها وموا ضع‌مختلـف
جمیعِا عما ل وروشها یش را به‌معرض
قضا وت خردومنطق قرا ردهـد

وبا درنظردا شت مسوٴ ولیتهـا ی
ا نسا نی وا جتما عی ا ش بـدون
ا حسا س حقا رت وکمبودی درصـدد
ا صلاحِ موروا حوا ل وا وضا عِ‌شخصیِ‌ا ش
گرددروشها ی درست وسا لـم را
جستجووا ختیا رنما یدتا ا عمـا ل
پسندیده‌ومنا سب وموزون با وضع
وموقعیت ا نسا نی ا ش صـور ت
بکیردویا به‌ا هل بصیرت وهمنـوع
خودچنین موقعیت وصلاحیتـی را
قا یل شودتا درکلیه‌زمینه‌هـا
حرکا ت وبرخوردها ووضعیت ا ش را
با معیا رها ی مثبت ا جتما عـی
وا خلاقی موردبررسی هدفمندا نـه
وا قعیت گرا یا نه‌قرا ردهدودرهمه
ا بعا دنقا ط ضعف ونا سا لم‌ومغا یر
با هدف ،کا رش را مشخص نموده‌ووی

را ملتفت گردا ندتا بعدا زطیِ‌ا یـن
مرا حل حسا س درنتیجه‌متقا عـد
شودکه‌به‌منظورا صلاح‌ومفیدترشـدن
کا رش طرحها ی ا صلاحی وا را ئه‌شده
ا زسوی دوستا نرا با ا بـراز
علاقمندی به‌پذیرد .هرچنددرمورد
علاج‌ونجا ت ا زا ین بیما ری مهلـک
دیدگا هها وعقا یدوا ظها رنظرها ی
متنوع‌ومتفا وتی ا زا نسا نهـا
وا فرا دمتعددی درمقا طع‌مختلفـی
ا زدورا ن نقل قول وا یرا دگردیدٌ
ولی به‌صرا حت ا زدیدگا ه‌شرع‌مقدس
ا سلام‌میتوا ن را ه‌حل ومعا لجـه
آنرا چنین ا را ئه‌نمود :خدا ونـد
جل جلاله‌چنین ا رشا دفرمـوده :

«مژده‌وبشا رت بده‌آن بندگا نـم‌را
که‌می شنوندسخن را وبعدپیـروی
میکننندنیکوترین ومنا سب تریـن
آنرا برا ی ا صلاح ا مورخویـش
ا یشا ن کسا نی ا ندکه‌هدا یت کرده
ا ست خدا وند"ج"آنها را وا یشـا ن
ا ندصا حبا ن خرد».سوره‌زمرآیه ۱۷

طبعا" ا نسا ن زما نیکه‌با یک دیـد
سطحی وزودگذرمنشا ء وا هـلدا ف
خلقت ا ش را طرف توجه‌قرا ردهـد
با ا ندک تا ٴ مل درمی یا بدکـه
ا نسا ن موجودی ا ست شریـف
وبلندمرتبه‌ودا را ی معنویـت
بس بزرگ وعلو شأن لذامناسب
ا ین همه‌ا وصا ف فخیم‌وشا ن وشوکت
ا ست تا درهمه‌حا لات وموا قع ،سلوک
ورفتا رومعا شرت شا یسته‌ونیکور ا
برگزیندوا زا عما ل متضـا د
با کرا مت ووقا را نسا نـی ا ش
برحذربا شدوا فتخا رآن همه‌رفعت

شان وبرتری هایش را درقبال همه مخلوقات نصب العین خود قرار دهد در همه ادوار و در برابر همه تحولات متعلق به حیات انسانی و اجتماعی اش برخورد پسندیده وخردمندانه را از خود تبارز دهد، انسانیکه متصف به اوصاف عالی توکل به خداوند و اعتماد به نفس وحسن اخلاق باشد و از حرص امتیاز وتفوق طلبی بر دیگران مبرا باشد خود را در دیدگاه مصئون از خطا نه پنداشته بلکه انسان جائز الخطا و قابل سهو ونسیان ولغزش میشمارد و اجتناب ازکوتاهی ها وقصور را در سرشت انسانی خود ممکن میداند وبا اتکاء به خداوند "ج" وبه یاری ومساعدت اندیشه وخرد درقبال اوضاع واحوال حرکت میکند. حقا که درمسیر اصلاح وبهترشدن امور ایرادات وانتقادات موجه را پذیرفته ورویاروئی با این نوع انتقادات را پیروزی بزرگ درراه دست یابی به مفیدتر وکاملتر ساختن اعمال خود می انگارد با توجه به دستیابی به این

موفقیت ارزشمند وقیمت دار پذیرش انتقاد را کسرشان نه پنداشته وعلاوتاً هرنظر وانتقاد صالح را برای بهترشدن امور با جبین گشاده استقبال مینماید و از اظهار نظر وانتقاد هیچ فردی هراس وباکی ندارد ولی آنانکه خود را منبع همه تفکرات وخردمندیها ومهارتها به حساب دارند وتجارب فردی خود را گره گشای همه مشکلات میدانند ومتکی به نظر واندیشه خود هستند چنین تصوری را با خود دارند که همه چیز را ما درظرفیت عقل ودرمدرکه خود داریم وما مستغنی از رهنمائی وارشادات دیگران هستیم وآنچیزی را که ما نمیدانیم، اصلا وجود وواقعیت ندارد واین مقوله را که (الناس معادن کمعادن الذهب). انسانها مانند معدن هستند. وبه استعدادها وکارآگاهی ها، وتوانائیهای بقیه افراد جامعه اعتقاد ندارند. چنین افرادی برای همیش دربعد مخالف اصل انتقاد وانتقاد پذیری قرار دارند همیشه درمسایل خود رای وخودمحور اند وارزیابی همه موارد ومسایل را درساحه فکر وچهارچوب اندیشه خود می پذیرند وبه واقعیتهای که خارج از حیطه فکرشان وجود دارد معترف ومعتقد نیستند. از اینکه این دسته از افراد در امر ارزیابی موقعیت فکری شان موفق نیستند درهمه جهات نظرخود را صالح وبرحق می پندارند ووجود نواقص را درطرز اندیشه وبرداشت خود نفی میکنند، بناء" کلمهٔ انتقاد از نظر ایشان معادل با کلمه توهین است که این روحیه نکبت بار امروز دامنگیر عده ئی زیادی از افراد است.

اما مسالهٔ انتقاد از دیگران بنحویکه امروز درساحات امور مربوط به انقلاب اسلامی ما ادامه دارد چنین به نظر می رسد که تعدادی از افراد طبق اقتضای سلیقه وطرز تفکر شخصی خود همه امور وقضایای مربوط به انقلاب را ارزیابی مینمایند وبرای انقلاب حسب لزوم دید ونظر خودشان خط، مسیر حدود واهدافی را مشخص می سازند

وبه اصولیت وشرایط ومراحلی که خواسته وطبیعت هر انقلاب است قایل نیستند. بنا به تحلیل این گروه از افراد در انقلاب اسلامی ما تااکنون هیچ نکته وکار مثبتی انجام نیافته وسراغ نمیشود واز نظر این قبیل افراد برای بررسی امور مربوط به انقلاب بهترین معیار خیالات وتصورات شخصی موجود در ذهن خودشان است. انصافاً" زمانیکه ما انقلاب اسلامی خود را مورد تحلیل وارزیابی قرار میدهیم اگر نخستین روزهای آغاز انقلاب وشرایط آنروز مانرا بخاطر داشته باشیم ودرآنروز وضع جنبش اسلامی ومجاهدین مسلمان را بتصور خود بگیریم ودر جانب دیگر قضیه وضع دشمن را در آنروز مورد دقت قرار دهیم که دشمن از چه نوع شرایطی برخوردار بوده وجو فکری جهان ومردم بیرون ازکشور ما چه رنگی داشته درمورد قیام ملت مسلمان افغانستان دربرابر این قدرت بزرگ شیطانی عصر اندیشه حاکم برجهان چه شکلی داشته وتناسب بین مجاهدین ولشکر خون آشام روسیه از چه قرار بوده وقیام اسلامی ما ظرف ده سال

کدا مراحل را پشت سرگذاشته واین مراحل دارای چه نوع اهمیتی بوده ودشمن چه پلانها وطرحهای شیطانی جدیدی را درمیدان آورده وفعلا"وضعیت دشمن ازچه قراراست ومجاهدین مسلمان افغانستان درحال حاضردرچه وضع وشرایطی قراردارندوبعدازتوجه به موارد فوق برای هرفرد انتقادگر ممکن میگرددتا درمورد انقلاب اسلامی مان ابرازنظرفرمایند وانقلاب را درروشنی علم وتجارب موردارزیابی قراردهندولی بانهایت تاءسف تعدادی ازافراد همان تصورمجردوفکرمنجمدخودرا معیارومیزان قرارمیدهندوبر مبنای همان تصوروانديشه غير عملی خوددرمورد انقلاب اسلامی ابرازعقیده مینمایندوبعضا" انقلاب را محکوم به نواقص وکمبود ها مینمایندویاجریان بطرز دیگری است که تعدادی ازافراد با عدم درنظرگرفتن طبیعت واقتضاء وخواص هرانقلاب که همانا مواجه شدن انقلاب با تغیرات کمی وکیفی وایجاد تحولات وشرایط دشواروحوادث مختلف النوع ونشیب وفرازهای است با بی توجهی کامل به این مواردوخصوصیتهای لازمی انقلاب اعتنائی نکرده بلکه انقلاب را مانندنجا موریکه درشرایط عادی صورت میگیردواتفاق می افتدموردتجزیه وانتقاد قرارمیدهندونابسامانیها



ومشکلاتی که سدراه پیروزیءاجل میگرددبه ضعف ومعیوب بودن انقلاب حمل میکنند .مناسب مینمایدتا دوستان انتقادگر دراین جهت دومطلب اساسی را فراموش نفرمایند: اول فکرا" شرایط اجتماعی کشورراقبل از انقلاب موردتوجه قراردهندآنهمه رنجها ومصیبتها ونواقصیکه ظرف تقریبا" یک قرن اززرژیم های منحوس گذشته چه دربعدمعنوی وچه دربعدمادی بطورارث برای ملت ما باقیمانده که درشرایط انقلاب هم دامنگیرجامعه ماست . دوم دشمن تجاوزگریکه ملت ما در مقابل تجاوزووحشت آن قرار گرفته ،دارای چه شرایطی است ؟ وازجانب دیگرچون مبارزه ما مبارزه فکری وعقیدتی است که دربرابرهمه مکتب ها واندیشه ها وجنبش های الحادی قرارگرفته نظربه اوضاع وامکانات ملت ما ونظربه شرایط فعلی درنوع خود بی مثال است وملت فقیرومظلوم ما برخلاف عقل وقیاس با آن همه کمبودها بطورخلاصه دربرابربریک

ابرقدرت مبارزه نموده وپیروزی هائی را بدست آورده واین مسایل جزئی که دوستان انتقادگرجانب توجه خودقرارمیدهند ،نسبت به اوضاع واهداف کلی انقلاب ناچیزبوده ومیتوان گفت که این عوارض عمومیت داشته ودرهمه انقلابات وجوددارد ،زیرا هر انقلاب ازمتن حوادث ومشکلات ومصیبتها ونابسامانیها وبحرانی ها راه خودرا بازنموده ومسیرخود را می پیماید .ما نبایددست آورد های انقلاب خودرا کم ارزش وکوچک بشماریم ،طوریکه ملاحظه میشود اکثرا" آنعده ازافراد انتقادگر واهل انتقاد هستندکه به رسالت اسلامی وملی خوددربرابرجهاد اسلامی وملت مظلوم خودظرف ده سال انقلاب توجه نکردندوبرای نجات خودازاین مسوءلیت عقیدتی ووجدانی همواره خودرا درفهرست بعضی ازافرادبادرد قرارداده وانتقادرابحیث سپر محکم برای نجات خودیافتند ومیخواهندبا حرفهای انتقادی ودارای دورنمای ظاهرا" روشن

وبا انتخاب کرکتر روشنفکرانه
انتقاد را بحیث فتوی برای برائت
خود بکار گیرند. باید انقلاب
همیشه با معیارهای انقلاب تحلیل
وتجزیه شود نه با نظرات وافکار
پراگنده وبی ربط، حتی بعضاً از
انتقاداتیکه نسبت به انقلاب
اسلامی ما صورت میگیرد به نسبت
ناسالم بودن آن وتحلیل غلط
از انقلاب موضع فرد انتقادگر را
دربرابر انقلاب اسلامی مجهول
مینمایند. ما باید در ساختمان
ونحوه انتقاد خود از فرآورده ها
ومحصول اهداف وطرز فکر دشمن
استفاده نکنیم بلکه انقلاب از
انتقادات سالم واساسی وخالی
از اغراض شخصی با جبین گشاده
استقبال مینماید وانتقاد سازنده
از نیازمندیهای اصلی انقلاب
است وبطور واقعیت گرایانه باید
دانست که چه نوع انتقادی وبا چه
محتوائی باشد وانتقادگر دارای
چه صفاتی باشد ما نباید ناخودآگاه
مبلغ افکار واندیشه دشمن باشیم
باید مرجع ومحیط انتقاد را درست
تشخیص دهیم، انگیزه های
نامشروع عامل انتقاد ما نباشد
انتقاد ما باید از لهجه وطرز بیان
وعبارات دشمن ما فرق داشته
باشد، ما نباید با متمرکز ساختن
فکرمان در یک نقطه از انقلاب
درمورد کل انقلاب بررسی وانتقاد
کنیم باید به اصول وروشهای
انتقاد آگاه باشیم ودر انتقاد
اهداف ما روشن باشد وانتقاد ما
از ناآگاهی ما منشاء نداشته باشد
ودر انتقاد باید بطور حتمی مسئلهٔ
دیانت وعدالت مورد توجه عمیق
قرار گیرد. آبرو وحیثیت برادر
مسلمان محفوظ ومصون از تعرض
باقی ماند وبه کرامت انسانی
توجه شود، انتقاد سازنده وجهت دار
از انتقاد ناسالم وبی مورد تفکیک
نمائیم، انتقاد نمیتواند معیار
ومعرف انقلابی بودن فرد باشد
بلکه عمل است که انقلابی بودن
فرد را تثبیت مینماید وقتیکه
انتقادی مطرح میشود بطور اجتناب
ناپذیر شخصی هم در یکی از زوایای
آن قرار دارد، درصورتیکه انتقاد
ما غیر عادلانه وعاری از حقیقت
است به آبروی مسلمانی تجاوز
شده وگناه بزرگ غیبت عرض اندام
مینماید که جزای آن تعیین وروشن
است.

والسلام.

ooooooooo



لاشهٔ یکی از هواپیماهای روس که توسط مجاهدین سقوط داده شده است.

هدف از تنصیب موشکهای اِس ـ اِس ـ ۱ (SS-1) در افغانستان ؟

سید حبیب شاه

بعد از آنکه کنفرانس نامقدس نودر مورد مسئلهٔ افغانستان به وافق انجامید منابع ذیعلاقه ا نمودکردند که گویا روس بتجاوز ودرا فغانستان خاتمه میدهد.

درحالیکه مجاهدین از اول با کل مذاکرات ژنوا مخالف ودند و اصرار میورزیدند که نباید ه‌چنین بازی خطرناک دست زده ود، زیرا نتایج آن درجهت حل سئلهٔ افغانستان قطعاً مفید موٴثر دیده نمی شد، آنچه را که کنون روس اعلام نموده و اراده به ن عمل میکند ما طی مقالات داگانه مفصلاً بحث کرده و از وافق آن هشدار داده ایم، اثرات که درپیامد موافقات ژنو مرتب یگردد ناشی از عدم دقت، دست ندرکاران این معامله بوده که دون درک حقایق وشناخت اصل ضیهٔ به روبنا تکیه کردند و بنا به نین اقدام غیرمسوٴولانه مبادرت ورزیدند، درحقیقت توافقات ژنو موٴجد حالات و اوضاع کنونی میباشد که نتایج آنرا ذیلاً ارزیابی می نمائیم:

۱- درنتیجهٔ توافقات ژنو مسئلهٔ افغانستان، در بن بست سیاسی قرار گرفت، و از مشکل افغانستان که راه حل آن کاملاً روشن بود، " معما " ساختند.

۲- روس توانست امریکا را در ایجاد مسئلهٔ افغانستان بحیث عامل تحریک و مسوٴول ادامهٔ جنگ وتقویت نظامی مجاهدین، رسماً وعلناً معرفی نماید وبرخلاف دخالت خود را در افغانستان معلول علت اول قرار داد.

۳- پاکستان با امضای موافقتنامهٔ ژنو، مستقیماً در موضوع افغانستان کشانیده.

۴- توجیه نمودن ادعائی را که روس قبلاً به عنوان علت تجاوز در افغانستان تلقی میکرد.

۵- بی ارزش جلوه دادن حیثیت سیاسی مجاهدین افغانستان.

۶- مطرح کردن رژیم مزدور کابل بحیث جناح طرف در قضیه.

۷ - روس که تا قبل از توافقنامه بحیث یک متجاوز مطلق شناخته میشد، نمیتوانست علت تجاوز خود را در افغانستان توجیه نماید کذب و افترای آن در همه موارد به اثبات رسیده بود، اما، اکنون از مفردات و مندرجات توافقنامه بحیث منبع در تهیه مواد خام تبلیغاتی حداکثر استفاده را میکنند.

با درنظرداشت مطالب متذکره اثرات منفی توافقنامهٔ ژنو درحال شکل گرفتن است، روس با اعلام مبنی بر ارسال اسلحه مدرن موشک میان برد نوع اسکود که ۳۰۰ کیلو متر را هدف می گیرد، و ۳۰ فروند طیارهٔ میگ ۲۷، در تقویت رژیم

کمونست، توجه محافل بین‌المللی را جانب افغانستان معطوف کرد.

اهداف روس از آغاز جنگ موشکی در افغانستان

اهداف روس از آغاز جنگ موشکی تشدید فعالیت نظامی و متوقف ساختن خروج قوایش از افغانستان، عبارت است از:

۱- جلب توجه منابع بین‌المللی در مورد اینکه باید به حل مسأله افغانستان مطابق اهداف روس از طریق سیاسی عمل نمایند.

۲- چون روس دریافت که موفقیت مجاهدین رو به افزایش است، شهرها و مراکز مرتبا" در قلمرو نفوذ نظامی مجاهدین سقوط میکنند و رژیم کابل حتی قبل از خروج کامل قوای روس از افغانستان سرنگون میگردد.

روس به منظور قطع پیشروی مجاهدین و بقای حداقل چند روز رژیم کابل به جنگ موشکی متوصل گردید، به این خیال باطل که جنگ موشکی شکل جنگ در افغانستان را تغیر میدهد، مجاهدین حالت تهاجمی را از دست میدهند و جریان تسلط یابی بر مراکز و شهرها به تعویق می افتد.

چون تثبیت قدرت مجاهدین در موقعیت مشخص هدف موشک را تعین میکند و محل مناسب جهت پرتاب آن میشود.

۳- روس با براه انداختن هیاهوی تبلیغاتی مبنی بر ارسال اسلحه جدید و موشک اس اس ۱ به رژیم کابل می خواهد پاکستان را تهدید کند، روس که پاکستان را در نتیجهٔ توافقات ژنو مستقیما" در موضوع افغانستان دخیل ساخت و اکنون با عنوان کردن نقض قرارداد مجوزه علیه پاکستان اتهام وارد می نماید.

ارسال اسلحه، تشدید جنگ و تنصیب موشک در واقع باز تاب توافقات ژنو است.

در مورد اینکه آیا راکت های عملیاتی تاکتیکی در پاکستان استعمال خواهد شد، باید گفت که روس با در نظرداشت شرایط و اوضاع و درک موقعیت سیاسی، اجتماعی و نظامی پاکستان عمل میکند.

اگر روس بداند که تروریزم موشکی پاکستان را در موضوع افغانستان به تغیر موقف سیاسی وادار می نماید، بیدریغ به این اقدام متوصل میشود.

و اما آغاز جنگ موشکی با پاکستان به دو علت امکان ندارد:

۱- پاکستان از موقف فعال سیاسی و نظامی متحدان بین‌المللی خود برخوردار باشد.

۲- انعکاس چنین اقدام به داخل شوروی اجتناب نا پذیر گردد. تا زمانیکه مقاومت در افغانستان وجود دارد روس هرگز قادر نیست تا جبههٔ مقابل اش را وسیع نموده و مشکل منطقوی ایجاد کند.

روس چگونه زمینهٔ جنگ موشکی را در افغانستان مساعد ساخت؟.

نخست روس بتاسی از مفاد توافقات ژنو و اینکه خود را طرفدار حل مسأله از طریق سیاسی وانمود کرده با شد به ترک بعضی مناطق افغانستان پرداخت تا شرایط را جهت تمرکز قدرت نظامی مجاهدین بوجود آورد که مجاهدین در موقعیت مشخص جا بجا شوند تا هدف راکت های اس اس ۱- معین شود.

در این مدت که ابتکار عملیات نظامی را در افغانستان مجاهدین بدست داشتند و دشمن در حال دفاع ضعیف قرار داشت اکثر مناطق مراکز و شهرها سقوط کرد، قدرت نظامی و سیاسی مجاهدین مطلقا" به اثبات رسید روس با استفاده از موقع تبلیغات وسیع و گستردهٔ را در مورد ادامهٔ جنگ در افغانستان و استعمال موشک توسط مجاهدین به راه انداخت، دایما از تلفات و خسارات جنگ موشکی مجاهدین، رقم میداد و هدف روس از تبلیغات استعمال موشک توسط مجاهدین این بود تا مجاهدین را بحیث آغازگر جنگ موشکی در افغانستان قرار دهد و ارسال سلاح نیرومند راکتی را ضرورت دفاع در برابر عملیات موشکی مجاهدین، معرفی نماید.

روس به تعقیب ارسال اسلحه و موشک به داخل افغانستان اعلامیه

معوق نمودن خروج قوایش را از افغانستان به نشر رسانید. درحالیکه روس قبلاً "گفته بود که این سلاحها را به حکومت کابل داده است تا درمقابل مخالفین ازخود دفاع نماید، چون روس به ضعف رژیم کابل متیقن است ومیداند که حکومت مزدورش درحدی ناتوانی مطلق قرار دارد اگر هرقدر رژیم کابل مسلح گردد وحتی یک یک موشک درهرروز برای هرفرد آن داده شود باز هم درمقابل مجاهدین شکست می خورند، واز جانبی تشویش روس از ارسال اسلحه وموشک بداخل افغانستان دراختیار رژیم کابل از ناحیه انتقال آن به مجاهدین است زیرا روس میداند که رژیم مزدور کمونیست نه جرأت استعمال ونه قدرت حفظ سلاح را دارند، بناءً روس تا ارزیابی نتایج جنگ موشکی خروج قوایش را از افغانستان متوقف ساخت.

جنگ موشکی درافغانستان به نفع کیست ؟

اینکه اسلحه مدرن ، موشک میان برد وطیارهٔ میگ ۲۷ بوده ومورد استعمال دارد، واضح است زیرا طیارات میگ ۲۷ از نوع طیاراتی نبوده که برای اولین بار درفضای افغانستان به پرواز درآمده باشد، مردم افغانستان با طیارات میگ ۲۷ آشنائی کامل دارند، زیرا روس درتمام عملیات نظامی خودعلیه مواضع مجاهدین از این نوع طیارات استفاده کرده است، واما دررابطه اسلحه مدرن بخصوص موشک اس، اس، ۱ باید تصریح نمود که چنین موشک درجنگ افغانستان مورد استعمال ندارد، زیرا موقعیت جغرافیائی وفزیکی افغانستان میزان تخریب آنرا ۹۰ درصد کاهش داده است، واز جانبی این نوع موشک ها درجنگ های منظم بکار برده میشود، براه انداختن جنگ موشکی با مجاهدین قطعاً به نفع روس نیست، چون مجاهدین درتغیر موقعیت دست باز دارند، می توانند به سادگی محل شانرا عوض کنند، درحالیکه روس موقعیت مشخص دارد نه می‌تواند محل خودرا عوض کند، اگر روس کابل را ترک نماید شکست خودرا قطعی می سازد.

درحالیکه اگر مجاهدین منطقه ای را تخلیه می نمایند، به شکست قطعی مواجه نمیشوند، مسکو از ارسال اسلحه وموشک بداخل افغانستان تبلیغات وسیعی را دنبال کرد ورژیم مزدور نیز تعدادی از این موشک ها را به عنوان هدیهٔ باداردر نقاط مختلف شهر کابل به نمایش گذاشت وچنین وانمود ساخت، که حکومت کابل الان میتواند ازخوددفاع کند وتمام مواضع مجاهدین را درهم بکوبد، درحالیکه سیر رویداد ها این واقعیت را به اثبات رسانیده است که اگر پیروزی وموفقیت به سلاح ومهمات بستگی میداشت، نباید ملت افغانستان تاکنون مقاومت میکردند، زیرا روس دراول که برافغانستان تجاوز کرد، کاروانهائی مشتمل برتوپ وتانک وانواع وسایط نظامی از کنار رود آمو تا کابل مسلسل درحرکت بود.

اما آنهمه کروفر نظامی روحیه مردم با ایمان افغانستان را در دفاع ومقاومت متزلزل نساخت مردم " به شهادت " آماده شدند وجهاد را آغاز نمودند تا آنجا که مجاهدین سلاحهای دست داشته دشمن را به غنیمت گرفتند درواقع روسها منابع اکمالاتی نظامی مجاهدین را تشکیل دادند، و (۹۰) درصد سلاح ومهمات مجاهدین در افغانستان از طریق غنایم جنگی حصول گردیده است، آنچه را روس دیروز دراختیار داشت، امروز بدسترس مجاهدین میباشد، صدها نوع توپ وتانک وسایط نقلیه وخودروهای نظامی درجبهات مجاهدین مورد استفاده قرار دارد آوردن موشک واسلحه مدرن بداخل افغانستان باعث تضعیف مورال مجاهدین نه میگردد، زیرا اتکای شان بخداوند متعال بوده ویقین دارند که روس باز هم، به شکست وناکامی مواجه گردیده درنهایت امر پیروزی وموفقیت نصیب ملت افغانستان خواهد شد.

روس باید بفهمد با ملتی مقابل است که جهاد را عبادت وشهادت را سعادت میدانند، ملت افغانستان از جهاد ومقاومت خسته نمیشوند زیرا جهاد عبادت است، ومؤمن برای عبادت زندگی میکند، راکت های (اس، اس، ۱) وسیلهٔ تطبیق کمونیزم درافغانستان نخواهد شد.

داکتر طاهر صدیق

منطق استکبار

درست صدسال پیش از امروز وقتی کوفمان جنرال روسی امارات آسیای میانه را زیر سم اسپان سواره نظام خویش میکرد و از قلمروهای اسلامی وپیشرفتهٔ خیوا وبخارا، ترکستان روسی را میساخت، پیام مسکو را برای کشورهای اسلامی جنوب آسیا اعلام داشت که گویا روسها بحیث قوم پیشرفته، برای پیشرفت وترقی کشورهای این منطقه کمک میکنند ویا اینکه روسهای پیشرفته برای ترقی کشورهای عقب مانده باین منطقه لشکرکشی می کنند.

روسهای مهاجم با این منطق غلط و این ادعای فریبنده کشورهای این منطقه را اشغال میکردند این ادعا از حنجره‌های کثیف جنرالان تزارها خارج می شد روسهائی که دوصدسال پیش ازین روز در قلمرو سلاوی خویش تازه بنیاد یک قلمرو روس را می گذاشتند وخود از قوم بدوی و پسمانده بیش نمودند.

عین منطق غلط روسها امروز توسط بلشویکها تکرار می شود آنها که به افغانستان لشکرکشی نمودند با خود پیام دروغین عدل ومساوات وترقی وپیشرفت را آوردند. این همان ادعائی بودکه صدسال پیش کوفمان میکرد وامروز همین صدا باز از حنجرهٔ یولی ورانتسوف معاون وزارت خارجهٔ روس در مذاکره با رهبران مجاهدین بلند می شود. وقتی ورانتسوف در طائف با هیأت عالی مجاهدین روبرو شد، به چهرهٔ مدافع صلح ظاهر شد، بچهرهٔ مددگار وکمک کننده ظاهر شد وبه چهرهٔ دلسوز وهمدرد مردم افغانستان ظاهر شد. او در طائف هی اصرار می کرد که مسکو صلح میخواهد، برای مردم افغانستان آرامش وپیشرفت میخواهد، در افغانستان آشتی وپایان جنگ را میخواهد واین اصرار ورانتسوف تا آنجا بودکه میگفت بسیار می ترسد که وقتی قوای روس از افغانستان بیرون رود، جوی خون در افغانستان جاری خواهد شد. این دلسوزی همان همدردی کوفمان است که امارات وزمامداران مسلمان قلمروهای خیوا، بخارا، فرغانه وامثال شان را بجان هم می انداخت وبعد خود بحیث مصلح پیش میشد ودوجانب را درهم می کوفت ودر قلمروهای شان پرچم روس را برمی افراشت وبجهان می‌گفت: ببینید ما پیشرفته‌ها درین قلمروها آرامش وپیشرفت می آوریم واین کار اکنون توسط ورانتسوف در افغانستان ادعا می شود.

ورانتسوف بعد از (۹) سال جنگ وکشتار، ویرانی وآواره شدن در افغانستان، دربرابر رهبران مجاهدین می نشیند وبا پررویی تمام ادعا می کند که ما در وطن شما صلح می خواهیم، میخواهیم وطن شما آباد شود واما شما جنگجو هستید وجنگ را توقف نمیدهید. این دلسوزی ورانتسوف در مذاکرات اسلام آباد بیشتر شد وهیأت

مجاهدین را با زمخاطب ساخت که چرا جنگ را توقف نمیدهید،شما در افغانستان جنگ میخواهید ،شما ملت عقب مانده اید ،وا ما حیف که ورانتسوف صفای وجدان میداشت وباری ازخودمی پرسیدکه کی در افغانستان جنگ را شروع کرد؟ کی بیش ازیک ملیون هموطن مارا کشت ؟ کی وطن ما را ویران کرد؟ کی پنج ملیون زن وفرزند وسالخورده ٔ ما را آواره بیابان های سوزان ساخت ؟ واکنون کی است که وحشتبارترین سلاح رادر افغانستان استعمال میکند؟

ورانتسوف بایدازخود ،ازحزب کمونیست خودازمزدوران خود بپرسدکه کی جنگ میخواهدو کی عقب مانده است ؟

به ورانتسوف میگوئیم که ماده گرائی وایدئولوژی کمونیزم حتی معنی پیشرفت وترقی ،صلح وآشتی را نزدآنان تغییروواژگونه ساخته است .

کمونیزم انسان را ازارزشهای والای انسانی وهم اعتقاد به ذات یکتا به دورمیسازد ،ازانسان چیزی پدیدمیآوردکه صرف به ماده فکرمی کندوازدیگرهمه ارزشها کنارمیماند .

صلح چیست ؟ باید این را از بلشویکها بپرسیم ،صلح چیزی نیست که روسها میخواهند ،درهر جائی که روسها دست درازی کرده اند ،نخواستندکه مقاومت در برابرشان آغاز یابد .آغازمقاومت دربرابرتهاجم روس به معنی برهم زدن صحح بوده است .روسها این معنی را برای صلح درتمام مقضایای بین المللی درنظرمی گیرند آنجا که کمونیزم سلطه کند ،آنجا که روسها قبضه کنند ،اگرمقاومت ملتی دربرابرشان آغاز یابد می گویندببینیدملت ها صلح را برهم می زنند ،حتی درقاموس بلشویک ها این نکته صراحت تمام داردکه هرجا علیه کمونیزم وسلطه کمونیزم قیام صورت گیرد ،اگرچه این قیام برحق ،عادلانه ومنصفانه است باز هم آنرا ضدصلح می نامند ،وقتی نه سال پیش روسها خودبه افغانستان لشکرکشی کردند ،همزمان با تسلط جوئی شان ادعا نمودندکه در افغانستان صلح میخواهیم ووقتی نه سال بعدبا زهم دیدندکه کشتار

ویرانی نتوانست تسلط آنها را درافغانستان قایم کند ،بازهم به چهره صلح خواه بمیدان آمدند واینک سخنگوی شان ورانتسوف صلح میخواهد ،صلح دیروزروس به معنی برقرارکردن تسلط روس در افغانستان بودوصلح امروزروسها به معنی برقرارنگهداشتن ویا لااقل حفظ گروه خلق وپرچم است که ده سال تمام بحیث وطنفروشان ملحدبه جان ملت ما افتادندوپیش پای روسها دویدند .درحالیکه صلح عبارت ازآرامش دریک کشوراست که مردم آن بدون مداخله خارجی دریک استقلال تمام مشغول پیشرفت خودباشدواامکانات خویش را بدون تحرکات خارجی ،طلب مساعدت بیغرضانه درفضای صلح بین المللی بکارا ندازد .درحالیکه روسها صلح را صرف درحالی میخواهندکه اغراض توسعه جویانه ٔ شان برآورده شده باشد .

همین قسم برداشت انسان از ترقی وپیشرفت دراصل تزکیه وپاکی نفس وممدومددگار بودن انسان درامورخیراست واین هدف درملت افغانستان بسیاربالاتر است ،درعادت وروش روسها ،ماحول عبارت است ازمحیط وامکاناتی که انسان درآن زندگی میکندواما این انسان است که پاکی نفس خیرخواهی وبشردوستی آن محیط وزندگی را زینت می بخشد روسها هفتادسال تمام تبلیغ ضدانسانی کمونیزم والحاد را کردند ،درواقع انسان را ازارزشهائی به دور بردندکه راحت ونجات انسان درآن بود .انسان امروزدرروسیه وهر کشوردیگرپیروالحادوروش روس ، انسان تهی ازهمه ارزشها است . اوچنان درفورمول های بوینده کمونیزم درهم پیچیده است که اصلا" خودرا فراموش کرده ویا اصلا"در شمارهیچ است ،براستی انسان بدون اعتقادوانسان تهی از ارزشهای معنوی وانساندوستی ارزشی معادل وکمترازماده دارد روس ها انسان امروزراصرف پرزه هائی میدانندکه درچرخ کمونیزم برای پیاده کردن ایدئولوژی الحادبکار گرفته میشود .بلشویکها این نظررا درعمل آوردندوامروز می بینیدکه چه خیانتی به انسان

وا نسانیت کرده اند .
روسها دیدندکه روش کمونیزم حتی نفرت خودشانرا نسبت به ایشان افزایش داده دیگران را از آنان رمانید. کشورهای اقمار روس امروز با نفرت تمام از روس وکمونیزم تلاش میورزند خودرا از قفل به اصطلاح طلائی بیرون آرند که روسها بنام خانواده کمونیزم برای هرکدام ساخته بود. آیا این تفصیل برای قناعت ورانتسوف واطرافیانش کافی نیست ؟

آمدیم بر سر مساءله پیشرفت مادی: درین بخش هم روسها محتاج تر از همه کشورها ئی است که یکجا ویا پسانتر از روس شروع کرده اند . پیشرفت تکنالوژی ثمر مغزوکار انسان درمجموع است .روسها زمانیکه غرب وصدها سال پیشتر از آن اسلام پیشرفت های محیرالعقول داشت ،هیچ چیزی نداشتند ،از هر که آموختند وچیزی گرفتند وفورمول های دیگران را بکار بستند و پیشرفت نسبی اما نمایشی کردند ،با آنکه اقمار روس درفضاء پرواز می کنند ،اما انسان روس فقیرونادار است .او مجبوراست روزانه یکی دو ساعت را درقطار هائی برای خوردونوش خود بایستد .اگروفرت درنعمات می بودوکار روسها ثمر میداشت این همه احتیاج واین همه قطارها واین همه محرومیت ها از چه بود.
معلوم است که مواد در روسیه کم است کیفیت کار کم است ،مردم محتاج وفقیراند که قطار است ونادار ی است وتوریدا مواد از ملل دیگر حتی رقبای بزرگ آن است .

ترقی موجوده ٔ روس یک ترقی نمایشی وفریبنده است که صرف سطحی نظران را می فریبد واما آنهائیکه بروا قعیت امر متوجه اند می دانند روسها بشریت را درمنجلاب فقروبدبختی فرومی برد .کشور های که حتی آرام بودند ،بعداز آنکه درکام کمونیزم فرورفتند فقیرونا توان شدند .کیوبا ، اروپای شرقی از همین جمله است افغانستان امروز را ببینید کمونیست روس وداخلی چه ساختند آنها می خواستند افغانستان بخواست آنها بحیث یک قلمرو متصرفه ٔ روس مبدل شود ،وقتی ملت افغانستان علیه این وحشت ایستادند ،روسها افغانستان آزاد وزیبا را به خاکتوده مبدل کردند .

روسهای بلشویک افغان ها را عقب مانده خطاب می کنندکه خود فرهنگ عالی ،تمدن ارزشمند وارزشهای برازنده آنرا میدیدند ودرجنگ دهساله تحمیل کرده روس بازهم آنرا دیدند ،دانشمندان افغانستان امروز وآریانای دیروزدرنگاشتن کتاب تمدن ودانش بشری بخصوص جناح معنوی آن سهم برازنده داشتند .افغانستان درقلب آسیا گهواره فرزندانی بوده است که هرکدام دربخش دین ودیانت معنی ومعنویت ،مردانگی وفرزانگی سهم ومقام برجسته داشته است .ماین چهره هارا یکا یک معرفی نمی کنیم واما



ارجمندی ،حکمت الله جان فرزند قوماندان شهیدمحمداشرف خان از زمنکان که تعهد کرده است تا آخرین رمق،سلاح پدرش را بر زمین نگذارد .

روسها باری خودبه سابقه وتاریخ فرهنگ ما دقیق شوند ،از ین چهره ها بصدها میابند که هرکدام فرزندوالاشاء ن تمدن بشریت بوده است .

همین جهاددهساله ما دربرابر الحاد خوددرسی بزرگ از مکتبی بودکه روسها با آن اصلاً"نا آشنا بودند .جان دادن وسرنهادن در راه ایمان وعقیده ،شرف وناموس، آزادی وخودمختاری درسی است که مجاهدین افغانستان از ین امتحان با سرهای بلندپیروزبدر شدندوبشریت را بهراه ایمان وآزادی درنتیجه ٔ مبارزه وجانبازی مجدداً"نویددادند .

جهادبا شمارکم وسلاح ابتدائی واندک،مایه ازایمانی میگرفت

کەدرتنها دمردم ما ازروشنی ایمان و احساس آزادی وجودداشت .

آنچه بلشویک ها از آن هیچ ندارند این ایمان و احساس کەخودثمرهٔ اعتقاد راستین ملت ما به اسلام وفرهنگ اصیل آن است یک انسان کەخودرا درراه ایمان وآزادی قربانی میکند ،شاگرد وپیرومکتبی است کەدرس آن پاکی صفائی وجانبازی درراه حق وحقیقت می باشد .انسان تهی ازین ارزشها بەپرکاهی میماند کەبا هربادخفیف ازجادرمیرود. افغانها بزرگترین وحشت تاریخ را بەجان وخاک شان تحمل کردند، رزمیدندوچون کوه پایدار ایستادند ازجانجنبیدند .

روسها وبلشویک ها بایدبدانندکه این ترقی معنوی بودکەدریک ثبات وپایداری افغانهای مؤمن رادربرابرنیروهای اهریمنی بلشویزم پابرجا نگهداشت .درینجا ورانتسوف بگویدکەکی پیماندەوکیدارای مدارج عالی ترقی است ،صفای وجدان ونیروی ایمان دروجود افغانها بودەاست کەآنرا دربرابر نیروی شیطانی یاری کردواینک بزرگترین طاغوت زمان دربرابر مبارزەوجهاد آن بزانو می افتد .

این پیروزی جهاد افغانستان نتیجهٔ درس روشنی است کەملت افغانستان ازمکتب خدا پرستی وآزادی دوستی ونیک اندیشی داشته است وشکست روس از - روش الحادی ،غیرانسانی واستکبار بلشویک ها است کەمیخواهندباجبر وزور ،کشتاروویرانی ملت هارا دربندکشندوآنرا مربوط موفقیت ایدئولوژی غیرانسانی کمونیزم کنند .

ورانتسوف باید این جریان را ببیندوبدقت ببیند ،بعدقضاوت کندکەکی برحق ورفتارش مطابق ارزشهای اخلاقی وتمدن واقعی است وکی ازین راه عدول کرده است .جنگ مجاهدیک جنگ برحق است وحملەروس ها یک تهاجم غیرانسانی ووحشتبار است ،جنگ وجدال ما ازایمان وانساندوستی وآزادیخواهی آب میخوردوتهاجم واستکبارروس ازالحاد ،بردگی وانسانکشی مایەمیگیرد .دهسال خونریزی ووحشت بلشویک ها در افغانستان صحت این واقعەرا نشان دادکەدیگربرای هیچجناحی جای شک وسوال نماندەاست .

وورانتسوف وهمفکرانش باید این را بدانند.



هدفگیری دقیق دراستعمال سلاح ازرموزپیروزی سنگرداران اسلام بردشمن سفاک بودەاست .

صفحة مفقودة

صفحة مفقودة

همچون کوه استوار و تزلزل ناپذیر بوده اند، جستجو کرد.

بنابراین روزگاریکه امت اسلامی حاملین صلیب این دشمنان قسم خورده شانرا در سرزمینهای اسلامی شان مشاهده نمودند با تمام طاقت و توان از عقیده و حدود و ثغور اسلامی شان بدفاع برخاستند و از بذل جان و مال شان درین راه دریغ ننمودند و بسوی خدا و جنت او تعالی عاشقانه شتافتند و با کمال سرفرازی دشمن را به عقب راندند و دو نعمت شهادت و پیروزی را به آغوش کشیدند.

بلی بعد از یک جنگ طولانی دوصد ساله دشمن صلیبی به شکست مواجه گشت و سرزمینهای اسلامی بشمول قدس از لوث وجود شان پاک گردید که اگر بخواهیم این قهرمانیها و ایثارگریهای این امت را در طی این دو قرن بررسی دقیق نمائیم جا دارد که این فداکاریها را با حروفی از نور بنویسیم.

قهرمانهای همچون شهید نورالدین فرزند محمود فرزند زنگی ترکی و بعد از آن صلاح الدین ایوبی کردی درین صحنه تبارز کردند و صادقانه قیادت امت اسلامی را درجهت پاکسازی سرزمین های اسلامی از لوث وجود دشمن متجاوز بدوش گرفتند و جهانی بودن این دعوت را که عرب بر عجم تفوق و برتری ندارد، بلکه ملاک و معیار برتری تنها و تنها براساس تقوی و ترس خدا میچرخد، تثبیت نمودند. چنانچه دلاور مردان غیوری از ترکستان عزیز، که امروز در زیر چکمه های سرخ الحاد و مکتب ضد انسانی کمونیزم دست و پا میزنند، در دفاع از اراضی مسلمین پرداختند و نقش بارزی را در پاکسازی سرزمینهای اسلامی شان از لوث وجود صلیبی های سفاک بازی نمودند، ولی روزگاریکه از جانب روسهای خون آشام مورد تهاجم وحشیانه قرار گرفتند و سه ملیون شهید گلگون قبا را در پیشگاه خداوند جهت دفاع از عقیده و میهن اسلامی شان تقدیم نمودند هیچکسی در جهان اسلام از جا نجنبید و هیچ صاحب دردی پیدا نشد تا درین درد مشترک ساعت و یا لحظهٔ با ایشان همدردی نماید.

غرب مسیحی برین آگاهی کامل داشت که گراف ضعف و ناتوانی خلافت اسلامی هرچند بالا هم برود باز هم جای پائی برای غرب در شرق اسلامی نخواهد بود.

پس مادامیکه در روش مبارزه شان تغییری ایجاد نکنند و حربه جنگ فکری و عقیدوی را علیه امت اسلامی بکار نبرند و جنگ را از میدان نبرد تن به تن به نبردگاه فکر و اندیشه نکشانند همه تلاشهای شان نقش بر آب خواهد بود.

روی این ملحوظ در مرحله دوم جنگ را از چینل استشراق و تبشیر برای نابودی امت اسلامی آغاز نمودند.

دوم: استشراق یا شرق شناسی:

مرحلهٔ دوم، مرحلهٔ گسترش استشراق و تبشیر است، قبل از ظهور تبشیر که بعنوان یک بدیل از جنگ های صلیبی درجهت درهم کوبی عقاید مسلمین عرض اندام نمود، جنگهای صلیبی مبدل بیک مکتب فکری دیگری گردید که عبارت از وجود استشراق بود، طوریکه عدهٔ از غربیها براساس تعصب دیرینه شان با اسلام و امت اسلامی درصدد آن شدند تا دست بیک سلسله تألیفات و تحقیقات اسلامی بزنند و درین تألیفات چونکه بررسی مسائل اسلامی را در یک جو علمی و خالی از هر نوع دشمنی و تعصب پیشرو نداشتند، تعصب شان نسبت به اسلام باعث شد تا امانت علمی را از یاد ببرند و علیه اسلام و امت اسلامی از چند ناحیه ذیل دست بتوطئه و تخریب بزنند.

۱ـ قرآن کریم را ساخته دست محمد صلی الله علیه وسلام معرفی کردند و ضمناً" علاوه نمودند که ایمان و اخلاص اصحاب محمد به شخص وی باعث گردیده است تا ایشان نیز به آسمانی بودن قرآن اصرار و تأکید ورزند.

۲ـ در نوشته های شان بین مصادر شرع اسلام فرقی نگذاشته اند و مصادر الهی (قرآن و سنت) را با اجتهاد خلط و همه را در مراتب یکسان و از وضع بشر تلقی نموده اند.

۳ـ از تصوف اسلامی بحث بمیان آوردند و اهل تصوف را به بی اعتنائی دربرابر جهاد و مبارزه تشویق نموده اند (۱).

قرن هفتم هجری را قرن آغاز فعالیتهای استشراق در اندلس

شناختهاند، هنگامیکه درین سرزمین صلیبی های اسپانیا حملات خودرا علیه مسلمین تشدید کردند، پادشاه قشتاله (میشل سکوت) توسط (الفونس) وظیفه داده شدتا درقسمت تمدن وعلوم اسلامی به بحث وبررسی بپردازد روی این اساس (سکوت) گروهی ازعلمای مسیحی را درمنطقه ای درقرب شهر (طلیطله) جمع کردوبه ایشان وظیفه دادتا به ترجمه بعضی کتب عربی بلغت انگلیسی بپردازند، بعدکتب ترجمه شده توسط (سکوت) به پادشاه حقلیه فرستاده شدوبه امروی نسخه های زیادی ازآنها تکثیروبدانشگاه پاریس بطورهدیه فرستاده شد.

همچنان درترجمه کتب عربی (ریمون لول) رئیس اسقفهای طلیطله رول مهمی را بازی نمود. همین قسم با مرورزمان بسیاری از اروپائیان درعلوم وفنون مختلف ازهیئت وستاره شناسی طب وهندسه وفلک بنقل وترجمه پرداختند، وبا بمیان آمدن طباعت دراروپا مطبعه های عربی جهت طبع بعضی کتب عربی ساخته شدوبعدازطبع دردانشگاه ها ومدارس اروپائی جهت تدریس تقسیم وتوزیع گردید.

تلاشهای پیگیرمستشرقین جدا از فعالیتهای تبشیرمحسوب نمیشد چونکه هردوبسوی یک هدف مشترک درحرکت بود، شکست های پی هم صلیب درحملات متوالی شان درشرق اسلامی بزرگترین انگیزه درجهت گسترش جنگهای فکری وثقافی علیه امت اسلامی محسوب میگردید چنانچه اخیرا"قضیه تحول صلیبیها درکشانیدن جنگ ازمیدان عسکری درساحه فکرواندیشه با بدست آمدن یک وثیقه تاریخی کلا"روشن گردید، البته وثیقه که بیانگر. وصیت (قدیس) لویس پادشاه فرانسه وفرمانده تهاجم هشتم صلیبیت درسرزمینهای اسلامی بود تهاجمیکه بشکست لویس انجامید واورا درپنجه خشم مسلمانان شهر منصوره مصراسیرساخت (لویس) خودرا ازین اسارت دربدل یک فدیه بزرگ نجات داد. ولی با فکر وخیال دیگری داخل فرانسه گردید، اودربازگشتش به فرانسه این فکررا با خودبردکه جنگ با مسلمین راه را درجهت پیروزی هموارنمیسازدونبایدبا مسلمانان جهان ازدرجنگ ویا اعمال قدرت پیش آمد، تدین وتمسک شان به اسلام آنها را به جهادومقاومت وبذل نفس ومال درراه خدا بخاطر حمایت ازدیاراسلام وحفظ آبروی مسلمین وامیدارد، وامت اسلامی با پیروی ازدساتیردینی شان درامرجهاد، ازقدرت رویاروئی با هرنوع نیروئی برخورداراست. روی این اصل بایدفکردیگری نمود وراه دیگری را پیشگرفت که آن عبارت ازتحول تفکراسلامی در اذهان امت اسلامی ورامساختن این امت ازچینل جنگ فکریست. دانشمندان اروپائی وظیفه دارندبه بحث مطالعه، وتدریس منابع وتمدن اسلامی بپردازند تا سلاح جدیدی را که درجهت مبارزه با تفکیراسلامی ازآن استفاده بعمل میآید، بدست آرند. ازینجا بودکه تحول درجهان پدیدآمد وجنگها ازمیدان کاربردسلاح به صحنه فکروعقیده بخاطرتضعیف وایجادتزلزل درعقایدامت اسلامی وبیرون کشیدن آنان ازساحه جهادومبارزه، کشانیده شد.

ازآن ببعداستعمارگران اروپائی راه تنفیذوپیاده ساختن (قدیس لویس) را درپیشگرفتند. ودرجهت ردوزشت جلوه دادن عقیده اسلامی وخارج ساختن قوه جهادونیروی ایمان ازآن ازراه ایجادتفرقه بین عقیده وشریعت وتصویراسلام بشکل دینیکه همچون مسیحیت پا از ساحه امورتعبدی فراترنگذاشته است، کمربستندوبالاخره فکر مهلک وزهرآگین (جدائی دین از سیاست) را پیشرونمودند ومسلمانان را ازین سربزرگ وجاویددراصالت عقیده وجوهردین شان غافل گردانیدند.

بسیاری ازمفکرین وباحثین برینندکه استشراق زاده استعمار وتبشیراست.

استعمارهمواره درمفهوم سلیم وواقعی اسلام می اندیشد، مفهومی که مجتمع اسلامی را دربرابرنیروی استعمارقوت ونیروی شکست ناپذیرمعرفی میدارد.

اما استشراق همیش درجهت

دگرگونی وضیق نشان دادن اعتقادات اسلامی درتلاش است ومیکوشدتا مفاهیم وارداتی خویش را جانشین مفاهیم اصیل وجاوید اسلامی سازدونوع صداقت ودوستی را بین قدرتهای بزرگ استعماری ودول ضعیف جهان سوم زیرپوشش اصطلاحات ونامهای ازقبیل "تمدن "جهانی بودن" وحدت فکر" وثقافت " بشری وغیره عنوان نماید.

ولی تبشیردرصددهست تا جلو پیشرفت ورقابت اسلام با مسیحیت را درسطح جهان وبالاخص دردولت هائیکه دردام تبشیر ومسیحیت اسیراند بگیرد.

بزرگترین خطریکه مبشرین درعالم غرب ازناحیه اسلام احساس میکنند همانا وصول مفاهیم درست اسلامی بمردمان آن سرزمین است چنانچه زمانیکه قسطنطنیه مرکز دولت روم شرقی که مقرپاپ نیز درکلیسا های شرقی محسوب میشد بدست توانای مسلمانان فتح شد **سردمداران کلیسا درخطابه ها وبیانات خوددست بیک سلسله حملات وافتراآت وشایعه پراگنی های نادرست علیه اسلام زدندوبه پخش افکارزشت ونامطلوب شان علیه مفاهیم واحکام عدل الهی در انظار واذهان عامه پرداختند هدف ازین هجوم گمراه کننده فقط وفقط درپرده ابهام نگهداشتن آن عده مسیحیانی بودکه حقانیت تعالیم والای اسلام را درک کرده فوج فوج به پیروان این دین انسان سازمی پیوستندتا باین تبلیغات مسموم کننده توانسته باشندجلو ایشانرا بگیرندواز رجوع ایشان بدینیکه طلاق وتعددزوجات را درحق پیروانش مباح میداند جلوگیری بعمل آرند.**

صهیونیت نیزبنوبه خویش وارد میدان استشراق شدتا ازیک وحدت کلی وهمه جانبه مسلمین جلوگیری نماید، تا نشوداین وحدت روزی سبب تباهی دولت غاصب اسرائیل گردد، ازینرو مستشرقین یهود هموار ه درجهت متلاشی ساختن صف واحد امت اسلامی درتلاش اند.



چندنمونه ازسلاح هائیکه مجاهدین ازدشمن به غنیمت گرفته اندواکنون دریکی ازجبهات اسلام مورداستعمال سنگرداران اسلام است.

جلوگیری از پخش و نشر «تحریفات» و «جعلیات»

در رابطه با واقعات اجتماعی

نویسنده: سلطان محمد

در اثر تحقیق و تدقیق
انشمندان که تخصص در فن جامعه
ناسی دارند، این حقیقت را به
ضاحت ثابت و روشن نموده‌اند که
سمتی از حوادث و واقعات
جتماعی بشر، در طول تاریخ
نا بر علل مختلف دستخوش
"تحریف و تجعیل" گردیده و در بسا
وارد قضایا و حرکات اجتماعی بشر
در رابطه با فعالیت‌های متنوع آن
عکوس تصویر و تمثیل گردیده است.
راحان "جعلیات" برنامه‌های
رتبه خود را در رابطه با در نظرداشت
اء مین هدف، پیریزی و در اثر
بلیغ و تلقین، اذهان جوامع
مسموم و مغشوش می‌سازند و جوامع
لادین" به نام‌های مختلف این
وع حربه‌ها را غرض ایجاد نفاق
ربین همه ملت‌ها خصوصاً" ملتهای
ظلوم اسلامی به کار برده و با استفاده

از این روش و سیستم است که شیره و معانی نیک را از منابع جامعه و ملت‌ها دور ساخته‌اند و قواعد "جعلی و تحریفی" در جامعه را در قطار "مسلمات" قرار داده و مردم بی‌خبر از دانش و معرفت به "جعلیات کاذب" به صفت اصل نگریسته، در آثار و نگارش قلمی خویش به آن تمسک و استناد می‌نمایند.

وظیفهٔ اهل بصارت و معقول‌اندیشان است تا در رابطه با همچو موضوعات که برخورد می‌نمایند مدبرانه تفکر و تعقل بعمل آورده و نتیجهٔ سعی و تلاش خود را به مراجع ذیربط ابلاغ و زمینهٔ زدودن زنگار سیاه "جعلیات" را که سلول مغز و عقل جامعه را متأثر و شرایین مربوط به ارگانیسم وجود را مسموم نموده است، مساعد ساخته و بعوض مفاهیم و معانی مفید که بر مبنای معیارهای اعتقادی توحیدی، طرح و پیریزی شده باشد جاگذاری شود.»

از این لحاظ است که پروانه‌گان مکتب قرآن در اثر اخذ و هدایت از دستورالعمل زندگی‌شان (قرآن) مغز، عقل و قلب خود را تقویه تزکیه و تنویر و در جهت تصحیح افکار مسموم جوامع بشری، در طول تاریخ قدم‌های مفید و به موقع برداشته‌اند، و در اثر سعی و تلاش خود سوختند، ولی جامعه و ملت ساختند که امروز با اصطلاح عقل‌های عصر "کیهان" را مبهوت و حیران ساخته است.

یکی از این واقعات جعلی و تحریف شده اتهاماتی است در تاریخ مقاومت مردم مسلمان آسیای میانه

با العموم ومحلات آن با لاخص میبا شد. وا ین ا تها ما ت دونقص وا ضح وآشکا ردا رد. :

یک : ا ینکه عنا صر معتقد به آن "معیا ر" ها ی بی ا سا س وبی‌بنیاد را معیا رقرا ردا ده. مثلا" ا فتخا ر به‌خون ، قوم، منطقه... قسمیکه چندسطر پیش ا شا ره‌شددرحا لیکه ا زنظرا سلامِ این معیا روا مثا ل آن ها ، مردودودا را ی هیچ فضیلت نبوده‌بلکه مقدمه‌ا ی برا ی نطفه گذا ری جرا شیم خطرنا ک شرک وگمرا هی ا ست .

دوم : ا ینکه یک وا قعیت وحقیقت وا ضح وآ شکا رجوا مع موحدومسلما ن وقت تحریف وتغییردا ده‌شده‌ا ست طورمثا ل: " بخا رآ نیست ا ینجا "مهد" آ ریا ست .

اینکه " شعر "ا زکی ا ست ودرچه وقت سروده‌شده فعلا" کا رندا ریم صرف ا ینقدرتذکا رمیدهیم : ا ینکه میگوئیم متعهدبه‌ا سلام هستیم ا ینقدربا یدبدا نیم که " زمزمه‌ء" همچونوشته‌ها درطرز معتقدا ت ما ومردم‌ما درهروقت وبطورخا ص آن درشرا یط موجودچگونه‌ا ثرنیک ویا بدخوا هددا شت ، ما درشرا یط حا ضرمحا سبه ونتیجه‌گیری‌ا زفضا یل ا خلاقی خویش که متکی برا سلوب آموزش ا زمعتقدا ت دینی ما با شد نما ئیم ونقا ط مثبت ونکوی آنرا بعدا زجمعبندی سرمشق ونکا ت ضعیف درا عما ل ورفتا رخود دریا فته وتکرا رنکنیم .

خدا وند "ج" را سپا س گذا رم که ا نقلاب ا سلامی ا فغا نستا ن "قضا یا ئی "را که‌ثبوت آن درسا حه تحقیق علمی با درنظردا شت ا صول وشیوه‌ها ی بخش ها ی مختلف علوم که‌با هم‌تفا وت وفرق فا حش دا شت ، آسا ن نمود ، چنا نچه در بدوا نقلاب ا سلامی تما م‌جوا مع که‌درتدا وم‌وا نکشا ف حیا ت دروجود ا مکا نا ت ما دی مطا لعه‌وبررسی می نمودند ، برنده میدا ن نبرد کمونیست ها ی مزدوروبا دا را ن خون آشا م‌شا ن را میدا نستند ثبوت وقبول همین قضیه‌وا مثا ل آن وا قعا" برا ی کوردلان مشکل بودوهست ، هستندا کنون همکسا نی که‌ا فتخا را ین پیروزی ها را بنا برخصلت کوردلی وخفت ا ندیشی خودبه‌کورا ندیشا ن مثل‌خود وا بسته‌می سا زند ، ا ین موضیعگیری ا ین دوستا ن ا درزما نی صورت می گیرد ، که‌مجا هدین پوزنیروی قوت مندی را درجها ن تکا مل تکنا لوژی فضا ئی با همه‌ا مکا نا ت وحیل فکریش به‌زمین ما لید .

سردمدا را ن ا ین قدرت طا غوتی ا زبرژنف تا گوربا چوف ونوکرا ن آنها ا زنورمحمد "تره‌کی" ا لی دا کترنجیب ، دربدومرحله‌چطور موضع‌گیری‌ها دربرا برمجا هدین دا شتندوملاحظه‌نمودیم‌ومی بینیم که‌تا کنون به‌کدا م‌ا ندا زه‌تغییر جهت دا ده‌ا ند . ولی موضع‌مجا هدین با همه‌مشکلات وکمبودها ی ما دی وتسلیحا تی ا زبدومرحله‌تا کنون نه‌تنها ضعیف نه‌شده‌بلکه‌روزبروز به‌تحیکم‌موضع وا عتبا رخوددر ا بعا دوسیع روبه‌گسترش وتوسعه وا نکشا ف مشا هده‌می شود ، با درنظردا شت ومقا یسه‌هردوحا لت ا ین سوا ل را مطرح‌می نما یم : مگر شکست روسها ونوکرا ن شا ن درا ین ا ست که‌آ ریا ئی نیستندویا پیروزی ما مسلما نها ا زا ین لحا ظ تحقق یا فته‌که‌جها درا با شعا روسرودها ی آ ریا ئی وروی هدف بدست آورد ن درفش آزا دی آ ریا ئی وآزا دنمودن ا ین "مهد" آ غا زنموده‌با شیم وپیروزمندی که‌بدست آ مده‌ا زاثر جلاوصفا ی رهنما ئی ها ی ا ین شیره " نژا دآ ریا ئی "ا ست ؟ ا گر همه‌فرض ها ی با لارا قبول نما ئیم مسا له‌ء " یک با م‌ودوهوا "پیش می‌آ یدمگر ، ا ینکه‌ا زشا ه‌محمود ا بدا لی گرفته‌ا لی دا کترنجیب که درا ین فا صله‌طورا نگشت شما ر به‌تعدا دتقریبا" ا ضا فه‌ا زسی‌نفر آ ریا ئی ها ی ا صیل نژا دبعضی ا ز آ نها طورمکرربه‌ا ریکه‌ء قدرت سیا سی ا فغا نستا ن بمنظور ا دا ره‌وتا ء مین ا منیت کشور رسیدند ، نشستندوا ضح‌ا ست که‌هر کدا م‌ا زآنها ، حلقه‌ء غلامی روس ویا ا نگلیس را به‌نحوی ا زا نحا ن بگوش دا شته‌وملت مظلوم‌ا فغا نستا ن را درعرصه‌دوصدسا ل به‌طرزها ی مختلف وشیوه‌ها ی‌متعددچون خود غلام‌ا ستکبا رجها نی سا ختند ، ا ین ا فرا د ا نگشت شما رِرا آ ریا ئی نژا دنشنا سیم‌ویا ا ینکه‌درقبول ا ندیشه‌توحیدی خویش جزئیترین قوا عدکه‌ما را درلفا فه‌ها ی "ترجیح ما لایرجح" محصورنما ید ضم‌ننموده‌ومدا خله‌ندهیم



اعتقادیات خودرا در اثر آموزش اسلامی انتظام بخشیده وافکار واندیشه های خودرا در ارتباط امور زندگی براساس آن میزان کنیم.

قسمیکه شاهد صحنه هستیم جهاد مسلحانه ملت مسلمان افغانستان بعد از کودتای "نافرجام تره کی" با درنظرداشت ... محیط مناسب ومساعد از طرف آغاز وبه پیشروی وانکشاف بسوی شهرها تا هنوز بسیرخودتداوم بخشیده ودر اثر استمرار جهاد واستحکام سنگرها امروز قسمت زیاد کشور آزاد وتحت اداره مجاهدین قرار دارد واین پیروزی بفضل وکرم الهی بسرحدی رسیده که دشمن در تنگنای محاصره سیاسی واقتصادی قرار گرفته وتمام دیپلومات های غرب از اثر بی اعتمادی وبی بقائی دولت مزدور وسقوط حتمی آن اتباع خودرا از مرکز (کابل) خارج وسفارت خانه ها را مسدود نموده اند، حتی "هند" یکی از سرسپردگان طاغوت وقت (روس) وهمکاسه نوکرهای کابلی خود، اعضای فامیل سفارت خانه خودرا نسبت عدم امنیت از کابل به "هند" انتقال میدهد وهم میدانیم که اساس انقلاب اسلامی درکشور، طوریکه از نام معلوم میشود، عبارت از اعلای کلمة الله وپیاده نمودن حکومت اسلامی در کشور اسلامی افغانستان است، از مدت ده سال بدینطرف این هم معلوم است که این ملت مسلمان به اساس انگیزهٔ اسلامی خود در این راه یک نیم ملیون شهید به پیشگاه ذات اقدس الهی تقدیم داشته وبیش از پنج ملیون آواره در جهان دارد. برای ملت مسلمان ومبارز افغانستان آگاهی وباخبری از عقاید "بی خدائی" یا "انکار از وجود خدا" (مسلک کمونیستها) تصمیم مبنی برمقاومت را دربرابر این گروه مقاومتر وسرعت جریان را بیشتر، ایثار وفداکاری شان را زیادتر نمود. ومداخله نظامی روس این جریان را دریک مسیری که نقطه چرخش تاریخ تعبیرش میتوان کرد قرار داد. زیرا لادینی وبی کتابی روسها برای ملت مسلمان از مدتها قبل معلوم وآشکار بود. تمام ملاحظات برملت مسلمان افغانستان در ارتباط با قضیه مداخله وتهاجم روس در آسیای میانه وملت های مسلمان آن دیار معلوم ومطابقت عینی از نگاه اعتقادیات دارد. این مطابقت عینی میرساند که ملتهای آسیای میانه نیز دربرابر تجاوز روس، مقاومت، فداکاری، ایستادگی وپایداری نشان داده که از اثر آن تل ها وتپه های از شهداء تشکیل وجوی های خون بجریان افتاده است.

دفاع از حریم زندگی وما حصل آن بنا برمقتضای نظام الهی یک امر فطری واز عطایای خدائی بوده که درارگانیسم وجود هرموجود ذیحیات تعبیه شده است، چنانچه ذات باری بنا برعلم قدیم ومحیط خود میداند که برای کمال وزیبائی حیات، چشم، گوش، زبان ... اعضاء وجوارح دیگر بکار است، لذا این هارا درمجموع از اثر فضل وکرم مزیدش، برای اجسام حیه عنایت فرمود، وبسیار چیزهای دیگر که ما هنوز آگاهی از آن نداریم، همین طور پروردگار عظیم غرایز را در "نهاد" انسانها ومخلوق خودجاگذاری نموده به

صدها غریزه که یکی از آن "غریزه" دفاع از حریم زندگی میباشد، این اصل میرساند که ملت مسلمان آسیای میانه بنا بر این اصل متذکره نیز از داعیه خود در برابر تهاجم و تجاوز دفاع بعمل آورده باشد.

با درنظرداشت امر اعتقاد واحد ملت مسلمان افغانستان و آسیای میانه و ملاحظه فطری بودن "دفاع" از حریم زندگی هر موجود، علی الخصوص انسان، که مکرم ترین مخلوق در روی زمین می باشد ثابت میگردد که ملت مسلمان آسیای میانه در آن وقت نیز مقاومت و پایداری نموده است، اینکه از مقاومت نتیجه مفید و مطلوب بدست نیامده است "بحث جداگانه" بکار دارد.

با زهم غرض روشن تر ساختن موضوع و تجسم عینی قضیه به زمانی که در آن قرار داریم تماس گرفته و نتیجه را در اثر یک فرض تقدیری معکوس تصور نموده و انتظار صدا و انعکاس این جریان عظیم را از آینده دور درنظر گرفته و نتیجه را بدست می آوریم.

الحمدلله که شهامت، شهادت فداکاری ملت مسلمان افغانستان در برابر تجاوز روس امروز برای دوست و دشمن واضح و آشکار است. دوست های انقلاب اسلامی درصدد تحکیم هرچه بیشتر سنگر و تصمیم مبنی بر ادای شکر از این فضل و کرم پروردگار قدس و دشمنان درکمال ذلت و خواری و دستپاچگی درصدد مکر، حیله و تزویر... کار های دیگر میباشند، فرضاً خدای ناخواسته این همه نیک نامی ها با درنظرداشت ده سال جهاد مسلحانه و این همه شهادت ها و سایر تکالیف، بدست نمی آمد در زمان های خیلی ها مستقبل، اگر در یک گوشه دیگری از جهان توسط حنجره ملت مظلوم دیگری در برابر ظالم دیگری این صدا که "اینجا افغانستان نیست" بلاشود آیا این قضاوت در آن عصر و زمان صحیح خواهد بود؟ چه بسا ملت ها را سراغ و معلومات داریم که فداکاری هایی به اساس اصالت عقیده خویش نموده اند ولی به پیروزی نه رسیده اند، پیروزی شرط نیست ولی هدف است.

از این فرض بالاهم معلوم میشود که ملت مسلمان آسیای میانه به اساس اصالت عقیده خویش رسالت وجیبه را اداء نموده اند.

با زهم غرض خوب تر روشن شدن موضوع به تاریخ مراجعه می نمائیم به متنی که در افغانستان جزء پروگرام درسی مکاتب بوده در حالیکه میدانیم قسمت اعظم پروگرام ها طور سانسور شده تدریس می شد، علی الخصوص موضوعات سیاسی و آنهم که بر سیاست روس ارتباط پیدا می نمود، ولی با آنهم محمد عثمان "صدقی" مؤلف "تاریخ" برای صنوف دوازدهم در رابطه میگوید: "تهاجم روسها در آسیای میانه از ۱۸۴۱ میلادی شروع و به ۱۸۸۱ میلادی خاتمه می یابد از فداکاری ملت مسلمان "خیوه" و کارنامه های سایر مناطق طور مؤرخ میرانند "اگر سری به دیگر مؤلفات نزنیم و به سایر منابع و مأخذ مراجعه نمائیم ملت مسلمان افغانستان که در مدت ده سال جهاد در پهلوی افتخارات، ریکارد جدیدی از کاروان شهداء و آوارگان در سطح ملی و بین المللی قایم نموده است، چهل سال مقاومت خود بیانگر تلفات و فداکاری میباشد این خود ادای رسالت ملت مسلمان آسیای میانه را در حدتوان تائید میکند و با مراجعه با سایر منابع و مأخذ ملت مسلمان آسیای میانه در طول مبارزات و مجاهدات خویش شامل ها، ابراهیم ها و انوری های فراوان داشته که به کمال متانت و ایمان داری تعهدات خود در برابر برخداوند "ج" و ملت مسلمان به عالی ترین حد امانت داری آن اداء و آخرالامر از شرنوشیدن جام شهادت در این راه به لقاء الله پیوستند، روحشان شاد و یادشان گرامی باد!

درین رابطه میتوان کتاب های با حجم بزرگ تهیه و بدست مطالعه و آموزش رهروان دانش جامعه بشری گذاشت. با درنظرداشت همه مواد و دلایل متذکره با زهم اگر طوری فرضی قبول نمائیم که ملت مسلمان آسیای میانه در آن عصر به اساس اصالت عقیده توحیدی خویش مقاومت نموده باشند.

با قبول این فرض طبعاً" دارای امتیازات جهادی می شوند ،یعنی شهدائی در این راه تقدیم درگاه ذات اقدس الهی بدون داشتن هیچ نوع ترس وخوف ،می نمایند کارنامه جهادی پیدا میکنند ما دامیکه این حقایق نه تنها درنظرگرفته نمیشود وتقدیروتذکار از آن به عمل نمی آید ،بلکه "نفی" میشود .آیا کمال بی انصافی دربرابر رویدادتاریخ وجانب داری از زمه ستمگران وقت نیست ؟وآیا خداوندی که ما وهمه عقیده مندان توحیدبه وجود " بلاکفیش" ایمان داریم وهستی عالم وجودرا پرتوی از فضل وکرم اودانسته وایمان جازم برقبول اوامرونواهی (معروف ومنکر)اودار یم ،انسان وبنده که به خاطر ارج واهمیت قایل شدن به امرخالق جانبازانه سررا درراه او وبه خاطرحصول رضای او درپیشگاه با عظمتش خاضعانه وخاشعانه ،میگذارد وخودرا از همه قیدوملاحظات دنیای مادی رها وسرمست شراب " الست "میسازد ما نه تنها این حق اورا درنظر نگرفته ،بلکه به قبول اندیشهء آریائی گرائی وافتخار به آن وسایرگرایش های دیگربه چنین الگوونمونه های مکتب توحید " جفا " نمیکنیم؟ با چنین موضعگیری " لاشعوری "آیا حرکت ما بسوی قبول " العیاذبالله " نعوذبالله "بی خدائی ویاگرایش به سوی این اندیشه نمی باشد؟ اگرتعمق نمائیم حقا که به خود جفا وستم می نمائیم .

نگردانی
سخن دانسته گوتا دوست را دشمن
زحرف بی مروت آشنا بیگانه میگردد

اکنون شایدبه نظرمطالعه کنندگان وخوانندگان مقاله هذاایـن "جعلیات " و"چرندیات " تاریخی روشن شده باشد ،لازم است که کمی ملاحظه ومروربه علل واسباب شکست مقاومت ملت مسلمان آسیای میانه درآن وقت وزمان شود ،علل واسباب شکست این مقاومت جهادی ملت مسلمان آنعصررا تحت دوبخش می توان به طورخلاصه وموجزبیان وتوضیح کرد .:

الف :عواملی که ازداخل شکست را فراهم نمود .

ب : مشکلاتی که ازبیرون مرز بالای علل داخلی تاءثیرنموده وچرخش سریع شکست را زمینه سازی کرد ،که درنتیجه سرنوشت چهل ساله مقاومت به سقوط سوق داده شده وبردستآوردهای ملت مسلمان درطول مقاومت خط بطلان کشید .

الف : وجودتطمیع شدگان ،تعلیم وتربیه گیری ازمنابع روسی، داشتن ورابطه افراطی حکومت های بنام اسلامی درساحه با روسیه، فساد داخلی ،عدم استفاده عملی از آموزش های قرآن وسایرمنابع اسلامی ،ایجادنفاق وپراگندگی به اسلوب های مختلف ،انعقاد قراردادهای اقتصادیکه وابستگی مناطق موردنظررا روزبروزمتزاید می نمود ،قرارمعلومات عوامل متذکره تقریباً" علل عمده ئی بودند که نفوذ ،تهاجم وحمله روسها را در آسیای میانه موثرومقاومت را خنثی نمود .

ب : علل خارجی که نتیجهء مقاومت را به سقوط وشکست مقاومت ملت مسلمان آسیای میانه بالعموم وسایرمناطق آن بالخصوص بصورت مرتب وتدریجی ،سوق داد ؛

۱- توافق ابرقدرت ها یوقت درهضم مناطق موردنظر .

۲- دریافت مسیردریا برای حکومت تزاری روس .

۳- عدم وجودهم آهنگی وتعاون فی ما بین مناطق موردنظر وهمسایه های آن ،افغانستان وایران .

۴- موقف وموضع این کشورهای باصطلاح اسلامی حین تجاوزروسها درآسیای میانه وعکس العمل حکومت های آن .

۵- عدم آگاهی ملت های اسلام ازرسالت اسلامی شان دراثر مداخلات دستگاه های جاسوسی ابرقدرت های وقت (روس ها وانگلیس ها).

موجبه های دیگری هم است ولی پنج علتی که دربالاتذکاریافته ازموضوعات عمده ومهم می باشد

۱- دراثرتطبیق ماده الف (توافق تقسیم مناطق)روسها پیشروی شان را درسمت جنوب درمرزهای موجود توقف میدهند

ودر اثر این توافق افغانستان وایران به‌حیث مناطق عایق ومانع اصطکاک پالیسی هردو امپراطوری وقت شناخته می‌شود وبصورت غیرمستقیم این مناطق را تحت نظارت خود می‌گیرند، بناءً زمینه عدم همکاری حکومت های تحت نظارت را با مردم مسلمان وحکومت های اسلامی دو منطقه شمال آسیای میانه ودرجنوب "هند" تحت کنترول قرار میدهند انگلیس وروس تعهدات خودرا طبق معمول عمل نه‌نموده هردو به‌مداخله مستقیم روی بهانه بی اساس هردو مملکت (افغانستان وایران) را مورد حمله قرار میدهند ومناطقی را از پیکره‌های هردو مملکت جدا می سازند. چنانچه درقد، وپنجده از افغانستان وآذربایجان وبعضی مناطق دیگر از ایران را نیز روسها ضمیمه امپراطوری می نمایند، درچنین فرصت است که ملت آسیای میانه دربرابر قدرت " خرس قطبی" قرار میگیرد وبا اصطلاح بعد از مقاومت های زیاد خورد شده وشکست می خورد، زیرا دوهمسایه جنوبی منطقه بنا بر عدم درک درست از مفاهیم عالی اسلام از یکطرف ووجود امارت نشین های ضعیف النفس وبی اراده واداره از جانب دیگر مهمترین عامل نداشتن سنگر اکمالاتی مجاهدین آسیای میانه میگردد، یعنی تحمل ذلت از طرف حکومت های وقت افغانستان وانتقال "ویروس" های درآن ذلت پذیری به‌شکل جفاکشی بالای نسل موجود این مرزوبوم افغانستان. شکرالله‌که جهاد افغانستان پیش آمد که ملت مسلمان پاکستان وحکومت آن درنازکترین شرایط ملت مسلمان ومقاوم ما را که به‌اساس اتکا به نیروی خدائی وامید استقامت ازچنان ذات کبریائی جهاد را آغاز نموده‌اند، همکاری وهمیاری نمود که درخور تقدیر وتمجید است وملت مسلمان افغانستان در افتخاراتی که ازدست آوردهای انقلاب اسلامی درخلال ده‌سال جهاد مسلحانه بدست آمده، فرد، فرد ملت مسلمان پاکستان را در آبرومندی دنیائی واجر آخرت شریک وسهیم میدانند، زیرا وصف اینچنین ملت واجری را که دربرابر تصامیم نیک شان حاصل میدارند، ذات اقدس تصریح کرده است، سبحان الله، درپهلوی مسأله یادآوری ازموضع وموقف اسلامی برادران مسلمان پاکستان خود " روح "بزرگترین شهید تاریخ جهاد اسلام (صدرضیاء) را خداوند "ج" شاد داشته باشد زیرا موصوف به‌صفت مردمؤمن ومسلمان، حداعلی سعی وکوشش خودرا به‌سطوح وطرق مختلف بکار برده وآهنگ جان بخش وروح افزای قرآن را درسطح بین المللی بمنظور دعوت وتسلط این نظام درهمه مقیاسات حیاتی انسان بجهانیان رسانیده، دنیای طاغوت را مبهوت وسیرگیج ساخته بود. تحقق پذیری امر الهی ایجاب زمینه واسباب را می نماید اینکه ملت مسلمان افغانستان درآن فرصت نه‌تنها هیچ نوع کمک که در حد یادآوری باشد انجام نداده‌اند. بلکه مردمی که خودرا از تحت تسلط نجات داده وتصمیم مهاجرشدن را میگرفتند تا نقطه‌ای که آنها برای سکونت خود انتخاب می نمودند به‌مصیبت هائی مواجه وگرفتار می شدند که ذکرآن را لازم نمیبینم وهنوز خاطرهٔ آن درسینه اکثر مسلمانهای سالمند کشور بصورت گنجی که زنگار حوادث، قدرت از بین بردنش را نداشت باقی مانده است.

درخاتمه اول برای خود ودر مرحله بعد برای کافه ملت مسلمه هدایت، بصارت، اخلاص وصداقت از بارگاه خداوند "ج" بدست نیاز تمنا داشته، امیدوار هستیم که از اشرف فضل وعنایت مزید خود، همه طرز فعالیت زندگی ما را بردرک حیاتی قرآن تجهیز، واسمای ما را درردیف خادم بالعمل به‌قرآن ثبت دفتر کرام الکاتبین گرداند روح شهدا شاد ویادشان گرامی وراهشان مستدام وبادوام باد.

ترجمه جلال فرهیخته

ترکستان مستعمره

پیوست بگذشته:

ولی نظامی تعریف مشابهی هم از مهاجمین فرغانه در سندی که در بالا از آن ذکر کردیم، بدست می دهد: "انگیزه اساسی و اصلی غارتگری ها را باید در ارتباط با رشد پرولتاریای بی زمین بررسی کرد. آری، فقط بی زمین شدن و ورشکستگی توده های دهقان در اثر فشار تمام اشکال مصادرات که قبلاً مذکور شد، سرچشمه انکشاف حملات غارتگرانه را تشکیل می داد. حملات غارتگرانه اکثراً عبارت بود از جنبش طبقه فقیر.

ودرین ارتباط جهشی که هم اکنون از تعداد حملات در سال (۱۹۱۷) مذکور شد قابل توجه است. جنگ، خسارات وخرابی‌هائی که با خود داشت، بالاخره تقسیم استاندارد پنبه در سال (۱۹۱۶) وتقلیل فاجعه گونه اراضی مزروعی در سال (۱۹۱۷) بشکل سخت بی رحمانه‌ئی دهقانان کم توان را ضربه زد. وجواب او (دهقان) غارتگری بود.

پرولتاریای روسی (طبقه کارگر) آسیای میانه بعلت تنزل استعماری اش نتوانست که بزودی در راس جنبش دهقانی قرار بگیرد ولذا رهبری "راهزنان" را بایهای محلی بدست گرفتند که بدین ترتیب "جنبش باسمچی" بمیان آمد.

ولی حملات غارتگرانه را نمیتوان یگانه شکل جنبش دهقانان ودامداران آسیای میانه دانست. شکل دیگری نیز وجود داشت وآن عبارت بود از ترور وتصادم با اداره دولتی بود.

درسال (۱۸۹۹) تنها از یک مورد برخورد با اداره دولتی اطلاع داریم، درحالیکه درسال (۱۹۰۰) هیچگونه آماری موجود نیست. ازینرو این شکل مبارزه را پس از سال (۱۹۰۱) مطالعه می کنیم وآماری را که متعلق به هر پنجسال خواهد بود بدست خواهیم داد. ■■

اما این نوع مبارزه، کلاً آنقدر بزرگ نیست، ولی لازم است که اهمیت کیفی سیزده مورد اغتشاش عمومی آنرا برضد ادارات دولتی و ۳۸ تن از مدیران مقتول را درنظر داشت، این دیگر آنچنانکه در وهله اول بنظر میآید یک کمیت ناچیز نیست. این کمیت پیش از همه این را نشان می دهد که در "مجموعه گزارشات درباره وقایع "سیاسی" وقایع خیلی بزرگ ثبت می شده است.

هرگاه همه تصادمات خورد وکوچک که با ادارات دولتی صورت می گرفت ولی بدلت وکوب وکشتار منتج نمی شد، ثبت ومسجل می گشت، بی گمان آمار موفق و قابل ملاحظه ای بدست می آوردیم. این جدول بما مجال میدهد تا چنین نتیجه گیری کنیم که در پهلوی "حملات غارتگرانه" که از نگاه ماهیت خود اعتراضی بود برضد ثروتمندان واستثمارگران همچنین مبارزه برضد ادارات دولتی که وقتاً "فوقتاً" شکل اغتشاش وشورش عمومی را بخود میگرفت وجود داشت.

بخاطر تجسم بهتر محتوای این

مبا رزه وخصوصیت آن ، مهمترین این اغتشاشات را بطور مختصر تصویر می کنیم :

اولین اغتشاش در ۶ می (۱۹۰۲) درورنو (آلماآتا)صورت گرفت وعلیه دوافسر روسی بنام انتونوف وبولگارسکی توجیه شده بود . این افسران هنگامیکه ازبین بازار می گذشتند ، متوجه شدند که گروهی ازبومی ها به سوی آنها به نحو گستاخانه می نگرند " افسران ازبومی ها دعوت کردند تا شاپو های شانرا از سر بردارند وهنگامی که بعضی ازایشان با وجود دعوت این کار را نکردند ، افسران کوشش نمودند تا آنانرا جبراً وادار به انجام این امر سازند .

جمعیتی متشکل از (۱۵۰- ۲۰۰) نفر که افسران روسی را احاطه کرده بودند دست به شورش زدند بر آنها حمله کردند ، اسپان شانرا ربودند وفورم ونشان آنها را کندند وخود ایشان را لت وکوب کردند .

شورش دیگر ، هرگاه آنرا بشکل کرونولوژیک بگیریم ، بتاریخ (۱۵)دسامبر (۱۹۱۰)درقشلاق (تندزک) ولسوالی سمرقند رخ داد . موردسوم درقشلاق قولی قوتان علیا ، درولسوالی خجند روی داد .

موارد چهارم وپنجم بترتیب در قریهٔ بوکین ولسوالی تاشکند در (۱۸)نوامبر (۱۹۱۳)ودرقریهٔ سمرچوق ناحیه آبلیق ولسوالی تاشکند درجنوری (۱۹۱۴)بوقوع پیوست .

درپایان باید توجه خوانند ه را باین نکته معطوف ساخت که از جمله ۱۳ قیام عمومی که درمرحله مورد مطالعه مان برشمردیم ، ۸ تای آن به پنجسال اخیر تعلق میگیرد این مؤدهٔ آورقیام متعرضی (۱۹۱۶) بود . نشانه دیگر رشد جنبش همچنین افزونی تعداد مدیران میباشد که علیه آنها مبارزه صورت میگرفت

قبلا "تذکر دادیم که " مجموعه گزارشات دربارهٔ وقایع " تنها دربارهٔ حوادث برجسته وموارد ترور وتصادم با ادارات دولتی معلومات ارائه میدارد . امّا شکی دربین وجود ندارد که این برخوردها وتصادمات به شکل کمتر محسوس آن همه روزه ودرهرقدم صورت می گرفت . مصداق این ادعا آمار زیرا ست که از احصائیه رسمی دربارهٔ "جنایات علیه نظام اداری " بدست آمده ومورد بررسی داوری جهانی نیز قرار گرفته است .

این ارقام نیز آنقدر مکمل نیست دربعضی سالها " شرح مجمل" قطعاً بچاپ نرسیده ودربعضی آمار متناسب آن وجود ندارد . ولی آنچه موجود است مجال آنرا می دهد تا نتیجه بگیریم که هرگاه هرگونه اعتراضی برضد مقامات ثبت میشد درآنصورت نه تنها کمیت های مطلق بزرگ بدست می داد که تمایل رشد این جنبش را تا انقلاب (۱۹۱۷)نشان می داد .

تنها بخاطر استکمال تشریح جنبش دهقانی ودامداری ... لازم می افتد تا نشان داده شود که دامداران شکل دیگری از جنبش نیز داشتند که عبارت بود از مبارزه برضد استعمار روسی .

این هم بعضی ازآمار حقایق این گونه جنبش :

درمارچ (۱۹۰۶)شورشی درقریه کوهستانی شماره ۲ ناحیه بادام ولسوالی چمکینت به علت مصادره زمین های آبیاری شده (این سومین مورد چنین مصادره دراین قریه بود) برای نا قلین روسی بوقوع پیوست . شورش را دونفر از قضات بنام های قوقای قوتا یف ودوست علی دوست مرادوف رهبری می کردند .

درمحفل عروسی ای که توسط این قاضی ها درکوهستانها برگزار شده بود ، باشندگان قریه های کوهستانی تعهد کردند که بهیچ وجه را هنگامی که بخاطر مصادرهٔ اراضی بیایند از منطقه برانند ، رهبران شورش به همقومان خویش وعده دادند که برای این کار حتی تفنگ وتوپ تهیه کنند . هیچ چیزی از آنچه قرار بود تهیه شود ، مهیا نشد تنها صدچوب دست آماده گردید .

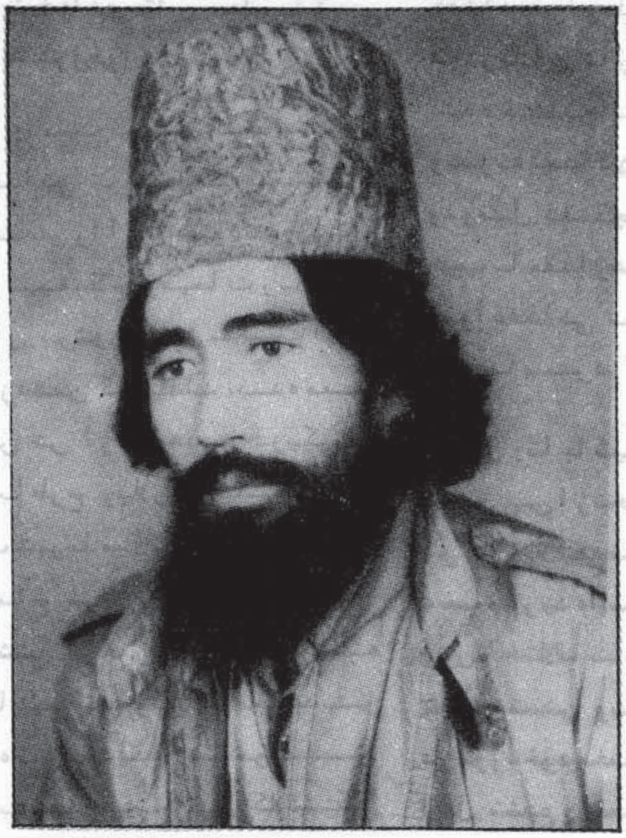
نتیجهٔ این جنبش چنین شد که در (۱۷)مارچ ، هنگامیکه رئیس نظمیه وارد قریه کوهستانی شد تا اراضی را جدا کنند ، گروهی از قرغزها اورا با جمعی از دهقانان همراهش احاطه نمودند ویکی از قرغزها را که باشندهٔ قریه کوهستانی شماره ۳ بود چند ضربه جانا نه حواله کردند وقریه دار

را اختطاف نمودند.

توزیع اراضی گرچه در آن روز صورت نگرفت ولی بهر حال اندکی بعد به نا قلین داده شد.

فواصل پنجساله	تعداد تظاهرات با ادارهٔ دولتی شامل سوء قصدها و قتل مدیران.	تعداد اشغالهای ادارات دولتی که مبارزه بر ضد اشغا ن صورت میگرفته	تعداد کارکنان ادارات دولتی			شمار مواردی که عملیات ضد ادارات دولتی شکل دسته جمعی داشته (جمعیتی که بیشتر از (۱۰) نفر باشد.
			مجروحین و منکوبین	مقتولین	معدومین	
۱۹۰۱ –۱۹۰۵	۱۷	۲۹	۶	۱۰	۳	۳
۱۹۰۶ –۱۹۱۰	۴۰	۴۴	۱۶	۱۸	۱۰	۲
۱۹۱۱ –۱۹۱۶	۳۰	۵۵		۲۵	۲۰	۸
	۸۷	۱۱۸	۴۷	۳۸	۳۳	۱۳

سال	ایالت فرغانه	ایالت سمرقند	ایالت سیردریا	ایالت ماوراء خزر
۱۹۰۰	۱۷	۱۲۰	—	—
۱۹۰۱	–	۱۸۰	—	—
۱۹۰۲	–	۱۲۸	—	۶۲۵
۱۹۰۴	۸۲	۱۳۵	—	۳۶۴
۱۹۰۵	–	۶۶	—	۲۲۵
۱۹۰۶	۱۳۰	۸۶	۲۵۵	—
۱۹۰۷	۶۸	۱۱۷	—	—
۱۹۰۸	–	۲۰۸	۶۰۱	—
۱۹۰۹	۷۱	۳۴۷	۹۲۴	—
۱۹۱۰	–	۳۷۹	۱۲۶۷	—
۱۹۱۱	۲۰۸	—	۱۵۷۱	۱۱۴۱
۱۹۱۲	–	—	۵۲	—
۱۹۱۳	۳۱۶	—	۲۷۶۶	—



مصاحبه

به سلسله دیدار با فرماندهان جهاد اسلامی کشور اینک مصاحبهء داریم با برادر مجاهد عزیزالله "میثم" فرماندهء پایگاه "عمار یاسر" ولایت بامیان که ذیلاً تقدیم میگردد:

(اداره)

س: برادر محترم لطفاً خود را به خوانندگان مجله معرفی کنید؟

ج: اینجانب عزیزالله "میثم" فرزند حاجی محمد کاظم مسکونه ولایت بامیان قریه سیاه خاک متولد سال (۱۳۴۰).

س: اگر لطف نمائید و در مورد آغاز فعالیت های جهادی تان روشنی بیندازید ممنون خواهیم بود؟

ج: بعد از به قدرت رسیدن مزدوران کرملین در کشور که شالودهء حکومت شیطانی شان جز از بین بردن آئین مردم چیزی نبود همه فرزندان بومن و متعهد برای ادای رسالت اسلامی فریاد را آغاز کردند که درمیان طوفان خشم امت اسلامی، مردم قهرمان بامیان در سال (۱۳۵۸) برای اولین بار فتح بزرگ را بعنوان سند افتخار در سینهء تاریخ کوبیدند و بنده نیز افتخار جهاد مسلحانه را از همان آغاز دارم.

س: از چه وقتی عضویت جمعیت اسلامی را حاصل نموده اید؟

ج: بنده از آغاز جهاد نسبت به رهبر محبوب جمعیت اسلامی شناخت داشتم، چنانچه همکاری و همیاری بین سازمان نیروی انقلاب اسلامی افغانستان و جمعیت اسلامی در ساحات مختلف موجود بود و نیز وقتی مسوءلین سازمان قیادت امیر جمعیت اسلامی را پذیرفتند به خورسندی ما سنگرداران افزوده شد و از دو سال به اینطرف بنام جمعیت اسلامی فعالیت نظامی و سیاسی دارم و عضویت آن را دارا میباشم.

س: فعلاً چه وظایفی را در سنگر بعهده دارید؟

ج: بنده در قرارگاه عمار یاسر مربوط اداره هماهنگی جمعیت اسلامی بعنوان قوماندان ایفای وظیفه می نمایم.

س : اگردرباره نخستین عملیات جهادی تان معلومات تحدید مشکورخواهیم بود؟

ج : ملت مؤمن افغانستان با ابتدائی ترین امکانات جهاد مقدس را آغاز نمودند ونیاز برای تهیه سلاح ومهمات زیاد بود جوانان پرشور برای بدست آورد سلاح ازدشمن کوشیدند ،بنده معه چندین تن ازمجاهدین دریکی از شب ها با طرح وپلان چریکی به اطراف شهربامیان بسیج شدیم که درجناح شرقی ولایت به موتر جیپ گشتی برخوردیم وبحمدالله ازآنجائیکه خداوند "ج" مجاهدینش را وعده نصرت داده است موفق شدیم به تعداد پنج میل کلاشینکوف ودومیل تفنگچه به غنیمت گرفته وتمام سرنشینان آن را رهسپار جهنم سازیم.

س : چنانچه میدانیم شما در عملیات بامیان سهم قابل ملاحظه ای داشتید ،میتوانید درزمینه مختصراً معلومات ارائه دهید؟

ج :مدتی قبل ازفتح بامیان درسطح تمام پایگاه های جهادی شورای تشکیل وطرح وپلان حمله وتعیین فرماندهی جهاد ولایت به تصویب رسید ومناطق طبق طرح تقسیم بندی شده به همه سپرده شد بنده با پنجاه نفرازمجاهدین بمدت یکماه دراطراف پوسته های خدمات دربند ربودیم تا اینکه روزدهم عاشورا ولایت بامیان بدست مجاهدین مسلمان فتح شد ومادراین فتح بزرگ به تعداد هفتاد نفرازملیشیای دولتی را که درمیان شان سی وپنج نفر زن دیده میشد به اسارت درآوردیم ونیز به تعداد ۲۵ میل کلاشینکوف ودومیل تفنگچه تی تی ویکعراده جیب با مقدار هنگفتی مهمات ومواد غذائی به غنیمت پایگاه عماریا سردرآمد.

س :تا جائیکه همگی میدانیم دشمن پس ازتحمل شکست های پی درپی به دسایس گوناگون دست یازیده است وازجمله دامن زدن اختلافات میان برادران تشیع وتسنن ویا پیشنهاد اخیرآن درمورد خودمختاری به برادران اهل تشیع ،شما دراین باره چه نظر دارید؟

ج : استعمار سرخ وقتی تمام ترفندهای نظامی وسیاسی شان را درقبال سنگرداران متعهد ناموفق دیدند به ساچاره حربه شیطانی ایجاد اختلاف وماهی مطلوب بدست آوردن استفاده نمودند ودربعضی موارد ازناموزونی های مسایل سیاسی جهادی نیز استفاده می نمودند دامن می زد طرح تشکیل دولت مؤقت مجاهدین که ازمجاهدین تشیع دعوتی بعمل نیامده وتوجه نشد نقطه خوبی بود برای دشمن، زیرا مجاهدین تشیع گله مند بودند درهمچوفرصتی ازطرف کمونیستها به پیشنهاد خودمختاری هزاره جات مطرح می شود که با هشیاری ملت تشیع برخورد نموده وجز یاس چیزی نصیب شان نشد ،زیرا جهاد مقدس اسلامی افغانستان به اساس دستورات اسلام آغاز وتا تحکیم قوانین قرآن ادامه دارد وهیچ مجاهدی راضی با طرحهای تجزیه طلبانه دشمن نیست وهمه بیدارتر ازهمیشه دشمن را نشانه دارند.

س :نظرشما درباره حکومت آینده افغانستان وخصوصیات آن چگونه است.؟

ج : ملت مسلمان افغانستان برای بیرون راندن متجاوزین وایجاد حکومت اسلامی وبوجود آوردن نظام عادلانه ای که درآن تمام اقشار مختلف ملت سهم داشته باشند جهاد مقدس را آغاز نمودند وجزبحکومتی که پایه های آن به اساس دستورات اسلام استوار وپاسخگوی نیازهای تمام مردم افغانستان نباشد راضی نخواهند شد.

س : رای شما درمورد روابط برادران تشیع وتسنن درسنگرهای مناطق همجوارشما چگونه است ؟

ج : باندکی تفکرپیرامون اهداف دشمن پی خواهیم برد که جدا جدا ازهم بودن به ضرر انقلاب وبه نفع دشمن است ،زیرا دشمن نه تنها برای نابودی تشیع ونه تنها بخاطر ازبین بردن تسنن که برای نابودی اسلام وتسخیرکشوررسیدن به آبهای گرم هند وخلیج فارس وغارت تمام سرمایه های افغانستان

را در سر می پروراند.

بر همهٔ مجاهدین لازم است جدا از همه تعصبات نژادی، قومی، لسانی، و مذهبی به ادای رسالت اسلامی کوشا باشند، خصوصاً مجاهدین مهاجر ما باید از پیوستن به صفوف رزمندگان که از تشکیلات منظم برخوردار اند، افتخار تاریخی را بدست آورند، زیرا با داشتن هماهنگی و نظم خاص نظامی و سیاسی تمام توطئه های دشمن نقش بر آب خواهد شد.

س : نظر شما در باره ظاهر شاه و چهره های مانند او و برگشت آنان به رهبری افغانستان چطور است؟

ح : ظاهر شاه در دوران سلطنت اش، چه ارمغانی داشته؟ مگر غیر از اینکه او جاده صاف کن تجاوز روسها بوده و نیز عامل تمام بدبختی های ملت افغانستان و قاتل بهترین فرزندان اسلام و انقلاب اسلامی چون بلخی و سیازی و صدها جوان برومند می باشد.

ما ظاهر شاه را نه بعنوان زعیم که بعنوان خائن ملی در افغانستان برای محاکمه میخواهیم. آنایش که او دارد از رنج ملت ستمکشیدهٔ ماست بقول شهید علامه بلخی که می فرمود:

رهبر تو نیست گر راحتش از زحمت تست
از طبیبی که خورد خون مرهم مطلب

او نمی تواند مرهم گذار زخم های داغدیده های کشور باشد، او آفرینندهٔ این همه مصائب برای ملت ماست. بناءً کدام وجدان سالم او را برای رهبری میپذیرد و اینکه رسانه های خبری و مطبوعات او را بلند آوازه ساخته پلان ایست که انشاء الله با هوشیاری فرزندان صدیق انقلاب اسلامی نتیجهٔ نخواهد داشت.

س : پیام شما به رزمندگان و همسنگران تان و همچنین به هموطنان تان در سراسر افغانستان چیست؟

ح : پیام من بعنوان کوچکترین فرد این ملت به همه هموطنان خصوصاً مجاهدین قهرمان این است که هوشیار باشند و در این لحظات که دشمن با سرافگندگی و روسیاهی کشور ما را ترک میگویند در ایجاد نظم بهتر برای ویرانی آخرین پناهگاههای مزدوران شان و عمران یک حکومت در کشور اسلامی الگو و انقلابی بکوشند. و آرمان، شهدای انقلاب اسلامی را در نظر داشته باشند، زیرا افغانستان کشور شهداست و هر برادر یکه طرح معقول در نابودی دشمن و آزادی کشور دارد همکار باشند و بدینوسیله صفحهٔ نوینی را در تاریخ خونین کشور بگشایند.

ایدز...

در حادثات ترافیکی در فرانسه کشته میشوند.

فعلاً" (۴۹۰۰) نفر در فرانسه مبتلا به بیماری ایدز میباشند و دو نیم لک (۲۵۰۰۰۰) نفر دیگر هم علایم ایدز در بدن دارند و تعداد بیماران هر شش ماه دو برابر میشود.

وزیر صحت فرانسه پیشنهاد کرده که با ید بودجهٔ مبارزه با این بیماری خانمانسوز سه برابر شود. در نظر است شورائی به شمول سایر کشورهای اروپائی در این مورد تشکیل گردد و همچنان پروگرامهای مبارزات آموزشی مردم هم تشدید شود.

قابل یادآوری است که (۵۰) فیصد مردم فرانسه از زمان پیدایش ایدز رفتار جنسی خود را تغییر داده اند.

در روسیه که همه سیاست ها از جنس پشت پرده ئی است و با وجود هیاهو و حنجره پاره کردن ها در مورد گلاس نوست، باز هم سیاست ها پشت پرده یی باقیمانده معلومات چندانی نداریم و فقط همینقدر میدانیم که وزیر صحت روسیه در این اواخر گفته است که: تعداد مبتلایان ایدز در روسیه در سال گذشته و در ظرف همین یکسال به دو برابر بالا رفته است.

"خدا بدهد برکت".

در گلزمین شعر و ادب

ع- شبگیر

غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است

ای هموطن ای بت شکن ای مرد سلحشور تو دشمن خونخوار رساندی به لب گور
شمشیر تو افگند سر از گردن مذکور اکنون که دم از صلح زند پیش تو مجبور
غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است
مگذار سلاحت به زمین جنگ همان است

ای هموطن ای صف شکن اردوی تزار ای نقش به شمشیر تو آزادی وایثار
جاوید بود نام تو در دفتر اعصار دشمن به کجا صلح کجا باش خبردار
غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است
مگذار سلاحت به زمین جنگ همان است

ای هموطن ای شیردل ای فخر زمانه ای جرقهٔ تیغ تو کرانه به کرانه
از روسیه نبود بجز افسون وفسانه دشمن نکند صلح بود مکر وبهانه
غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است
مگذار سلاحت به زمین جنگ همان است

ای هموطن ای وارث شمشیر نیاکان منظور تو آزادی ودستور تو قرآن
آئین تو مردانگی وغیرت وایمان عزم تو نجات وطن؟ از چنگ خسیسان
غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است
مگذار سلاحت به زمین جنگ همان است

ای هموطن امروز که مرد وطنی تو صادق خلف شوکت وفر کهنی تو
فردا که رسد گرمی هر انجمنی تو در سینهٔ تاریخ جهان بت شکنی تو
غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است
مگذار سلاحت به زمین جنگ همان است

ای هموطن از دشمن تو چیست مرامش تو واقفی از خصلت واندیشهٔ خامش
از فرط سیه روئی بود ،روسیه نامش داری خبر از شیطنت ومکر مدامش
غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است
مگذار سلاحت به زمین جنگ هطن است

ای هموطن این دشمن دیرینهٔ مکار این غاصب حق بشر اندر همه ادوار
در کشور مستعمرهٔ خویش به تکرار کرده است چنین صلح وسپس جنگ بصد بار
غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است
مگذار سلاحت به زمین جنگ همان است

ای هموطن ای مرد که سرها زجهادی   سردادی وخاک وطن ازدست ندادی
گردن به ته‌ء بار اسارت ننهادی   ای مرد سرافراز که آزاده نژادی
غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است
مگذار سلاحت به زمین جنگ همان است

ای هموطن آن دشمن بیدادگر تو   دیدی که چها کرد به پیش نظر تو
ترکرد بخون شام وسحر بام ودر تو   دامی دگری بافته در رهگذر تو
غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است
مگذار سلاحت به زمین جنگ همان است

ای هموطن ای معرکه پرورده‌ء بیباک   مردانه که در سینه‌ء دشمن زده‌ء چاک
هشدار که این جانی بی مسلک سفاک   طرح دگری دارد و بسیار خطرناک
غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است
مگذار سلاحت به زمین جنگ همان است

ای هموطن ای غازی وای صاحب شمشیر   تو مظهر ایمانی واندیشه وتدبیر
عرضی که حضور تو بود از من شبگیر   دشمن نکند صلح بجز خدعه وتزویر
غافل نشوی حیله ونیرنگ همان است
مگذار سلاحت به زمین جنگ همان است

" سودا "

انتقام استغناء

زندگی بود بهتر در مقام استغناء   خوش نمیتوان گفتن بی دوام استغناء
روزگار دون پرور گرنساخت باکی نیست   معنی فزون دارد صبح وشام استغناء

ooooooo

بار دوش نتوان شد آنکه از توقع کاست   همنوای ذلت نیست این مرام استغناء
فتنه میکند یجاد حرف پوچ در محفل   مهر بر دهان باید، جز کلام استغناء

ooooooo

گرچه دختر رز را شهرتیست در عالم   نشه‌ء دگر دارد مست جام استغناء
پیش هرکس وناکس خم مکن سر همت   بر زمین مریز هرگز ننگ ونام استغناء

ooooooo

در برابر فرعون عاجزی روا نبود   برمقام موسی کن احترام استغناء
در قفس نخواهی ماند ای کبوتر امید   میکشی توهم روزی پر ببام استغناء

ooooooo

سرنگون شود فرجام کاسه‌ء زیانکاران   فخر آدمی زاد است شادکام استغناء
در کشاکش گردون رنج وغم سزاوار است   رهرو حقیقت را مستدام استغناء

ooooooo

بارمنت دونان کرده قد "سودا" خم   خم شود قد دونان زانتقام استغناء

> برون آ از مسلمانان گریز، اندر مسلمانی
> مسلمانان روا دارند کافرماجرائی ها
> — علامه اقبال —

درگلزمین شعر وادب

زمزمهٔ مجاهدین اسلام در سنگر انقلاب

کمال الدین (غبرا)

ای وطن ما در وفایت عهد و پیمان میکنیم   جان خود را بر سر ننگ تو قربان میکنیم
همچو بحر انگیزهٔ موجیم طوفان میکنیم   قصر استعمار را از بیخ ویران میکنیم
سرخط درس عمل دستور قرآن میکنیم
نا مسلمان و مسلمان را مسلمان میکنیم

طفلک زورآفرین مرز شیرانیم ما   هم ببر آریا و نسل افغانیم ما
پیروان مکتب اسلام و قرآنیم ما   خیره ساز چشم استعمار دورانیم ما
نیروی دشمن به خاک تیره یکسان میکنیم
نا مسلمان و مسلمان را مسلمان میکنیم

مادرم باشد وطن من پاسبان مادرم   خاک و سنگم پرنیان و سنگ باشد بسترم
نام من باشد مجاهد خادم این کشورم   مهد مام خویش را هرگز به دشمن نسپرم
پاک دامان ترا از دین فروشان میکنیم
نا مسلمان و مسلمان را مسلمان میکنیم

ای وطن دامان پاکت قهرمان میپرورد   مهد نازت در بغل شیرژیان میپرورد
سینهٔ بی کینه ات افغانستان میپرورد   قلب ما مهری ترا چون جسم و جان میپرورد
پای دشمن کوته از مرزی دلیران میکنیم
نا مسلمان و مسلمان را مسلمان میکنیم

دامن پاک ترا از جان به کف خواهم گرفت   انتقامت را ز پورنا خلف خواهم گرفت
تیرسازم خویش را دشمن هدف خواهم گرفت   در پی محو عدو چون شیر صف خواهم گرفت
کوه و هامون ترا رشک گلستان میکنیم
نا مسلمان و مسلمان را مسلمان میکنیم

روس و پرچم را هراس از قوت بازوی ماست   چشم حیران لب به دندان دشمن از نیروی ماست
مدعی لرزان ز بیم طبع آتش خوی ماست   نسبت دین و وطن جان دادن ما خوی ماست
پر کریملین درس عبرت را نمایان میکنیم
نا مسلمان و مسلمان را مسلمان میکنیم

بیم ما را از صدا و غرغر طیاره نیست   وحشت از نا پال آتش زای این مکاره نیست
پس مسلمان را هراس از قوت خونخواره نیست   دشمن دین را ز حیرت طاقت نظاره نیست
کی نظر بر توپ و تانک و فیرهاوان میکنیم
نا مسلمان و مسلمان را مسلمان میکنیم

ازنکاه حکم قرآن فکرت دنیا غلط   انتشارات دیالکتیک وسوفسطا غلط
درعقاید رشته بندز ازو آبستا غلط   فکرتولستوی وماوء وجمله سرتا پا غلط
دیوظلمت را به‌تیغ شرع بی جان میکنیم
نا مسلمان ومسلمان را مسلمان میکنیم
زاه کارل مارکس وافکار جهان بینش خطاست   فکرتی لینین وفرویدبا خوچیرچلش خطاست
سنجش بیهوده ٔ انگلس وپوش گینش خطاست   صلح‌وآزادی به‌نفع‌دین وآئینش خطاست
نفرت از تبلیغ ووزا حکام شیطان میکنیم
نا مسلمان ومسلمان را مسلمان میکنیم
آن مسلمانیکه پابندی اصول شرع نیست   غیراستثمار وسودش فکراصل وفرع نیست
جزخیانت درخیالاتش اساس الزرع نیست   این چنین اسلام مقبول خدا وشرع نیست
ما به‌اطراف جهان امروز اعلان میکنیم
نا مسلمان ومسلمان را مسلمان میکنیم
ای وطن آغوش بازت کی فراموش منست   حلقه ٔ حب الوطن آویزه ٔ گوش منست
در (وفا بت)جان سپردن نیزبردوش منست   سنگری میدان رزم کاخ گلپوش منست
ازدل وجان تکیه برنیروی یزدان میکنیم
نا مسلمان ومسلمان را مسلمان میکنیم
سنگرما زسنگ خارا بازوم کشورگشا است   بسترم خارمغیلان پیکرم جوش صفاست
نعره ما الله اکبرکلک من دشمن رباست   یاوروپشت وپنا هم‌دردوگیتی یک خداست
اجنبی را دورا زاین دشت ودامان میکنیم
نا مسلمان ومسلمان را مسبلملان میکنیم
ای وطن ای مهدمن ننگت به‌جان خواهم‌گرفت   کوه‌ها میرتوتا مرزایران خواهم‌گرفت
عق خودا زعمق بحربیکران خواهم گرفت   ازفضایم نیست بیما زکهکشهان خواهم‌گرفت
جان خودرا برسر ننگ توقربان میکنیم
نا مسلمان ومسلمان را مسلمان میکنیم
برسرمنا ومجاهدنورایمانم بس است   درقیامت خواندن ازخیل شهیدانم بس است
درقناعت بهشتا زم یک لب نانم بس است   کشور آزادودین ودرس قرآنم بس است
پاسداری ملک توحیدیم اعلان میکنیم
نا مسلمان ومسلمان را مسلمان میکنیم
ازازل وابسته ٔ فرمان یزدانی منم   امت ختم الرسل محبوب سبحانی منم
ازدل جان پای بندی حکم قرآن منم   درسیاست پیرو استاد " ربانی " منم
ما به‌دستورش عمل تا سرحدجان میکنیم
نا مسلمان ومسلمان را مسلمان میکنیم
ای وطن مفتون دشت وکهسارت کیست نیسته   عاشق فصل دی وجوش بهارت کیست نیست؟
دوستدار خاک پاک دین شعارت کیست نیست.   همچو "غبرا " درپی حفظ وقارت کیست نیست؟
نسبت محو عدوتا مرگ پیمان میکنیم
نا مسلمان ومسلمان را مسلمان میکنیم

انقلاب

آه‌کدا ین گنبد فیروزه‌رنک جا م‌را دهمه را زدبسنک
خا مه‌ا دب پیشه‌که‌جا مش تهی‌ا ست صفحه‌ء تا ریخ زنا مش تهی‌ا ست
ا زنظرا فتا ده ،منفورخلق هی که‌تفوبرنظرکورخلق
با صره‌ها کورزمغزتمیز چشم ا گرا ین ست نه‌ا رزدبچیز
عذربنه‌دیده‌ء معذور را کورچسا ن می نگردنوررا
دست سپهرآ نفلک سفله‌دوست آ نکه‌نبردا شته‌ا زمغزپوست
بسته‌مها رشترا ن را بخر وزلگدخرهمگی رنج بر
وضع جها ن بسکه‌سرا زیرشد روبه‌ءا فتا ده‌بخم‌شیرشد

شیربسرچنک شغا لان ا سیر
گرگ جوا ن درگرومیش پیر

حا دثه‌کل کرددرین بحروبر یا فت خذف پا ره مقا م‌گهر
طرح دگرریخت زبس آ سما ن موربشد چیره‌به‌پیل دما ن
تا زحل ا زبا م‌فلک کوس ز د شب بپره‌لا ف پرطا ء وس زد
گردش گردون بخرا نبا زشد ا سپک تا زی خجل ا زتا زشد

نسل تزا را ی زتومیهن خرا ب
با دتفو برتو ،برا نقلاب

کلک من ا ین خا مه‌ء گوهرفشا ن چندکندشکوه‌زدورزما ن
شکوه‌ا زین بیش ا گرسرکند گوش فلک را زفغا ن کرکند
چنددم‌ا زشکوه‌فروشی زند به‌که‌بلب مهرخموشی زند
گوش کرا زشکوه‌ندا ردخبر کوربودبدیده‌ء عبرت نگر

تا ثلم‌ا زنا له‌ندا رم‌گریز
ـیر ،بودعمردوسه‌روزه‌تیر

« مولانا نایل »



بخون خفتگان سنگر حق

شهید یار محمد

شهید یار محمد فرزند در محمد در سال (۱۳۴۹) هـ .ش در یک خانواده مسلمان ومتدین در قریه چهارسوی ولسوالی چهارآسیاب ولایت کابل چشم بجهان کشود .تعلیمات ابتدائی را تا صنف هفتم در متوسطه چهارآسیاب بپایان رساند ،نظر به مشکلات اقتصادی نتوانست به تحصیل خویش ادامه بدهد ،بعداً از تجاوز روسها درکشور سلاح بر داشت وراهی سنگر گردید وبالاخره بتاریخ ۱۳۶۷/۴/۱۹ دریک کمین روسها درقریه آبپران ولسوالی محمدآغه لوگر بدرجه رفیع شهادت نائل گردید .روحش شاد ویادش گرامی بـــاد .

oooooooooooooooooooooooooooooooooooo

شهید محمد سعید

شهید محمد سعید فرزند محمد داود "صافی" درسال (۱۳۴۹) هـ .ش دریک خانواده دیندار درقریه چارسوق ولسوالی چارآسیاب ولایت کابل پا به عرصهٔ وجود گذاشت درسن هفت سالگی روانه مکتب گردید وتا صنف هفتم تحصیل خویش را درمکتب متوسطه چهارآسیاب ادامه داد وبعداً از تجاوز روسها درمیهن عزیزمان ،این برادر روانه سنگر گردیده سلاح جهاد بدوش گرفت وسرانجام بتاریخ ۱۳۶۷/۴/۱۹ در یک کمین روسها جام شهادت نوشید .

روحـــش شاد

oooooooooooooooooooooooooooooooooooo

شهیـــد محراب شاه

شهید محراب شاه فرزند بابه جان درقریه نوبرجه شیوکی ولسوالی بگرامی کابل دریک خانواده مسلمان چشم بجهان کشود .ودرسن هفت سالگی شامل مکتب گردید ودوره ثانوی را تا صنف یازدهم در لیسه شیوکی ادامه داده بود که کودتای ننگین ثور بوقوع پیوست واین برادر دیگر از ادامه تحصیل دست برداشته روانه سنگر گردید وبالاخره بتاریخ ۱۳۶۷/۴/۱۹ دریک کمین روسها با یازده تن از همسنگرانش درمنطقه آبپران ولسوالی محمدآغه لوگر به لقاء الله پیوست "روحش شاد ویادش گرامی"

oooooooooooooooooooooooooooooooooooo

شهیـــد حبیب خان

برادر شهید حبیب خان فرزند سرور خـــان درسال (۱۳۴۴) هـ - ش - درقریهٔ زمان مربوط مرکز ولایت پروان تولد شده درسن هفت سالگی شامل مکتب قریهٔ مذکور شد وهنوز دوره تحصیل خویش را بپایان نرسانیده بود که کودتـــای ننگین ومنحوس هفت ثور بوقوع پیوســـت . تا مبرده درسال (۱۳۶۰) بـه اساس جذبـــه ایمانی خویش درصفوف مجاهدین پیوست وبه جهاد مسلحانه عملاً "شروع نموده تا اینکـــه بتاریخ ۱۳۶۷/۶/۱۶ هـ - ش - دریک عملیـــات رویاروئی با ملحدین جام شهادت را نوشید .

روحش شاد ویادش گرامی باد

oooooooooooooooooooooooooooooooooooo

شهیدغلام علی

به‌سلسله‌شهدای گلگون کفن اسلام‌شهید دیگری نیزبه‌این کاروان پیوست تا دررشد واستحکام تداوم انقلاب اسلامی افغانستان نقش انقلابی خویشرا ایفاء کرده باشد.

نام این فرزندگرامی اسلام‌غلام‌علی فرزند شاه‌ولی درسال (۱۳۳۸)در قریه‌بادقول بازارک پنجشیردریک خانواده‌متدین چشم بدنیا گشودودرایام‌جوانی وبا آغاز تجاوز روسهای ملحدبه‌میهن اسلامی ما به‌صفوف مجاهدین پیوست ،بعدازفراگرفتن تعلیمات نظامی درقطعه‌متحرک پنجشیر مدت چندسال جهادوپیکارخویش را درهمین قطعه به قوماندانی شهیدگلزارخان سپری کرد، در عملیات‌های زیادی شرکت نمودودرین راه ازهیچ نوع فداکاری دریغ‌نورزیدودر ادامهٔ پیکارهای خونین سرانجام‌شهید غلام‌علی بتاریخ بیست وششم‌جوزای (۱۳۶۵) درعملیات بالای پوسته‌های دشمن بهاثر انفجارماین جام‌شهادت رانوشید.

روحش شادویادش گرامی‌باد

oooooooooooooooooooooooooooooooooooo

شهیدسیدعبدالواحد

سیدعبدالواحدفرزندسیدعبدالرشیدخان درسال (۱۳۴۳)درقریه‌غجی مرکزولسوالی پنجشیردریک خانواده‌متدین چشم‌به‌جهان گشودوتاسن ۷ سالگی تحت تربیه‌معنوی فامیل قرارداشته‌وبعدآن شامل مکتب گردیدودرجریان فراگرفتن دروس مکتبش همزمان به‌علوم‌دینی نیزتوجه‌زیادی داشت ویک لحظه‌خویش رابهدرنمی گذراند ،سید عبدالواحدشهیدداری اخلاق نیکووحمیده بود .درسال ۱۳۵۸ که‌هنوزمتعلم‌صنف نهم لیسه رخه‌پنجشیربودکه‌روسها برکشوراسلامی مان تجاوزنمودواین برادرازادامه‌تحصیلات صرف نظروبابرادران مجاهدخویش پیوست وبه‌جهادمسلحانه‌پرداخت دراثرفعالیت وشجاعت کهازآن مشاهده‌میشدازطرف مقام محترم‌آمریت جبهه‌پنجشیر بحث سرگروپ انتخاب گردید ،درطول شش سال جهادمسلحانه علیه‌دشمن خون آشام‌چه‌درداخل پنجشیروچه درخارج آن درعملیات‌های متعددی اشتراک وخدمات ارزنده‌وفراموش ناشدنی انجام داده‌وبالاخره‌درسال (۱۳۶۳)دریک عملیات رویاروئی باقوای اشغالگردردره‌پنجشیر باصابت مرمی دشمن بدرجه‌رفیع شهادت نائل **گردید. یادش گرامی**

شهیدتورن غوث‌الدین

شهیدتورن غوث‌الدین "روضه‌باغی "ولدمحمدیسین‌درسال (۱۳۳۵)درقریه‌روضه‌باغ ولسوالی کذره‌ولایت هرات دریک خانواده متدین چشم‌بدنیا گشود.

شهید "روضه‌باغی"تحصیلات ابتدائی خودرادرمکتب همان قریه‌تا صنف ۵ ادامه‌داد که‌مشکلات اقتصادی مانع ادامه‌تحصیل وی شد ،لذا بدین مناسبت به‌کسب وکار وزراعت مشغول گردیده‌که‌زندگی ومعیشت خودراازین ناحیه تامین کندودرسال ۱۳۵۷حین بمیان آمدن حکومت کمونیستی

درافغانستان،وی درقطاربرادران مبارزمنطقه‌قرارگرفته‌که‌برای یک حرکت عمومی مسلمانان علیه حکومت کافرتره‌کی شب و روز فعالیت می کردکه‌درنتیجه‌قیام خونین هرات رابدنبال داشت البته‌درقیام ۲۴حوت هرات ازجمله کسانی بودکه‌درپیشاپیش مسلمانان منطقه‌سینه‌راسپرنموده وهمچون شیرمیدان رزم‌میجنگید وغلامان ومزدوران کثیف روسیه خونخواررایکی پس ازدیگری به جهنم‌میفرستادوبعدا"درمدت خیلی کوتاهی توانست ،یکدسته چندنفری مسلح‌نموده (ازسلاح غنیمتی)وبه‌مبارزه‌خستگی‌ناپذیر خویش تاجای توان ادامه‌داده شهکاریها ازخودبیادگارگذاشت که‌درس بزرگ بودبرای متجاوزین روس وعمال کثیف شان .

شهید "روضه باغی" طی عملیات های پی درپی وخستگی نا پذیرخود ضربات کوبنده را بر پیکر روسهای متجاوز وارد آورده که ده ها تانک ونفربر روسی ویک هلیکوپتر را تخریب وصدها تن از اجنت های داخلی را به جزای اعمال شان رسانید .

تورن شهید نظر به شجاعی که داشت توانست قوماندانی عمومی درغرب گذره هرات را بعهده بگیرد ودردوران جهادخود مخلصانه مبارزه نموده واین رسالت الهی خودرا صادقانه انجام داد ،سرانجام بتاریخ ۱۳۶۳/۲/۷ دریک پلان ناجوانمردانه توسط دشمن درحال بازگشت ازعملیات جنگی به اثر انفجارمین همراه دوتن دیگر از همسنگرانش بدرجه رفیع شهادت نایل گردیدند .

"یادش گرامی وراهش مستدام باد"

ooooooooooooooooooooooooo

شهید محمودجان

محمودجان ولدعبدالوکیل بیست ویک سال قبل ازامروز درسال (۱۳۴۶) دریک فامیل متدین ودیندار درقریهٔ ممی (شاه ویس قرن (ع) ولسوالی برکی برک ولایت لوگردیده بجهان فانی کشود چونکه علم ودانش سنگ تهداب یک جامعه می باشد والدین گرامی اش اورا درابتداء به نزدامام قریه غرض آموختن علوم ابتدائی اسلامی فرستاد چون ذکاوت خاصی داشت ،درسال ۱۳۵۲ هـ - ش شامل مکتب ابتدائیه پادخواب روغنی گردیدتا صنف ششم شاگرد ممتاز صنفش بود ،بعداز کودتای ننگین ۷ ثورتحصیل را تا آزادی افغانستان عزیز در کنار گذاشت .ودوشادوش مجاهدین مسلح به سنگرهای جهادومبارزه حرکت نمود ،چندین بار در عملیات ها اشتراک نمود واوقات زیادخویش را درقرارگاه های مجاهدین سپری می نمود تا بالاخره ساعت ۶ عصرروزپنج شنبه ۱۸ سنبله (۱۳۶۷) درحالیکه شاه راه گردیز- کابل را مسدود وپسته های پیربلند- منگوخیل وکندک اوپراتیف وراه های تدارکاتی پسته ها را مین گذاری وزیرآتش گرفته بودنددراثر فیرهای سلاح ثقیلهٔ دشمن دونفر ازمجاهدین زخمی ومحمودجان جام شهادت را نوشید .روحش شاد .

ooooooooooooooooooooooooo

شهیدآقا محمد

شیدآقا محمدفرزندجانگل ۳۷ سال قبل ازامروزدرقریهٔ عذرخیل دوبندی ولسوالی پل علم ولایت لوگرچشم بدنیا گشود همانطوریکه ازسیمای اسلام پرورش هویداست ،وی دردورهٔ طفولیتش به مسجدونمازخواندن علاقه خاصی داشته تعلیمات دینی ابتدائی را درمسجدازنزدامام آموخته ،چون به دورهٔ بلوغیت میرسد ،کودتای ننگین هفت ثوراورا مکلف به ایفای وظیفه دینی اش ساخته جذبات ایمانی واسلامی او را نمیگذاردبجزقیام کردن درراه اعلای کلمة" الله به چیزدیگربپردازد کمرهمت را بسته وبه جهادمسلحانه آغازنمود ،وی درراه اسلام وآزادی وطن محبوب خویش ازهیچ گونه فداکاری وجانبازی دریغ ننموده غیرت وهمت والای اونمایندگی ازایمان وصداقت اودرراه آزاد ساختن وطن محبوبش ازچنگال روسهای خون آشام بود .وبالاخره برادرشهیدآقا محمدبه عمر ۳۱ سالگی بتاریخ ۱۸ - اسد سال (۱۳۶۱) هـ - ش - به درجه والای شهادت به لقاءالله پیوست .

روحش شاد باد

ooooooooooooooooooooooooo

برادر شهید نور اغظر

شهادت درراه خدا «ج» و به خاطر اعلای نام الله و حاکمیت قرآن در روی زمین یکی از نعمات پس بزرگی است که خداوند «ج» نصیب بندگان نیک و صالحش میکشد.

یکی از لاله های آغشته بخون شهادت که بر فراز میهن ما رسته و افق روشن انقلاب مارا به خون گرمش گلگون تر ساخته بود برادر شهید نور اغظر فرزند صاحب نظر که در سال ۱۳۴۶ هـ - ش در ولایت بغلان و لسوالی نهرین قریهٔ «المتو» در یک خانواده متدین و خدا پرست چشم به جهان هستی کشود .

وی درسن هفت سالگی شامل مکتب ابتدائی المتو گردیده و بعد از تحصیلات ابتدائی به فراگیری علوم دینی می پرداخت . هنوز متعلم بود که کودتای هفت ثور رویکار شد و این برادر با احساس پاکی که داشت به صفوف برادران مجاهد پیوست و شروع به جهاد مسلحانه نمود این برادر دارای اخلاق حمیده و پیشانی باز همراه برادران

«کهگدای» مربوط ولسوالی نهرین در سنگر حق علیه باطل می رزمید که بالاخره این برادر با احساس از اثر ظلم واستبداد ملحدین خدا ناشناس راه هجرت را در پیش گرفته عازم پاکستان گردید.
برادر نور اعظم دو باره عاشقانه روندهٔ سنگر جهاد در ولایت پکتیا گردید وسرانجام بتاریخ ۲۹/٦/۱۳٦٧ در ولسوالی خوست ولایت پکتیا در یک حمله بالای پوسته های ملحدین افتخارانه جام شهادت نوشید.
انالله وانا الیه راجعون
روحش شاد و یادش مستدام باد

شهیدمحمدا کبر

شهیدمحمدا کبرفرزندجلات خا ن درسا ل (۱۳۳۴)دریک خا نوا د ه مسلما ن درقریهٔ " کنم "ولایت کندزچشم‌بجها ن کشود .درسا ل (۱۳۵۸)بجها دمسلحا نه آ غا زنمود ودرچندین عملیا ت ا شترا ک نمود وبا لاخره درفتح ولایت کندز بتا ریخ ۱۳٦۷/۵/۱٦ بها شر بمبا ردما ن روسها جا م‌شهـا دت نوشید. روحش شا دوبا دش کرا می.

ooooooooooooooooooooooooo

شهیدفضل ا لرحیم

فضل ا لرحیم‌فرزندعبدا لقیوم درسا ل (۱۳۴۴)درقریهٔ ،حصا رک پنجشیردیده‌بجها ن کشود؛ وی ا ز کوچکی دروس ا بتدا ئی دینی را ما نندسا یرهمسا لانش درمسجد قریه‌آ موخت ودرشن هفت سا لگی شا مل مکتب ا بتدا ئیه‌حصا رک گردیده‌وبعدا زفرا غت ا زآ نجا تحصیلات خودرا درلیسه رخه‌پنجشیر ا دا مه‌دا د.
فضل ا لرحیم‌درصنف نهم‌مکتب بودکه‌کودتا ی منحوس هفت ثور بوقوع پیوست ،وی چون دیگر جوا نا ن محل با آ غا زجهاد ا سلامی صنف مکتب را ترک گفته‌به‌صف مجا هدین پیوست وبا وجودصغرسن مصدرخدما ت ا رزندهٔ جها دیکردید. برا درشهیدتا سا ل (۱۳٦۳)درقرارگا "حصا رک " مصروف جها دبودوبا تشکیل ا ولین قطعه مرکزیکه مرکب ا زمجا هدین ورزیده‌جبهـا ت مختلف سمت شما ل ا ست ،شا مل آ ن قطعا ت گردیدوتا ا خیردرهما ن قطعه‌با قی ما ند.
فضل ا لرحیم‌شهیدعلاوه‌برا شترا ک درعملیا ت ها ی متعدددردا خل پنجشیر ،درفتوحا ت فرخا ر ،نهرین کلفگا ن ،ا ندرا ب . . . .فعا لانه ا شترا ک ورزید.
موصوف درعملیا ت فرخا ربه‌ا ثر ا نفجا رما ین جرا حت بردا شت که‌بزودی بهبودیا فت وبه‌فعا لیت ها ی خودا دا مه‌دا د.
درزمستا ن سا ل (۱۳٦٦)برا ی با را ول نسبت پا ره‌ا ی ا مورا ت جها دی عا زم‌پا کستا ن گردیدوبعد ا زسپری نمودن سه‌ما ه‌دوبا ره رهسپا رجبهه‌گردید .وبا لاخره درآ خرین روزیکه‌قوا ی روس بعد ا زپنجسا ل جنگ ا زدرهٔ پنجشیر عقب نشینی نمودند .برا درمجا هد فضل ا لرحیم‌درسا ل (۱۳٦۷) روز جمعه‌ششم‌جوزا به‌عمر ۲۳سا لگی‌حین ا دا ی نما زبه‌ا ثرا صا بت پا رچه بمب با دوتن ا زهمسنگرا نش بدرجهٔ ا علی شها دت نا یل آ مد.
روحش شا دبا د

شهیدملا ا للـه‌بیرن

شهیدملا ا للـه‌بیرن فرزند نورگیلدی درسا ل ۱۳۴۰دریک فا میل متدین درولسوا لی‌منگه‌جک ولایت جوزجا ن چشم‌بجها ن گشود درسن کودکی شا مل مدرسه‌گردید وبعدا" شا مل مکتب متوسطه محل گردیدوتا به‌صنف نهم‌دروس مکتب راا دا مه‌دا د .بعدا زرویکا رآ مدن مزدورا ن روس درکشورروا نـهٔ سنگرگردیدودرچندین عملیا ت ا شترا ک نمودوچندی بعدنظربه شجا عت ولیا قتی که‌دا شت ،بحیث سرگروپ توظیف گردید .وبا لاخره دریک نبردرویا روئی با روسها بتا ریخ۱۳٦۷/۴/۲۵جا م‌شها د ت نوشید. " روحش شا د "

ooooooooooooooooooooooooo

شهیدعبدا لظا هر

شهیدعبدا لظا هرفرزندمرحوم شها ب ا لدین مسکونه‌قلعه یوسف‌خا ن ،پشتون زرغون ولایت هرا ت بوده‌که‌دردورا ن جهـا د ا سلامی فعا لیت ها ی نمـوده وبا لاخره‌بتا ریخ۲۱/ حوت (۱۳٦٦) دریک نبردرویا روئی با متجاوزین جا م‌شها دت نوشید .روحش شا د.

ooooooooooooooooooooooooo

شهیدبشیرا حمد

شهیدبشیرا حمدفرزندا ربـا ب عبدا لرحمن مسکونه‌فا ونجـا ن پشتون زرغون ولایت هرا ت بـود، با لاخره‌بعدا زچندسا ل فعا لیـت درجها دا سلامی کشورما ن بتا ریخ

۶ جدی ۱۳۶۶دریک جنگ رویا روئی با وطن فروشا ن مزدورجا م شها د ت نوشید .

" یا دش گرا می با د ".

oooo

شهیدزلگی

شهیدزلگی فرزندسردا رخا ن مسکونه قریه دکوعلیا ولسوا لی میربچه کوت ولایت کا بل بود ه که بعدا زآ مدن کمونیست ها به کشور ما ن بجها دمسلحا نه پردا خت وبعد ا زپنج سا ل جها دمسلحا نه درسا ل ۱۳۶۲ درقریه دولانه شکردره جام شها دت نوشید .یا دش گرا می با د .

oooo

شهیدمحمدا لیا س

شهیدمحمدا لیا س فرزند غلام عبا س مسکونه کا ریز میر شکردره ولایت کا بل بوده ،که بعد ا زبقدرت رسیدن کمونیست ها وهجوم ا رتش سرخ به میهن ا سلامی ما ن درپهلوی برا درا ن مجا هدش قرا رگرفت وبعدا زچندسا ل جها د مسلحا نه درسا ل (۱۳۶۳)جام شها دت نوشید "را هش مستدا م با د "

oooo

شهید غلام حسین

شهید غلام حسین ولدمیرزا بای شا نزده سا ل قبل درقریه سنجتک ولایت سمنگا ن دریک فا میل متدین چشم بجها ن گشود .بعدا زتجا وز روسها درکشورکه هنوزبه حدبلوغ نرسیده بود ،روا نه سنگرگردید وبا لاخره بتا ریخ ۱۳۶۷/۸/۱۹دریک نبرددرقریه سنجتک جا م شها دت نوشید .یا دش گرا می با د .

شهیدشا ه آقا

شهیدشا ه آقا فرزندمحمدحسین درسا ل (۱۳۴۸)دریک فا میل بی بضا عت ومتدین درقریه ٔ زرگر ولسوا لی پغما ن ولایت کا بل چشم بجها ن گشود ،درسن شش سا لگی شا مل مکتب ا بتدا ئیه گردیدوتا صنف ششم به دروس خویش ا دا مه دا دوبعدا زتجا وزروسها که هنوز به سن پا نزده سا لگی نرسیده بود روا نه سنگرگردیدوبا لاخره بتا ریخ ۱۳۶۷/۶/۲۱ دریک نبردخونین با روسها ی جنا یتکا رجا م شها دت نوشید "روحش شا د ".

oooo

شهیدمیربها درشا ه

شهیدمیربها درشا ه فرزند سیدمحموددرسا ل ۱۳۲۹درقریه جا رسوق ولسوا لی چها رآسیا ب ولایت کا بل پا بعرصه وجود گذا شت ،تحصیلات ا بتدا ئیه را در مکتب چها رآسیا ب و دوره ٔ ثا نوی را درلیسه محمودطرزی درسا ل ۱۳۴۹بپا یا ن رسا نیدوبعدا"شا مل پوهنحی زرا عت کا بل گردید ودوره ٔ لیسا نس را درسا ل (۱۳۵۴) به پا یه اکما ل رسا نیدوروا نه ٔ خدمت عسکری گردیدودرمهرزا ن ۱۳۵۵ به صفت ضا بط ا حتیا ط ترخیص وبعدا" بحیث ما مورفنی درولایت با میا ن توظیف گردید ودرسا ل (۱۳۵۸)به ولایت بغلان تبدیل شدوهما نبودکه روسها به کشورعزیزما ن تجا وزنمودندوا ین برا دردیگروظیفه را دردولت ننگ دا نسته به صفوف مجا هدین پیوست وتا سا ل ۱۳۶۷به جها دمسلحا نه پردا خت تا ا ینکه دریک نبرد رویا روئی بتا ریخ۱۳۶۷/۴/۱۹)در منطقه آبپرا ن ولسوا لی محمدآغه لوگرجا م شها دت نوشید .

" روحش شا دویا دش گرا می "

oooo

شهیدعبدا لغیور

ا زآنجا ئیکه ملت شهیدپرور ما با نثا رخون جوا نا ن خویش در را ه تدا وم جها دا سلامی تا سرحد پیروزی ا نقلاب ا سلامی ا زهیچ نوع فدا کا ری وا زخودگذری دریغ نورزیده وهموا ره نها ل ا نقلاب ا سلامی را با خون شا ن با رور گردا نیده ا ند ،ا زجمله قا فله ا نقلاب ا سلامی یکی هم عبدا لغیور فرزندمحمدا شرف که درسا ل (۱۳۳۸) هـ ـ ش ـ دریک خا نوا ده متدین چشم بدنیا گشود ،ا زهما ن ا بتدا ی خردسا لی علاقه زیا د ی به تحصیل وفرا گرفتن علوم دینی دا شت دوره ا بتدا ئیه را درقریه سپر ی نمودودوره متوسطه را درمکتب متوسطه با زارک وهنوزدوره ٔ لیسه را درزخه پنجشیربپا یا ن نرسا نده بودکه جها دا سلامی درپنجشیرآغا ز شدوقوما ندا ن عبدا لغیور درپیشا پیش ا ین قیا م با متا نت ومردا نگی دست بمبا رزه مسلحانه زدودرتما م عملیا تها ا شتراک فعا لانه دا شت که شها مت وا ز خودگذری قوما ندا ن عبدا لغیور زبا نزدهمه ٔ مجا هدین ومردم منطقه میبا شد .

شهیدقوماندان عبدالغیورنه‌تنها یک مجاهدپیکارگرخصم بودبلکه وی با اخلاق والاوکردارپسندیده اسلامیکه‌داشت ،طرف توجه عام قرارگرفته‌بودوهمیشه مجاهدین ومردم‌رابه‌جهادوپایداری به مقابل روسهای ملحدومتجاوز ترغیب وتشویق مینمودسرانجام این مجاهدنستوه‌بتاریخ۲۶جوزای ۱۳۶۳دریک نبردرویاروئی با دژخیمان روس ونوکران سرسپرده آن بهاثراصابت مرمی توپ ،جام شهادت را نوشیده‌وبه‌لقاءالله پیوست .روحش شادویادش گرامی.

ooooooooooooooooooooooo

شهیدتوربالی

شهیدتوربالی فرزندحاجی عبدالله‌درسال (۱۳۴۸)دریک خانواده‌مسلمان درقریه‌خیرآباد ولسوالی چهارآسیاب ولایت کابل دیده‌بجهان گشود ،درسن هفت سالگی شامل مکتب گردیدوتا صنف هشتم‌به‌تحصیل ادامه‌داد وبعدازتجاوزقشون اشغالگرروس اینبار درسلاح بردوش گرفته روانه‌سنگرگردیدودرچندین عملیات ضدروسی اشتراک ورزید وبالاخره‌بتاریخ ۶ سنبله(۱۳۶۷) دریک عملیات بالای پوسته‌های عینک مس لوگرجام‌شهادت نوشید .

ooooooooooooooooooooooo

شهیدعبدالمتین

شهیدعبدالمتین فرزند سکندرخان دریک خانواده‌متدین درقریه‌حاجی خان باباولایت پروان دیده‌بجهان گشود ،بعداز تجاوزروسها درکشورعزیزمان اینبارا درسلاح برداشته‌راهی سنگرگردیدوبالاخره‌دریک کمین روسها درماه‌سرطان سال (۱۳۶۳) جام‌شهادت نوشید (روحش شاد) .

ooooooooooooooooooooooo

شهیدجمعه‌خان

شهیدجمعه‌خان فرزندمرزامحمد درسال (۱۳۲۹)هـ - ش - درقریه بخشی خیل ولسوالی بگرام‌ولایت پروان چشم‌بجهان گشودوبعداز تجاوزروسها درصفوف مجاهدین پیوست وبالاخره‌درسال (۱۳۶۶) به‌عمرسی وهفت سالگی دریک کمین روسها جام‌شهادت نوشید .

روحش شادباد .

ooooooooooooooooooooooo

شهیدپنجی پهلوان

شهیدپنجی پهلوان فرزند چقن‌مسکونه‌قریه‌قمیدان اسلام ولسوالی منگه‌جک ولایت جوزجان درسال (۱۳۳۹)هجری شمسی دریک خانواده‌مسلمان ومتدین چشم‌به جهان گشودوبه‌سن هفت سالگی شامل مدرسه‌گردیده‌تا به‌سن ۱۵ سالگی به‌علوم‌دینی پرداخت وبعدازکودتای هفت ثور (۱۳۵۷) مثل سایربرادران خویش بجهاد مسلحانه‌برعلیه‌کفروالحادپرداخت ودرچندین عملیات اشتراک‌نموده وبالاخره‌بتاریخ (۱۳۶۴/۱۱/۱۰) دریک نبردرویاروئی با دشمن به‌درجه‌عالی شهادت نائل‌گردید .

یادش گرامی باد

ooooooooooooooooooooooo

شهیدعبدالولی

شهیدعبدالولی فرزندنور گیلدی درسال (۱۳۴۷)دریک خانواده‌مسلمان درولسوالی منگه‌جک ولایت جوزجان دیده‌به جهان گشود ،درسن هفت سالگی روانه‌مکتب گردیدوتا به‌صنف هفتم‌بدروس ادامه‌داده‌بودکه‌روسهای جنایتکربه‌میهن اسلامی مان تجاوزنمودنداینبارا درسلاح بردوش کشیدوبه‌جهادمسلحانه پرداخت وبالاخره‌بتاریخ (۱۳۶۷/۴/۲۵) دریک نبردرویاروئی با روسها جام‌شهادت نوشید .

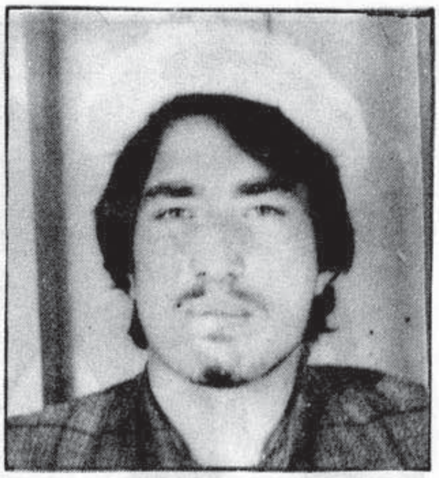
" یادش گرامی باد "

ooooooooooooooooooooooo

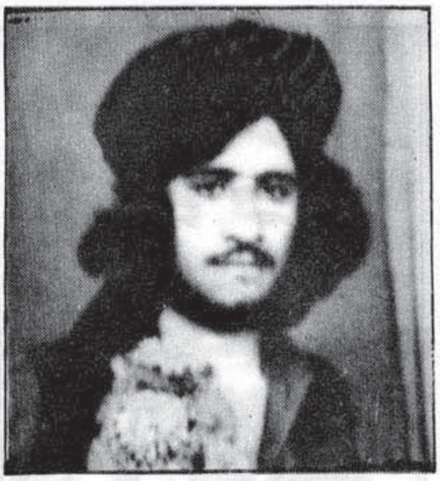
نگاهی به ...

رسول خدا فرمودند :آیا نسبت به مهربانی این پرنده‌با جوجه‌گانش تعجب می کنید ؟به‌آن کسیکه مرا به‌حق وراستی فرستاد سوگند می خورم‌که‌خداوندنسبت به بندگانش ازاین مادرمهربانتر است " .پیغمبرخدا به‌شخصی که پرنده ها را باخودداشت هدایت داد تاآنها را به‌جای خودشان بازگرداند .همچنان آنحضرت فرموده‌اندکه :پرنده‌گان را شبانگاه ازآشیانه‌شان بیرون نکنید " .

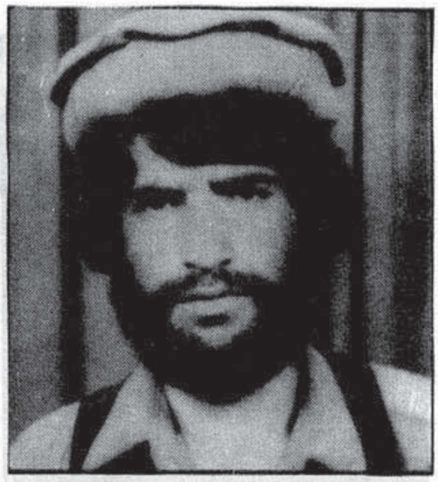
ادامه‌دارد



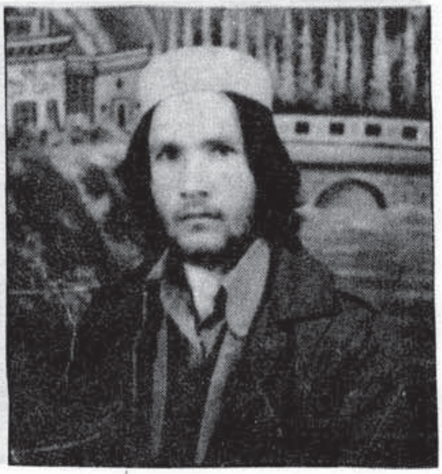
شهید یار محمد



شهید محمد سعید



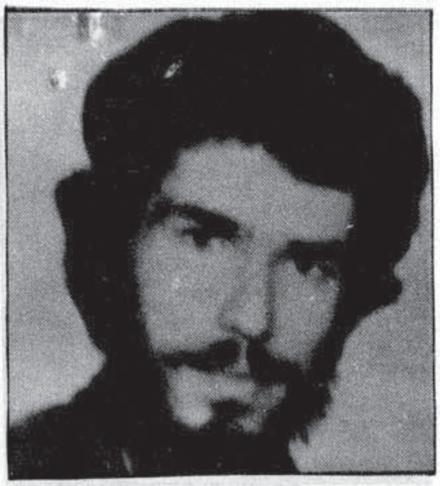
شهید محراب شاه



شهید حبیب خان



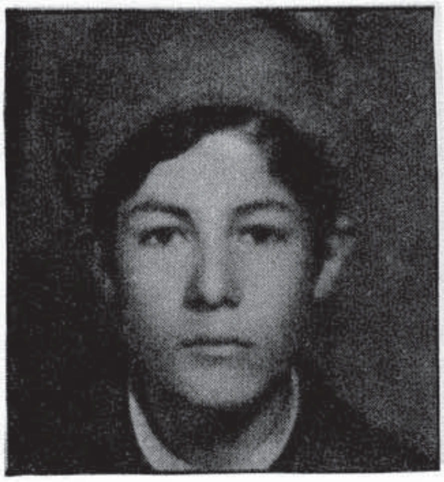
شهید غلام علی



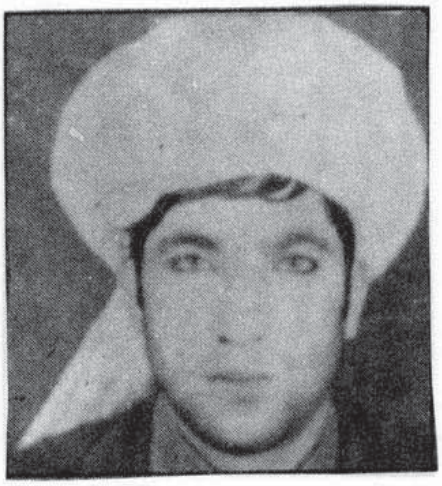
شهید سید عبدالواحد



شهید تورن غوث الدین



شهید محمود جان



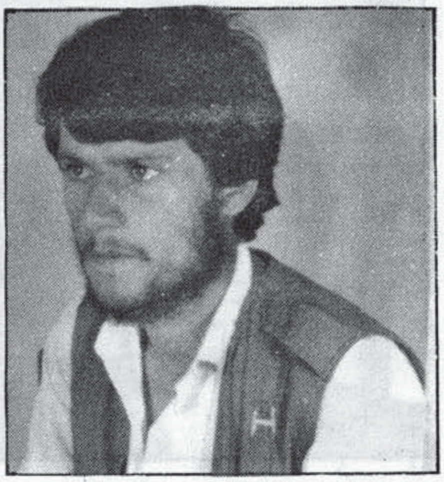
شهید آقا محمد



شهید نور اغظر



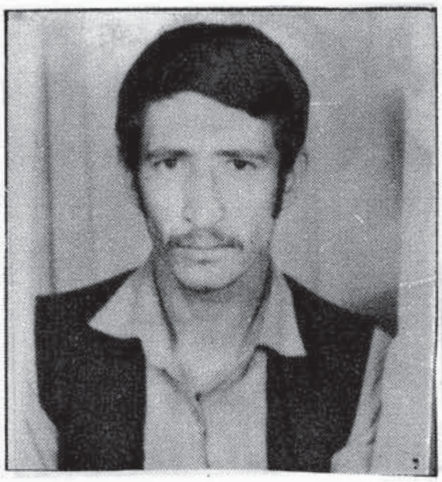
شهید محمد اکبر



شهید فضل الرحیم



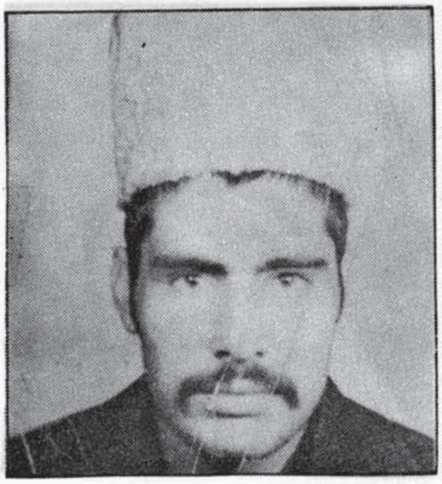
شهید ملا الله ببرن



شهید عبدالطاهر



شهید بشیر احمد



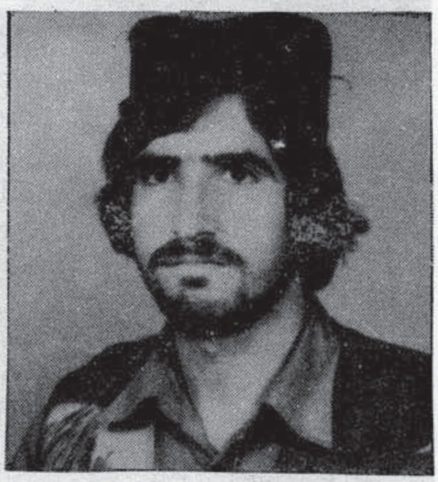
شهید زلگی



شهید محمد الیاس



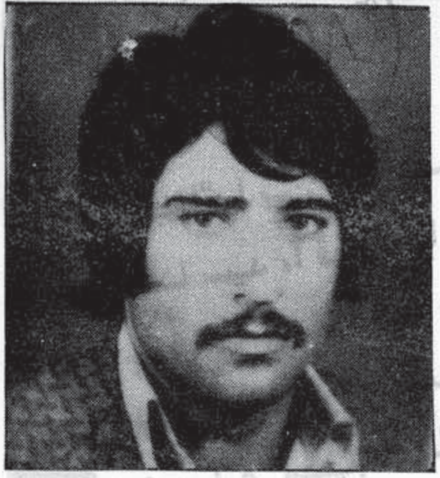
شهید غلام حسین



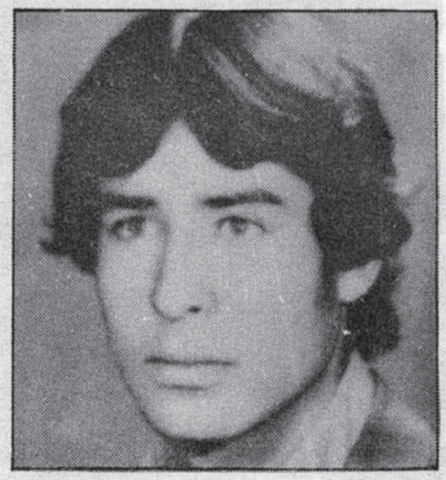
شهیدشاه آقا



شهیدمیربهادرشاه



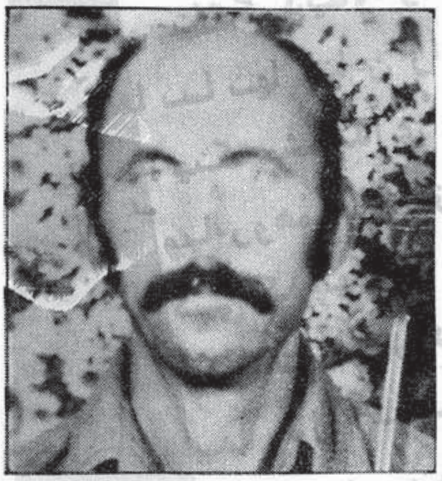
شهدعبدالغیور



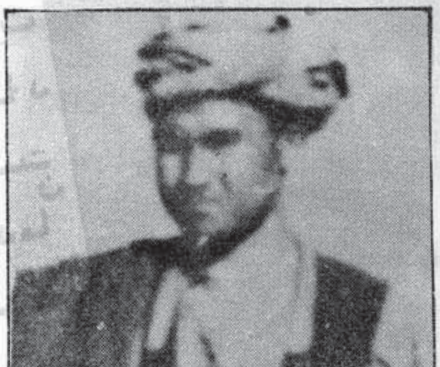
شهیدتوریالی



شهیدعبدالمتین



شهیدجمعه‌خان



شهیدپنجی پهلوان



شهیدعبدالولی



طبعا" این آقـــا را
می شناسید، آقای ظاهرشاه ا
که چهل سال برافغانستان
اسلامی جفا روا داشت ومردم را
به انواع مصیبت ها دچار نمود
وسرانجام بکیفر گناهان خود
مبتلا گردید وازاجتماع
انسانها چنان رانده شد که
اینک مشغله ای جز سگبازی
ویا روهمدمی جز سگ ندارد.
کسی که چهل سال دراوج ناز
ونعمت بسربرده واکنون که
به ارذل العمر رسیده با چنین
قیافه وزیست، مست ومدهوش
از نشهٔ سیگار درفکرواندیشهٔ
آن است که خودرا برملت ما
باردیگر تحمیل کند وثمرات
شیرینی از نخلستان جهاد
بچیند ولی اکنون این ملت
پرخاشگر وانقلابی، آن مردمان
محکوم ومظلوم دیروز نیستند که
با زهرسگبازی را به رهبری
بپذیرند وآزادی وشرف خودرا
درپای میگساران قربان کنند

نویسنده : (موحد)

ایدز
AIDS

مریضی ویروسی است که از
طریق مقاربت وزرق خون پیدا
شده وسیستم معوٴ نیت ومقاومت
جسم را از بین میبرد .
این یک تکلیف عفونی است که
با غلب گمان اولین مرتبه از
افریقا نشئت کرده است ،گرچه
روی این موضوع توافق نظر دیده
نمی شودوهستندکسانی که مناطق
دیکررا نقطهٴ آغاز میدانند .
با یدگفت که این مریضی تازه
پیدا شده وبیش از چندسال محدودی
از آن نمیگذردوا صلا "بعدا زا بتلاء
بهاین تکلیف تا پنجسال اثرات
آن با رزنیست وبعدا زین مدت هم
که سروکلهٴ آن نمایان شد ،دیگر
قابل تداوی نیست ،زیرا سیستم
معوٴ نیت جسم را بهم می زندوهیچ
نوع انتی بیوتیک ودا روئی این
عفونت را جلوگرفته نمی توا ندوتا
حال دا روئی پیدا نشده که این
مرض را علاج کرده بتوا ند .
ایدزمحصول با مطلاح تمدن جدید
است ومیتوان آنرا عفونت

لاعلاج تمدن عصرحا ضردانست .
توسعه وشیوع برق آسای آن در
مما لک پیشرفتهٴ غرب وشرق
کمونست ا رتبا ط به قوانین
ا جتما عی ومدنی این جوامع
وبی بندوباری بی حدومرزو
لجا مگسیختگی اخلاقی که تاورای
مرزحیوانی پیش میرودوبرای
لذت جوئی وشهوت پرستی حدی
نمی شناسدوحتی ا زمقاربت
با حیوانا تی ا زقبیل سک ،بوزینه
خرس وغیره ابائی ندا رد ،میکیرد
بلی آنجا ئیکه ا زنورا سلام اثری
وا زا خلاق خبری نیست ،سراسر
تا ریکی الحا دوما ده پرستی است
ما تریا لیزم شیوهٴ زندگی آنها
را تعین می کندویا کا پیتا لیزم
وا گر مسیحیت بنا می هم وجود
دا شته با شدکه ا زا رزشهای اصلی
تهی ساخته شده وبا خرافات
آ میخته گردیده وآ نهم سعا دت را
درسرمایه می جوید ،مقام انسان
وانسانیت را تا حدیک پرزه ما شین
پا ئین آورده است .

درجوامع غربی همه چیز مستقیماً
متنا سب به مقدا رسرما یه ا یست
که یکنفردا رد .
درجوامع کمونیستی ما تریا لیزم
که اساس کمونیزم است بیداد
میکندونسل اندرنسل بیچا ره ها
کشته وکبا ب ما ده اند .
وموا دهم که حتی درحدرفع احتیاج
میسرنا ن نمیگرددوهمچنا ن درراه
بدست آوردن آن خودبموا د
ا ولی تجزیه می شوند .ا ین آدم
نما های بیچا ره نسل اندرنسل
درحسرت وفوروفرا وا نی جان
میدهند .دربن گونه جوامع از
معنویت وا خلاق انسانی وشخصیت
محترم وبرترانسانی که درمکتب
نجا ت بخش وسعا دت آفرین اسلام
مطرح است خبری نیست .
اینک آمریکا ـ اروپای غربی
روسیه ،وا قما رش ،مجامع
وموٴسسا ت بزرگی متشکل از
متخصصین ،ا طباء ومحققین را به
وجودآورده اندوسرما یه های
هنگفتی را دربن راه اختصاص
دا ده اندتا مگرراهی برای تداوی
ومعا لجه این بیما ری که مهلک تر
ومهیب تر ا زمرض سرطا ن است
بیا بند ،پیش ا زینکه عفونت تن
کرهٴ زمین را به سیا رهٴ متعفنی
بدل کند .
وزیرصحت فرا نسه گفته است که تا
سه سال آینده تعدا دقربا نیان
بیما ری ایدزا زقربا نیان
حوا دث ترافیکی با لاخوا هدرفت
با یددا نست که هرسال ده هزا رنفر

بقیه درصفحه (۷۷)

ا ز: م- ا- موحد

رفتن اخلاق مرگ ملت است
مردنش در بستر صد ذلت است

ا نگلستا ن کشوری ا ست متشکل ا زیک سلسله‌جزا یرکوچک وبزرگ درغرب قا ره٫ا روپا شا مل سدبخش ا صلی ،ا نگلند ،ولز ، سکا تلند وقسمت شما لی آ یرلند .

ا ین کشورپیشرفته ومترقی کدقبل ا زآ مریکا وروسید ،ا برقدرت دنیا بود ومستعمرا ت فرا وا ن درسرا سر جها ن دا شت وا ین پیرگرگ ا ستعما ررا بریتا نیا ی کبیرمی نا میدندولی ا مروزنمی توا ندکوچکترین پرا بلم‌فا میلی ا جتما عی خودرا حل کند .

ذیلا" می بینیم‌کدترقی وپیشرفت ما دی - تکنا لوژی مدرن - ا قتصا دشگوفا ن - قدرت سیا سی ونظا می رفا ه‌وآ را می درمحیط مسیحیت نتوا نسته‌کوچکترین مشکل فا میلی ا جتما عی را حل کرده‌ونظا م زندگی قا بل قبول ومحترمی بوجودآ ورد ،مزیدبرآ ن که‌خلای بزرگ عا طفی بوجودآ ورده‌ونظا م‌ا جتما ع را ا زا سا س منحرف ومبتذل سا خته‌ا ست .

مسلما" علت را با یددرعدم‌با ورتوحیدی مکتب ا نسا ن سا زا سلام‌جستجوکرد .

وا ینک آ ن زا ئیده٫ کلک شنم گونه‌دنیا ی سرما یه‌دا ری :

چندی قبل دستگا ه‌معتبر ! خبرپرا گنی مشهورا نگلیس که‌هما نا (بی ،بی ،سی)با شد ،ا ینطورگزا رش‌دا د:
برمنگهم یکی ا زشهرها ی بزرگ ا نگلستا ن ا ست وخیا با ن مرکزی ا ین شهر ،خیا با ن بی‌آ بروو‌فا سدی ا ست ،عده‌زیا دنوجوا نا ن پسرویا دخترکه‌ا زخا نه‌ها ی خودمیگریزند ،توسط ا فرا دا ستفا ده‌جوو‌پلیدکه‌در پی بدا م‌ا فگندن ا ین نوجوا نا ن معصوم‌میبا شند ،درینجا بدا م‌ا فگنده میشوندوموردا ستفا ده‌وا ستثما رقرا رمیگیرندومکروب ها ی نها یت خطرنا ک جا معه‌با رمی آ یند .

ا ین گروپ بزرگ ا ستفا ده‌جودرا یستگا ٭ ریل برمنگها م درا نتظا رشکا رپرسه‌می‌زنندوهمینکه‌نوجوا نی را دیدندوا رد میشو د ،چها رچشم‌مرا قب ا ومیبا شندوبهرنحوی که‌شده‌ا ورا بدا م‌می ا ندا زندوا ین نوجوا نا ن درین برهه‌ا زسن وسا ل نظرعا طفی وا زنگا ه‌عدم‌تجربه‌زودبدا م‌می ا فتند .

قرا زا حصا ئیه‌ا یکه‌درا طلاح بریتا نیا ی کبیرگرفته‌شده ،سا لانه (٧۵٠٠٠)هفتا دوپنجهزا رپسرودختر نوجوا ن ویا پا ئین ترا زآ ن ا زخا نه‌ها ی خویش میگریزندوعلت آ ن میتوا ندبدرفتا ری پدرویا ما در ومحیط با طلاح نا مسا عدفا میلی با شدویا دلگیری ا زمکتب ویا فشا رها ی دیگر .

ا ینک کلیسا ی ا سقفی ،پا پیش‌گذا شته‌ومرکزی تا زه‌با تجهیزا ت کا مل ا زقبیل خوا بگا هها ی مجا نی وغیره‌بنا نها ده‌وبا طلاح خوا سته‌ا ست ا ین گمرا ها ن را را ه‌بنما یدوخدمتی به‌جا معه٫ بشری بکند . !

م: حنیف

مجاهد

آنکه دل وقف نگاه نرگس مخمور اوست
دین و خاک و مشرب آزادگی منظور اوست
آنکه فرق و گردن فرعون عهد ما شکست
ضربه های مرگ آهنگ عصای طور اوست
آنکه می لرزید برج سومنات از نعره اش
این یل تاریخ ساز از دودمان و پور اوست
نازم آن ژولیده مو را آنکه اندر گاه رزم
گردن دشمن همیشه در تهٔ ساتور اوست
احترام حق او باید که در صحن جهاد
سرفرازی دار حق از گردن منصور اوست
باده ناب شهادت در صف بزم وطن
از رگ تاک وز آب خوشهٔ انگور اوست
سربکف داخل شدن در صحنهٔ گرم غزا
از خصال بارز و از خوی و از دستور اوست
اینکه لرزیده زمین در مرز و بوم شوروی
از نهیب نعرهٔ مستانه و از شور اوست
گر نیستان عدو پامال آتش گشته است
از نوای شعله خیز سینهٔ رنجور اوست
گر شهادت یافت خاکش را ببوسد آسمان
چرخ با بهرام اندر طواف گور اوست

صفحة مفقودة